



کانون مدافعان حقوق کارگر

خصوصی سازی معادن

حوادث معدن در گذر تاریخ

اعتراضات و تشکلهای کارگران معدن

در خاتون آباد شهربابک چه خبر بود؟

بیماری های ناشی از کار در فعالیت های معدنی

ویژه نامه معدن

ویژه نامه‌ی کارگران معدن

فهرست مطالب

نگاهی آماری به وضعیت معادن /	۲ ص	مسکن کارگران معدن /	۳۴ ص
خصوصی‌سازی معادن /	۴ ص	اعتراضات و تشکلهای کارگران معدن /	۳۵ ص
حوادث کار در معدن و دلایل آن /	۱۵ ص	اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق	۴۲ ص
حوادث معدن در گذر تاریخ /	۲۰ ص	اعتراضات مردمی علیه نابودی محیط زیست ناشی از فعالیت‌های معدنی	۴۳ ص
بیماری‌های ناشی از کار در فعالیت‌های معدنی /	۲۳ ص	در خاتون آباد شهربابک چه خبر بود؟ /	۵۰ ص
زندگی کارگران معدن /	۳۰ ص		

Kanoon.m.h.kargar@gmail.com
www.kanoonm.com

صورت گرفته که حاصل آن درآمد سالانه ۱۵ میلیارد دلاری از این واحدها است.

مطابق با آخرین آمار منتشره‌ی مرکز آمار ایران، تعداد معادن در حال بهره‌برداری کشور در سال ۱۳۹۱ با ۷۰ مورد افزایش، ۱.۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است که تنها ۳.۶ درصد معادن کشور در اختیار بخش عمومی و ۹۶.۴ درصد در اختیار بخش خصوصی بوده‌اند و نسبت به سال ۱۳۹۰ معادن بخش عمومی ۰.۴ درصد کاهش داشته است. در سال ۹۲ معادن تحت مالکیت بخش خصوصی به ۹۸ درصد کل معادن رسیده است.

این آمار نشان از این دارد که این خوان نعمت برای بخش خاصی از ما بهتران گسترده شده است. به گفته‌ی معاون امور معدنی صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت عمده مواد معدنی که در اختیار دولت است شامل سنگ آهن، سرب و روی است. ۱۲ معدن فعال طلا در کشور وجود دارد که بیشتر این معادن در سه سال گذشته فعال شده‌اند و تنها یکی دولتی است و میزان معدن مس و آهن نیز به ترتیب ۳۹ و ۱۳۳ معدن است. (۱)

برای اینکه حجم این ثروت عظیم را دریابیم باز به آمار برمی‌گردیم. مطابق آمار منتشر شده در سال ۱۳۹۱، حدود ۳۴۰,۴۶۱ هزار تن مواد معدنی به ارزش ۱۰۱,۲۱۰ میلیارد ریال تولید شده است. از این مقدار حدود ۵۴۱۶ هزار تن مواد معدنی به ارزش ۶۱۱ میلیون دلار به طور مستقیم از معدن به خارج از کشور صادر شده است این در حالی است که در سال ۱۳۹۰، حدود ۵۲۸۶ هزار تن مواد معدنی به ارزش بیش از ۸۸۸ میلیون دلار صادر شده است. به این ترتیب، مقدار صادرات مستقیم معادن در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۲.۵ درصد افزایش داشته اما ارزش آن (برحسب دلار) بیش از ۳۱.۲ درصد کاهش داشته است.

ارزش افزوده معادن در حال بهره برداری در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال قبلی ۵۷ درصد افزایش داشته است و بالغ بر ۷۹.۱۶۳ میلیارد ریال بوده است. ارزش افزوده معادن بخش عمومی در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایشی معادل ۸۱.۴ درصد

جدول ۱- شاخص‌های منتخب معادن در حال بهره‌برداری کشور بر حسب بخش عمومی و خصوصی ۱۳۹۱-۱۳۹۰

شرح	۱۳۹۰			۱۳۹۱		
	جمع	بخش خصوصی	بخش عمومی	جمع	بخش خصوصی	بخش عمومی
تعداد معادن	۵۳۶۶	۵۰۲۶	۲۰۹	۵۱۲۴	۵۱۲۴	۱۹۲
تعداد شاغلان	۸۴۵۲۸	۶۶۶۷۸	۱۷۸۵۰	۸۴۹۲۲	۶۲۹۴۸	۲۱۹۷۴
ارزش افزوده (میلیارد ریال)	۵۰۴۲۲	۳۵۰۶۹	۱۵۲۵۳	۷۹۱۶۳	۵۱۳۰۹	۲۷۸۵۵
جبران خدمات شاغلان (میلیارد ریال)	۳۳۱۷	۵۰۹۴	۲۲۲۳	۸۸۵۱	۵۹۹۱	۲۸۶۶
سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)	۶۱۴۹	۳۳۳۱	۲۴۱۸	۸۶۰۷	۳۳۹۴	۳۳۱۳
بهره‌وری نیروی کار (میلیون ریال)	۵۹۷	۵۲۶	۸۶۰	۹۳۲	۸۱۵	۱۶۶۸

نگاهی آماری به وضعیت معدن

ایران از نظر تنوع معدنی جزو ۱۰ کشور برتر جهان است و ۶۸ نوع ماده معدنی قابل استخراج در آن شناسایی شده است. ایران روی کمر بند آهن، روی، سرب، مرمیت، مس و طلا قرار گرفته است و دست‌کم ۱۰۰ سال مواد معدنی برای تولید و استخراج دارد در کشور حدود ۴۰ میلیارد تن ذخیره معدنی وجود دارد، از سنگ آهن و سرب و روی گرفته تا اورانیوم و تیتانیوم، طلا و انواع سنگ‌های تزئینی، خاک سرخ، گچ، نمک، سولستین و زئولیت، سولفات سدیم، زغالسنگ و کرومیت....

در حال حاضر ۱۲ معدن مهم جهان، ۸ درصد ذخایر روی و ۳ درصد ذخایر سرب جهان در ایران قرار گرفته است و ذخایر شناسایی شده مس نیز به بیش از ۳۰ میلیون تن می‌رسد. طبق پیش‌بینی‌ها و بررسی‌های صورت گرفته براساس آمار اعلام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت طی نیم قرن اخیر در معادن و صنایع معدنی ایران ۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری

نفر در بخش غیرتولیدی مشغول به کار بودند. جالب است بدانیم که نظام آموزش عالی از سال ۱۳۸۹ پذیرش بانوان را در رشته معدن منع کرده است. (۲)

در چکیده‌ی آمار منتشره توسط سازمان آمار حقوق و دستمزد کارگران با اصطلاح "جبران خدمات شاغلان" آمده است و مطابق با آن میزان دستمزد و حقوق پرداختی به کارکنان معدن در سال ۹۱ مبلغ ۱۵۴۱ میلیارد ریال یعنی ۲۱.۱ درصد افزایش داشته‌اند.

سرانه جبران خدمات شاغلان معدن بخش عمومی در سال ۱۳۹۱، حدود ۱۳۰.۴ میلیون ریال و در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲۴.۵ میلیون ریال بوده است که به این ترتیب افزایشی معادل ۴.۷ درصد داشته است. سرانه جبران خدمات شاغلان بخش خصوصی در سال ۱۳۹۱، حدود ۹۵.۲ میلیون ریال و در سال ۱۳۹۰ حدود ۷۶.۴ میلیون ریال بوده است که ۲۴.۶ درصد افزایش داشته است. مقایسه‌ی ساده‌ی میزان افزایش بین ارزش افزوده و دستمزدها گویای همه چیز است. در اصطلاح می‌گویند: "معدن مساوی است با ارزش افزوده."

ارزش سرمایه‌گذاری معدن در حال بهره برداری

ارزش سرمایه‌گذاری معدن در حال بهره برداری در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰، ۴۰ درصد افزایش داشته است.

از کل ۸۶۰۷ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۹۱، مبلغ ۵۹۶۴ میلیارد ریال مربوط به ماشین‌آلات، ابزار و وسایل کار با دوام، ۴۷۴ میلیارد ریال مربوط به وسایل نقلیه، ۱۵۱ میلیارد ریال مربوط به لوازم و تجهیزات اداری، ۱۵۲۹ میلیارد ریال مربوط به ساختمان و تأسیسات (بدون زمین)، ۱۱۲ میلیارد ریال به راه اختصاصی، ۳۱۷ میلیارد ریال مربوط به توسعه و اکتشاف، ۲۰ میلیارد ریال مربوط به نرم افزارهای رایانه‌ای و بالاخره ۴۰ میلیارد ریال مربوط به سایر موارد سرمایه‌گذاری بوده است که جبران خدمات کارکنان را هم شامل می‌شود و در سال ۱۳۹۱، بهره‌وری نیروی کار در بخش عمومی ۱۲۶۷.۶ میلیون ریال و

داشته است، این درحالی است که بخش خصوصی ۴۶.۳ درصد افزایش داشته است. افزایش بهره‌وری نیروی کار به میزان ۵۶.۳ درصد در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰ امکان این میزان ارزش افزوده را فراهم کرده است.

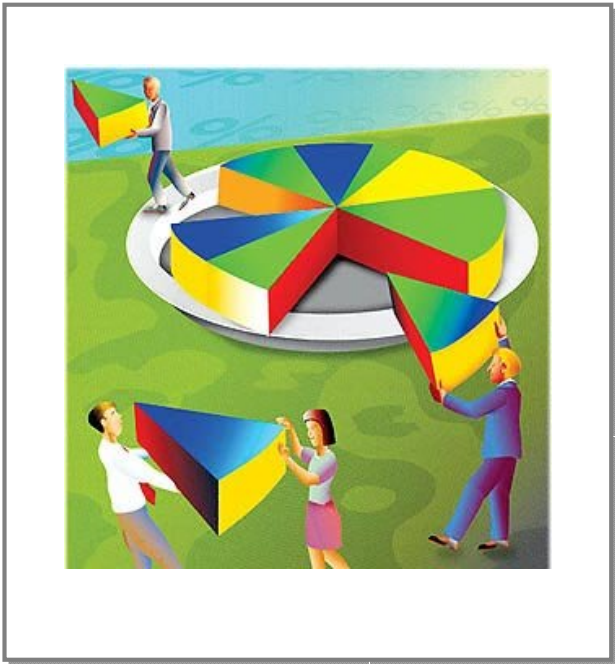
مجموعاً ۸۴۹۲۲ نفر در معادن در حال بهره‌برداری کشور مشغول به کار بوده‌اند که از این تعداد ۲۰۲۶۱ نفر کارگران ساده، ۲۴۲۳۶ نفر کارگران ماهر، ۳۲۸۳ نفر تکنسین‌ها، ۴۸۶۰ نفر مهندسی، ۱۴۳۴۲ نفر شاغلان امور حمل و نقل و ۱۷۹۴۱ نفر شاغلان امور اداری و مالی بوده‌اند.

مرکز آمار ایران در آخرین آمارگیری از معادن کشور اعلام کرد که حدود ۱.۲ درصد از کل شاغلان در بخش معدن را زنان تشکیل می‌دهند، به طوری که از ۸۴ هزار و ۵۲۸ شاغل در بخش معدن در سال ۱۳۹۰ معادل یک هزار و ۷۹ نفر زن بودند.

نتایج آمارگیری از معادن در حال بهره برداری کشور در سال ۱۳۹۰ نشان داد از مجموع یک هزار و ۷۹ نفر شاغل زن در معادن کشور، بیشترین نفرات در معادن سنگ آهن به تعداد ۳۰۱ نفر، معادن شن و ماسه با ۱۴۶ نفر، سنگ مس با ۱۲۵ نفر، استخراج زغال سنگ با ۹۶ نفر و سنگ تزئینی با ۹۵ نفر مشغول به کار بوده‌اند.



در عین حال به استناد گزارش مرکز آمار ایران از مجموع زنان شاغل در بخش معدن تعداد ۳۲۱ نفر در بخش تولیدی و ۷۵۸



خصوصی‌سازی معدن

مطابق با آخرین آمار منتشره‌ی مرکز آمار ایران در سال ۹۲ معدن تحت مالکیت بخش خصوصی به ۹۸ درصد کل معدن رسیده است. بر مبنای آمار اعلام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال ۹۲ خصوصی‌سازی در بخش معدن و صنایع معدنی درآمد ۲۶ هزار میلیارد تومانی را به همراه داشته؛ رقمی که موجب شد تا این بخش عنوان پیش‌تاز در خصوصی‌سازی را از آن خود کند و اعلام شد که باید این روند ادامه یافته و شرکت‌ها و معدن باقیمانده نیز خصوصی شوند. (۱)

خصوصی‌سازی در بخش معدن در سال ۹۳ نیز ادامه داشته است.

تا پیش از سال ۷۷ امکان حضور بخش خصوصی در معدن به جز معدن شن و ماسه وجود نداشت و مالکیت معدن در اختیار دولت بود. در این سال قانون معدن تغییر کرد و به این طریق این امکان برای بخش خصوصی به وجود آمد تا در بخش معدن حضور پیدا کند.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در خصوص واگذاری‌های صورت گرفته در بخش معدن، می‌گوید: خصوصی‌سازی از سال ۱۳۸۱ در کشور مطرح شده و پیش‌تاز این امر، بخش معدن و صنایع معدنی بوده است؛ به طوری که در ایمیدرو (۲) تا پایان

بهره‌وری نیروی کار در بخش خصوصی ۸۱۵.۱ میلیون ریال بوده است که نشانگر ۴۷.۴ درصد افزایش در بخش عمومی و ۵۴.۹ درصد افزایش در بخش خصوصی است، (۳)

همان طور که در آمارها مشخص است میزان دستمزد و حقوق کارگران تنها ۲۴.۶ درصد افزایش داشته در حالی که بهره‌وری در بخش عمومی ۴۷.۴ درصد و ۵۴.۹ درصد در بخش خصوصی افزایش داشته و ارزش افزوده در بخش عمومی ۸۱.۴ درصد و در بخش خصوصی ۴۶.۳ درصد افزایش داشته است.

منابع

۱- خبرگزاری مهر

<http://www.shafaf.ir/fa/news/177730/98%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5%DB%8C>

2- <http://www.entekhab.ir/fa/news/158008/1079-%D8%B2%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-%DA%A9%D8%A7%D8%B1-%D9%85%DB%8C-%DA%A9%D9%86%D8%AF>

لیست شرکت‌های معدنی قابل واگذاری در سال ۹۳			
نام گروه	درصد واگذاری	شرکت در برنامه واگذاری	شرکت مادر تخصصی
گروه یک	۷۷/۲۲	آلومینوم المهدی به همراه ۱۰۰ درصد ارزش طرح هرمزال	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۱۰۰	آلومینای ایران	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۴۳/۵۲	بین‌المللی معدنی ایرتیک	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۳۲/۸۳	فولاد زاگرس	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۴۰	موسسه تحقیقات و کاربرد مواد معدنی	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۱۰۰	فولاد آذربایجان به همراه ۶۵ درصد ارزش طرح فولاد میانه	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۱۰۰	زغال سنگ البرز مرکزی	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۱۰۰	مس شهر بابک «میدوک»	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۴۵/۳۱	نورد و لوله اوز	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران
گروه یک	۹۶/۴۹	توسعه خدمات بازرگانی نور ایران انبارهای نبرد	سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران



از سوی دیگر اعلام شد که ایمیدرو اجرای طرح‌های اکتشافی را به منظور توسعه بخش معدن در اولویت برنامه‌های خود قرار داده و برای سرعت بخشیدن به فعالیت‌های اکتشافی، قراردادی را برای اکتشاف معادن در سطح ۱۲ هزار کیلومترمربع از منطقه سنگان با بانک ملت و سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور امضا کرده است. همچنین قرار است در آینده نزدیک در منطقه سراوان از گوادر تا خراسان رضوی در وسعتی به میزان ۳۰ هزار کیلومتر مربع کار اکتشافی با مشارکت بخش خصوصی انجام شود. با اجرای این طرح‌ها بخشی از مواد اولیه مورد نیاز صنایع معدنی کشور تامین خواهد شد. همچنین طرحی در ایمیدرو آماده شده که بر اساس آن باید تا پایان سال آینده ۲۰۰ هزار کیلومترمربع کار اکتشافی در کشور انجام شود. اولویت در این طرح نیز اکتشاف در مناطق پریپتانسیل و دارای اکتشاف اولیه است. (۴)

البته برخی مسوولان هم مخالف این نوع خصوصی‌سازی هستند. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران خواهان توقف واگذاری تا زمان بازگشت ثبات اقتصادی است و گفته است: در شرایط فعلی هر فردی به نوعی در این واگذاری‌ها برنده می‌شود و درآمد باد آورده‌ای با ارزش ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد قیمت پرداختی خواهد داشت... هم اکنون نظام چند نرخی ارز در جامعه حاکم است و به همین دلیل دسترسی به ارز ارزان برای عده‌ای مساوی با قرار گرفتن در سرچشمه رانتی است که ممکن است فساد را در اقتصاد به همراه داشته باشد. (۵)

بر اساس گفته‌های نعمت‌زاده طی سال‌های گذشته مجوزهای زیادی در بخش معدن به صورت رانتی و بدون هیچ‌گونه تخصص و پیشینه‌ای به افراد بانفوذ یا اعضای خانواده‌های آنها واگذار شده

سال ۱۳۹۲ حدود ۲۶ هزار میلیارد تومان واگذاری صورت گرفته است.

به گفته معاون امور معادن و صنایع معدنی طی این مدت خصوصی‌سازی در صنایع فولاد و مس ۱۰۰ درصد و صنعت آلومینیوم ۵۰ درصد صورت گرفته است. وی اظهار کرد: خصوصی‌سازی قابل توجهی در بخش معدن رخ داده است.

خصوصی‌سازی معادن در ماه‌های پایانی دولت دهم سرعت بیشتری گرفت. در ابتدا سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) کاملاً مخالف چنین واگذاری بود. ناظر مجلس در شورای عالی معدن در این رابطه اظهار کرد که سازمان ایمیدرو با چنین واگذاری کاملاً مخالف است زیرا رئیس این سازمان باید در این واگذاری نقشی داشته باشد و چون ریاست این سازمان به تازگی چنین مسئولیتی را عهده‌دار شد، قطعاً با کم و کیف قضیه تا حدودی ناآشناست از این رو مخالف است. (۳)

پس این مخالفت‌ها به دلیل صیانت از اموال عمومی نیست فقط از این روست که نقشش نادیده گرفته شده است.

اما کمی بعد رییس هیات‌مدیره ایمیدرو گفت: "اولویت ایمیدرو برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های معدنی ابتدا سرمایه‌گذاران داخلی، سپس سرمایه‌گیران ایرانیان مقیم خارج و پس از آن سرمایه‌گذاران خارجی است... در دیدار و مذاکره با چند نفر از سرمایه‌گذاران خارجی که در محل ایمیدرو انجام شد، استقبال زیادی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های معدنی ایران انجام گرفته و در برخی موارد توافق‌هایی نیز حاصل و توافقنامه هم امضا شده است که از جمله آنها می‌توان به اجرای طرح الکتروگرافیتی و طرح آلومینیوم جنوب به عنوان نخستین پروژه بزرگ ایمیدرو در منطقه ویژه لامرد اشاره کرد... اجرای هفت طرح فولادی استانی که با مشارکت ۶۵ درصدی بخش خصوصی و ۳۵ درصدی ایمیدرو انجام شود. همچنین می‌توان به انتشار فراخوان طرح احداث کارخانه فرآوری باطله‌های معدن سنگ آهن جلال آباد اشاره کرد که ۴۴ سرمایه‌گذار داخلی برای مشارکت در این طرح اعلام آمادگی کردند.

را واگذار می‌کنیم در حالی که این گونه نیست ... برای چنین واگذاری یک شرکت را در بورس مطرح می‌کنند اما معدن مربوط به آن در ارزیابی‌ها نمی‌آید و سپس آن معدن را واگذار می‌کنند ... (۸)

شیوه‌ای که در این دوره برای خصوصی‌سازی انتخاب شد (واگذاری از استخراج تا فروش ماده‌ی معدنی) عملاً امکان برآورد و نظارت بر میزان استخراج و فروش را از میان می‌برد. معدن بزرگی چون چادر ملو، گل‌گهر و مس و ... بدون تشریفات قانونی و به این ترتیب واگذار شدند.

این گونه چوب‌حراج زدن به اموال و دارایی‌های عمومی صدای رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معدن ایران را هم در آورد. وی خاطر نشان کرده بود: "چنانچه این شرایط لحاظ نشود، به اسم بخش خصوصی واگذاری‌ها صورت می‌گیرد، در حالی که عده‌ای خاص به این دارایی‌های ملی و بیت‌المال دسترسی پیدا می‌کنند، بنابراین دارایی‌های عمومی و بیت‌المال را نباید به ثمن بخش (بهای اندک و ناچیز) فروخت." (۹)

بخش بزرگی از این خواص، شرکت‌هایی هستند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به سپاه و ارگان‌های اطلاعاتی وابسته‌اند. معدن طلای "زره شوران" و "آقدره" بزرگترین معدن طلای ایران و خاورمیانه به حساب می‌آیند که صاحبان اصلی معدن آقایان "حاجی عباس نیری و برادرش مجید نیری از اعضای سابق سپاه پاسداران" هستند. (۱۰)

شرکت مهر اقتصاد ایرانیان که وابسته به سپاه است و رسوایی‌اش در خرید معدن سرب و روی انگوران سبب شد که مزایده باطل شود. موضوع واگذاری معدن انگوران در دولت گذشته مطرح شد. اولین بار این معدن به مزایده گذاشته شد و دیوان محاسبات و سازمان بازرسی اجازه ندادند معدن به برنده مزایده برسد و مزایده باطل اعلام شد. بار دوم هم موسسه مهر اقتصاد ایرانیان سهام اصلی این معدن را خرید و با رسوایی بزرگی باز هم مزایده باطل شد. سومین بار در نخستین سفر استانی محمود احمدی‌نژاد به زنجان او به مردم ماه‌نشان قول داد سهامی را که در اختیار دولت است به مردم این منطقه اهدا کند که هرگز این موضوع اتفاق نیفتاد. بار آخر هم قرار شد معدن به کنسرسیومی متشکل از فعالان صنعت روی واگذار شود که این اتفاق هم نیفتاد. سود سرشار حاصل از این معدن نمی‌گذارد که بر

است. رانتی که بدون هیچ‌گونه هزینه و حتی فعالیتی پس از گذشت مدت کوتاهی سود مالی کلانی برای دارنده مجوز به همراه دارد. به این ترتیب که یک فرد بانفوذ با دریافت مجوز یک معدن بکر پس از مدتی مجوز را با قیمت بالایی به فروش می‌رساند یا این‌که در استخراج آن شریک می‌شود.

اما به‌طور قطع رانتی که در این بخش از اقتصاد کشور وجود دارد به این مورد یا ۱۵۰ مجوزی که از سوی وزیر صنعت باطل شده خلاصه نمی‌شود چرا که بررسی مجوزها و تعداد معدن فعال و غیرفعال کشور نشان می‌دهد که بخش بزرگی از معدن کشور پس از دریافت مجوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند. افراد زیادی بدون زحمت و صرف هزینه فقط با در دست داشتن رانت اطلاعاتی و رابطه‌ای مجوز بهره‌برداری از معدن را در اختیار گرفته و بعد از ۶ ماه تا یک سال معدن را به قیمتی بسیار گزاف به افراد دیگر واگذار کنند. آمارها نشان می‌دهد در سال‌های ۸۵ تا ۹۱ به‌طور میانگین ۲۵ درصد از معدن کشور یعنی یک‌چهارم آنها غیرفعال بودند که رقم بالایی محسوب می‌شود." (۶)

در تمام این سال‌ها خصوصی‌سازی معدن همراه با رانت‌های اقتصادی و اطلاعاتی که خواص از آن بهره‌مند بودند به گونه‌ای بوده که حتی گروه‌هایی از بخش خصوصی که از این خوان گسترده بی‌نصیب مانده بودند به صدا در آمدند. اتاق بازرگانی و صنایع و معدن و کشاورزی ایران اواخر سال ۹۱ در بیانیه‌ای خواستار توقف واگذاری‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تا زمان بازگشت ثبات به اقتصاد کشور شده بود.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معدن و کشاورزی ایران با اعلام دلایل درخواست فعالان اقتصادی برای توقف واگذاری‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تا زمان بازگشت ثبات اقتصادی، گفته بود: در شرایط فعلی هر فردی که به نوعی در این واگذاری‌ها برنده شود و اقبال داشته باشد، درآمد بادآورده‌ای با ارزش ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد قیمت پرداختی خواهد داشت. (۷)

یکی از کارشناسان سابق سازمان زمین‌شناسی کشور و فعال بخش معدن که به شیوه واگذاری معدن معترض است، می‌گوید: واگذاری برخی معدن با ابهاماتی رو به رو است به عنوان مثال معدن مس سرچشمه سنگ آهن چادرملو و گل‌گهر مشخص نشد که به چه اشخاصی واگذار شد و کیفیت واگذاری آن چگونه بود... سازمان خصوصی‌سازی مدعی است که ما حق بهره‌برداری

حتی فرم‌های درخواست مزایده از سوی سه شرکت مختلف با یک دست خط نوشته شده بودند. (۱۳)

رسوایی ناشی از این افشاگری سبب شد که دیوان محاسبات فوراً مزایده معدن انگوران را باطل اعلام کرد.

معمولاً این واگذاری‌ها باید در مزایده صورت گیرد. طبق تعریف مزایده زمانی شکل می‌گیرد که تقاضا برای کالا بیشتر از مقدار موجود است و پیشنهاد دهندگان برای به دست آوردن کالا با یکدیگر رقابت می‌کنند. مجسم کنید که سه شرکت وابسته به سپاه در یک مزایده شرکت کنند هر کدام که ببرد فرقی نمی‌کند. حتی اگر مزایده هم واقعی باشد کدام شرکت یا سازمانی می‌تواند با یک نهاد نظامی قدرتمند رقابت کند؟

در مورد رانت‌های اقتصادی و اطلاعاتی هم مساله را از زبان یکی از اعضای هیات مدیره انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان آهن می‌خوانیم: "یکسری بوروکراسی غیرضروری به وجود آمده و باعث شده بین معدن‌دار و بهره‌بردار واقعی و محدوده معدنی فاصله ایجاد شده و این فاصله باعث بروز رانت و سوءاستفاده‌های متعدد شود."

وی ادامه داد: "کسانی وارد گود شدند که در کار معدن نبودند و دلال محسوب می‌شدند، آنها این مجوزها را به شکل اوراق بهاداری می‌دیدند که قابلیت فروش داشت و می‌توانستند آن را به پول نزدیک کنند. در حالی که در سازمان‌های صنایع و معادن، این مجوزها، یک سری نامه‌های اداری ساده هستند که یک کارمند می‌تواند آن را صادر کرده و بعد از این امضا آن برگه مانند اوراق بهادار ارزش پیدا می‌کند... همین امر باعث شده که هر از چند گاهی در مورد بهره‌بردار یا محدوده معدنی اجحافی صورت بگیرد یا حق و حقوق دولتی یا خصوصی پایمال شود."

تعیین شرایط به شکلی که فقط عده‌ای خاص برنده شوند یکی دیگر از شگردهای دست‌اندازی به اموال عمومی است.

رییس انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان آهن به روش‌های معمول در سایر کشورها اشاره کرد و گفت: در تمام دنیا مرسوم است که فردی، محدوده‌ای را درخواست می‌کند با مساحت مثلاً ۲۰ کیلومتر مربع و دولت نیز با قبول درخواست، به او یک فرصت

روی تقسیم آن به توافق برسند. معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان بزرگ‌ترین تولید کننده سرب و روی ایران و نیز بزرگ‌ترین معدن سرب و روی خاورمیانه است. این معدن دارای بخش رو باز و بخش زیرزمینی است که ذخیره بخش رو باز این معدن هشت میلیون تن برآورد شده است. (۱۱)

اما سرمایه‌داران و غارتگران اموال مردم به روش‌های به اصطلاح قانونی خصوصی‌سازی اکتفا نمی‌کنند و از هر طریق در پی کسب سودهای افسانه‌ای هستند. هر از چند گاهی افشاگری‌هایی در مورد فساد و سوءاستفاده در واگذاری معادن در رسانه‌ها منتشر می‌شود. این سوءاستفاده‌ها و فسادها از واگذاری‌های غیرقانونی، برداشت‌های بیش از حد، تقلب در مزایده و... گرفته تا فروش ارز حاصل از آن در بازار آزاد و کم نوشتن وزن سنگ‌های صادراتی برای کمتر پرداخت گمرگ و... را شامل می‌شود. به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم. مشت نمونه خروار است.

معدن انگوران

"شرکت مهر اقتصاد ایرانیان، توسعه معدن روی ایران (از شرکت‌های اقماری سپاه) که در مزایده‌ی خرید معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان در ۱۱ مرداد ۱۳۸۸ شرکت کرد و این معدن را به مبلغ ۱۸۶ میلیون دلار خرید. پس از انجام معامله، کارشناسان اعلام کردند ارزش واقعی این معدن ۱ میلیارد دلار بوده است. (۱۲) حجم این سوءاستفاده به حدی بود که امام جمعه زنجان در خطبه‌های جمعه با عصبانیت گفت: "انگوران را مجانی واگذار می‌کردید بهتر بود!" حتی برخی نمایندگان خواستار بررسی واگذاری این معدن در مجلس شدند.

دیوان محاسبات عالی پس از انجام تحقیقات افشا کرد که هر سه خریدار معدن انگوران، یعنی شرکت تهیه و تولید روی، شرکت پاسارگاد، و شرکت توسعه معدن روی ایران، در واقع عضو یک خانواده‌اند. روزنامه اعتماد گزارش داد شرکت توسعه معدن روی ایران ۱۰۰ درصد سهام شرکت تهیه و تولید روی و ۷۰ درصد از سهام شرکت پاسارگاد را در اختیار دارد، ۳۰ درصد بقیه سهام پاسارگاد نیز متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایران است. تحقیقات دیوان عالی محاسبات همچنین فاش کرد که

معدن یاد شده با رعایت مقررات ذریبیط به حالت عادی درآمد و دارند پروانه بهره‌برداری به فعالیت خود ادامه دهد و رأی شورا طی نامه‌ای در مورخ چهارم مردادماه ۹۳ به استان ابلاغ شد. همزمان ایمیدرو مکلف شد که برای احقاق حق و حقوق خود از طریق مراجع قضایی اقدام کند.

لازم به ذکر است که در قانون معادن تاکید شده که کارکنان رسمی و وابستگان آنها نمی‌توانند در فعالیت‌های معدنی شرکت کنند. یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس و نماینده تایباد افشا کرد که برخی معادن دولتی به نام مدیران و خانواده‌هایشان ثبت شده است که این تخلفات در دولت گذشته و دولت فعلی ادامه دارد.

البته این مساله هم موقعی افشا شد که بین صاحبان آن اختلافی پیش آمده است. دستور تعطیلی معدن صادر شد. اما قوه‌ی قضاییه اعلام کرد که این کار غیرقانونی است و وجاهت قانونی ندارد و سپس دستور آغاز به کار آن صادر شد. قوه‌ی قضاییه فقط به اختلاف صاحبان آن وارد شد و اصل قضیه را که اصولاً واگذاری این معدن غیرقانونی بوده، کاملاً نادیده گرفته است. البته شکایت صاحبان معدن علیه وزارت صنایع حتماً از سوی قوه‌ی قضاییه پیگیری خواهد شد. بالاخره از بخش خصوصی باید حمایت کرد!

می‌توان تصور کرد که در طی این ۱۲ سال چه ثروتی از این معدن به غارت رفته است و به حساب‌های خصوصی این سرمایه‌گذاران واریز شده است. این نماینده مجلس **عنوان کرد:** "در مدتی که معدن تعطیل بود افراد زیادی را واسطه کردند که ما حاضریم نصف این معدن را به روستائیان واگذار کنیم تا این معدن فعالیت خود ادامه دهد که ما این پیشنهادات را نپذیرفتیم و گفتیم که این معدن یا قانونی است یا غیرقانونی که باید بررسی شود." (۱۶)

ظاهراً این مساله عمومیت دارد. رییس انجمن زمین‌شناسی اقتصادی در همایش زمین‌شناسی ایران گفت: "با توجه به اینکه بر اساس قانون هر شهروند ایرانی می‌تواند معدن ثبت کند، در شرایط فعلی ۸۰ درصد معادن کشور به نام بانوان خانه‌دار ثبت شده که اصلاً خودشان هم از این مساله خبر ندارند." (۱۷)

بورس برنده مزایده‌ها می‌شویم و عملکرد ما در این دو بخش با ارائه اسناد و مدارک شفاف است. همچنین مدیرعامل معدن چادرملو در خرداد امسال در گفت‌وگویی به این ادعاها در خصوص برخی مسائل مطرح شده در مورد مزایده فروش سنگ آهن صادراتی این شرکت در سال گذشته اظهار کرد: مزایده سال گذشته برای فروش یک میلیون تن سنگ آهن دانه بندی شده، برگزار شد که آگهی آن در روزنامه و همچنین سایت شرکت منتشر شد. وی با بیان اینکه حدود ۱۲ شرکت برای خرید اسناد مزایده اقدام کردند، افزود: در نهایت ۴ یا ۵ شرکت، پیشنهاد قیمتی خود را ارائه کردند که شرکت اسمیران برای خرید سنگ آهن دانه درشت و شرکت شهداب یزد برای خرید سنگ آهن ریزدانه برنده شدند. وی با بیان اینکه شرکت‌های حاضر در مزایده، شرکت‌های داخلی بودند، گفت: یکی از شرکت‌ها نیز با شریک خارجی خود در این مزایده حضور داشت."

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

و اما معدنی که به خانم «س.الف» واگذار شد: یکی از آخرین افشاگری‌ها در این مورد است:

وزیر صنعت، معدن و تجارت درباره‌ی "واگذاری معدن ۱۰ میلیاردی به نام همسر مدیر دولتی" به معاون اول رئیس‌جمهور نامه‌ای نوشت در این نامه آمده است: درخواست صدور پروانه اکتشاف این معدن در مورخ هشتم آبان‌ماه ۱۳۸۱ به نام خانم «س.الف» در سازمان صنایع و معادن وقت استان خراسان ثبت می‌شود که حسب اطلاعات موجود نامبرده همسر یکی از کارکنان قراردادی طرح سنگان به نام آقای «ع.م.» است. ... در تاریخ ۸۲/۷/۱۴ پروانه اکتشاف سنگ ساختمانی به نام ایشان صادر می‌گردد و در مورخ ۸۳/۶/۱۴ متقاضی درخواست اکتشاف ماده دوم (سنگ‌آهن) را می‌نماید که در تاریخ ۸۳/۶/۲۲ مورد موافقت سازمان صنایع و معادن وقت خراسان قرار می‌گیرد. همچنین در تاریخ ۸۵/۹/۳۰ گواهی کشف محدوده یاد شده با ذخیره ۷۵۰ هزار تن به نام خانم س الف صادر می‌شود.

نهایتاً موضوع در جلسه مورخ پنجم خردادماه ۹۳ شورای عالی معادن مطرح شده و مقرر می‌شود تا تعیین تکلیف نهایی موضوع از طریق مراجع قضائی توسط ایمیدرو، ادامه روند بهره‌برداری

معدن بزرگ به قیمت‌های جهانی، عملاً حاشیه سود صادرکنندگان به شدت کاهش یافته است .

او افزود: همچنین موضوعاتی نیز در رابطه با چگونگی انتقال پول سنگ آهن صادراتی به داخل کشور مطرح شده که باید بگویم واقعیت این است که در مقطع مورد اشاره به دلیل تحریم‌های خارجی و محدودیت‌های نقل و انتقال ارز، امکان جابجایی این وجوه از طریق سیستم بانکی وجود نداشت و شرکت‌های بزرگ سنگ آهنی ارز صادراتی خود را به صورت پایاپای به فروشنده خارجی تحویل می‌دهند تا صرف خرید تجهیزات خارجی شود . (۲۲)

جالب است در حالی که سودی کلان از معدن و حاشیه‌های آن حاصل می‌شود که این چنین بر سر آن کشمکش و دعوا صورت می‌گیرد، اما کارفرمایان و صاحبان معدن باز هم گله‌ی بسیار دارند از این که سود کافی نمی‌برند!؟

یکی از فعالان بخش معدن می‌گوید: "در شرایط کنونی سرمایه‌گذاری در معدن در کشور یعنی شما چند میلیارد پول خود را به صورت تراول از بالای یک کوه به زمین بریزید و بعد تلاش کنید تا دانه، دانه تراول‌ها را با سختی از سطح کوه جمع کنید!" (۲۳)

این سرمایه‌گذاران مشکلاتی مانند تحریم‌ها ، افزایش چندین برابری هزینه‌های استخراج و افزایش هزینه‌های آب، برق و گاز و حمل و نقل و دستمزد نیروی کار و... را دلیل این مساله می‌دانند.

"مالکان کارخانه و معدن طلای آق‌دره سوار بر فقر مردم منطقه و با انتساب خود به مقامات من جمله اکبرهاشمی رفسنجانی تاراج و چپاولی سهمگین به راه انداخته و خوراک خاک ورودی کارخانه را که نایب‌سنی از ۶۰ الی ۷۰ تن بازای هر ساعت تجاوز می‌کرد به ۱۵۰ الی ۱۶۰ تن در ساعت رسانده و با افزایش غیرقانونی تناژ زمینه تخریب و غارت نواحی پرعیار معدن را بوجود آورده و در ۸ سال فعالیت و تولید طلا فی الواقع سود و تولید حداقل ۲۰ سال را فراهم در حالی‌که مقرر و امکانات کارگران در این ۸ سال در مدار زیر صفر بوده و این یعنی جاری ساختن چندین برابر پساب صنعتی همراه با اسید و سیانور برپیکره ی طبیعت..."

بخشی از نامه کارگران معدن آق‌دره به رییس جمهور وقت

تخلف دیگری به مبلغ ۳۱ میلیارد تومان در سه معدن سنگ آهن استان همدان در شهرستان‌های اسدآباد و ملایر افشا شد و رئیس سازمان صنعت و معدن از تشکیل ۳ پرونده در زمینه‌ی اضافه برداشت از معدن سنگ آهن این استان خبر داد.(۱۸)

این اضافه برداشت‌ها به نابودی معدن منجر خواهد شد. در کنار این برداشت بی رویه و صادرات سنگ آهن، و انتقادهای مطرح شده، موضوعات دیگری مانند تلاش برخی صادرکنندگان و تولیدکنندگان برای کم نشان دادن آمار وزنی و ارزش سنگ آهن صادراتی نیز وجود دارد که سعی می‌کنند با استناد به کاهش نرخ سنگ آهن در بازار جهانی، عوارض و حقوق گمرکی کمتری را بپردازند .

از سوی دیگر، به گفته یک نماینده مجلس، عده‌ای به جای واریز دلارهای حاصل از صادرات معدنی به حساب بانک مرکزی، دلارها را با ترفندهای خاصی وارد بازار ارز کرده و به نرخ‌های بالا فروخته اند و در نتیجه رانت قابل توجهی را ایجاد کرده اند. (۱۹)

در بهمن ۹۲ در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس بخشی از این ویژه‌خواری‌ها در معدن استان مرکزی مطرح شد. وی با بیان اینکه اضافه برداشت‌ها از معدن استان مرکزی ، صدور برگه خروج سنگ از معدن به صورت فله‌ای و در ارقام فراوان توسط اداره کل سبب شده که هیچ حساب و کتابی در بخش استخراج معدن نداشته باشیم، و یک فساد چند میلیاردی در این بخش در حال انجام است، متاسفانه برخی از صاحب منسبان کشوری هم از رانت قدرت استفاده کرده و به این مسئله آلوده شده‌اند... (۲۰) و (۲۱)

البته از سوی معدنی‌ها پاسخ و توجیحی در این باره صورت گرفته است. درست مانند توجیهاتی که در مورد فروش نفت و ماجرای بابک زنجانی قبل از دستگیری و ... صورت می‌گرفت.

عضو هیات مدیره انجمن سنگ آهن ایران با بیان اینکه نکته مهم آن است که قیمت فروش سنگ آهن در بسیاری از مزایده‌های برگزار شده نزدیک به قیمت‌های جهانی این محصول (۴۹ و نیم دلار خیلی نزدیک ۱۳۰ دلار است!؟) بوده است، افزود: همین موضوع اعتراض برخی شرکت‌های صادرکننده سنگ آهن را نیز به دنبال داشت که به دلیل نزدیک بودن قیمت فروش سنگ آهن

قبل از انقلاب بهره مالکانه ۱۲/۵ درصد بود که از طریق شرکت ملی نفت ایران به دولت پرداخت می‌شد. در آن زمان شرکت نفت در حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز دارنده نفت بوده است. نفت ایران در اختیار کنسرسیوم بوده و آنها مکلف به پرداخت بهره مالکانه، مالیات، مالیات مخصوص (پس از افزایش قیمت با دستور شخص شاه بودند. همه این پول‌ها وقتی وارد شرکت ملی نفت ایران می‌شده، شرکت ۱درصد برداشت می‌کرده و بقیه به خزانه دولت واریز می‌شده است. (۲۵)

در تمام این سال‌ها افزایش بهره مالکانه اعتراض گسترده فعالان بازار سرمایه را به دنبال داشت.

در سال ۸۷ که افزایش بهره‌ی مالکانه معادن در مجلس مطرح شد، و تحت این عنوان که معادن به عنوان انفال در اختیار حکومت اسلامی است. مبلغ این افزایش حدود ۵۰۰میلیارد تومان برآورد شده بود. وزیر صنایع و معادن اعلام کرد که تعیین میزان بهره مالکانه معادن از اختیارات وزارت صنایع است و ما در سال ۸۷ هیچ‌گونه افزایش نرخ‌ی برای بهره مالکانه معادن نخواهیم داشت. وی اضافه کرد: با فرض پذیرش این مساله آیا باید حقوق بخش معادن به یک‌باره از ۴۰ به ۵۰۰میلیارد تومان افزایش یابد؟ (۲۶)

در سال ۹۰ نیز معاون معدنی وزیر صنایع در پی ایجاد زمزمه‌های رشد احتمالی ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی نرخ بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن سنگ آهن ایران در سال جاری، اعلام کرد بهره مالکانه در لایحه بودجه سال ۹۰ همان رقم بهره مالکانه سال گذشته خواهد بود. (روزنامه دنیای اقتصاد)

در سال ۹۲ نیز بسیاری از فعالان سنگ‌آهنی تصمیم مجلس برای دریافت بهره مالکانه ۳۰ درصدی از معادن سنگ‌آهن را تصمیمی شتابزده عنوان کرده و خواستار تجدید نظر در این مصوبه شده‌اند. (۲۷)

سهم سرمایه‌گذاران خارجی از خصوصی‌سازی معادن ایران

سرمایه‌گذاران خارجی نیز از این خوان نعمت بی‌بهره نمانده‌اند. آنان ایران را بهشت مواد معدنی می‌شناسند. معاون امور معادن و

"اگر به چگونگی بیوگرافی و چگونگی تشکیل شرکت فراوری پویازرکان و خودپویازرکان که به ترتیب کارخانه تولیدطلا و معدن طلا و اقدره را پوشش می‌دهد و از چرای خریدهای زمین‌های کشاورزی روستای شیرمرد و اقدره و تصرف منابع طبیعی و ریشه تشکیل‌شان که از دولت سازندگی هاشمی شکل گرفت بپردازیم، از اصل موضوع خارج شده‌ایم که در روزهای آتی بدان خواهیم پرداخت..."

بخشی از نامه کارگران معدن اقدره به رییس جمهور وقت

و آن چنان این مشکلات را بیان می‌کنند که دل هر انسانی به درد می‌آید و دلش به حال این سرمایه‌گذاران "بدبخت" و "بیچاره" می‌سوزد!! البته نباید از نظر دور داشت که سرمایه‌گذاران کوچک‌تر و غیر خاص باید از این چرخه کنار روند تا جا برای بزرگ‌ترها باز شود.

اما نباید نگران بود. سازمان خصوصی‌سازی به فکر آنان هست. از طرف رییس‌ایمیدرو اعلام شد: "با امضای تفاهمنامه سه جانبه‌ای که اخیراً بین سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی و بانک ملت امضا شد، برطرف کردن نیازهای سرمایه‌گذاران، که بر مبنای آن معادل دوهزارمیلیاردریال تسهیلات برای خرید ماشین‌آلات معدنی در اختیار معدنکاران قرار می‌گیرد. از سوی دیگر ایمیدرو یارانه‌ای بین دو تا ۱۰درصد نیز بسته به نوع معادن و راهبردی بودن آن برای معدنکاران در نظر گرفته است. (۴)

تعیین بهره مالکانه در بودجه‌ی دولت هر ساله هر ساله با مخالفت سرمایه‌گذاران خصوصی بخش معدن روبرو بوده است. بهره مالکانه مبلغی است که به منظور بهره‌برداری از امتیاز منابع دارای ارزش اقتصادی (برای نمونه حق استخراج از معدن) یا برای بهره گرفتن از امتیاز حقوق مالکیت معنوی و حق تکثیر (کپی‌رایت)، حق امتیاز، نشانه تجاری و یا دانش فنی و تکنولوژی به دولت یا مالک پرداخت می‌شود.

آمده است تا دست شرکت‌های خارجی را برای تاراج اموال مردم باز گذارد:

وفور ذخایر معدنی / وجود اطلاعات جامعه زمین شناسی و اکتشافی / ثبات رژیم سیاسی و قوانین و مقررات معدنی / امنیت داخلی / آرامش در مناطق مرزی و نبود همسایگان متخاصم / وجود بیمه برای سرمایه‌گذاری خارجی / وجود بازارهای داخلی / زیر ساخت حمل و نقل / سیاست‌های صادرات / قابل اجرا بودن قانون معدن و آئین‌نامه‌های اجرایی / ثبات مقررات اکتشافی و معدنکاری حق واگذاری و انتقال / امکان دستیابی به توافق مکمل یا جایگزین قانون معدن / حل اختلاف و داوری / مقررات و آئین نامه‌های اجرایی روشن و کارآمد / روش مالیات‌بندی و میزان مالیات‌ها / معافیت مالیاتی برای دوره خاص / جلوگیری از پرداخت هزینه استهلاک / وجود اعتبار برای سرمایه‌گذاری مجدد / اعتبارهای صادراتی و وارداتی / ثبات نظام مالی / مقررات واقع بینانه درباره ارز و حساب‌های خارجی / امکان خارج ساختن مواد از کشور / امکان تامین مالی از خارج / حق داشتن اکثریت سهام / حق کنترل مدیریت / زیر ساخت‌های آب و برق / آب و هوای مساعد / برخورد دوستانه و روحیه همکاری مقامات حکومتی

البته سیاست‌گذاران معتقدند که **هنوز هم** "متأسفانه در ایران فضای مناسب برای جلب سرمایه‌های خارجی در معدن شفاف نیست و معیارهای در نظر گرفته شده در این خصوص برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار مبهم است. فضای قانونی شفاف مکمل ابزارهای لازم برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. به عنوان مثال در خصوص جلب حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی جهت توسعه معدنکاری طلا در ایران توجه به موارد زیر را حائز اهمیت می‌دانند:

- طولانی کردن دوره معافیت‌های مالی

- معافیت سرمایه‌گذاران از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای ماشین‌آلات معدنی و تولیدی

- حق انتقال سود سالانه به صورت ارز

- حق بازگرداندن اصل و منافع سرمایه بصورت ارز

- تضمین جبران خسارت در صورت مصادره و ملی شدن

- برخورداری از رفتار و حقوق یکسان با بنگاه‌های داخلی (۳۱)

صنایع معدنی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران گفت: اگر بخواهیم ارزش افزوده هر قسمت زنجیره را صرفاً با موضوع قیمت مقایسه کنیم، می‌بینیم ارزش افزوده‌ای ۲۵۰ درصدی ایجاد می‌شود و وقتی کلوخه به سنگ آهن دانه‌بندی شده تبدیل می‌شود نیز ۱۸۰ درصد ارزش افزوده پیدا می‌کند و این روند ادامه پیدا می‌کند تا اینکه جمع این ارزش افزوده‌ها به ۷۱۰ درصد ارزش افزوده می‌رسد. عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی نیز گفت: به ازای هر یک دلار سرمایه‌گذاری در بخش معدن، می‌توان ۲.۸ دلار وارد اقتصاد کشور کرد. (۲۸)

این در باغ سبز نشان دادن به خارجی‌ها سبب شده که طبق نظر نشريات و رسانه‌ها "صف اروپایی‌ها برای سرمایه‌گذاری در معدن ایران" تشکیل شود و از کشورهایی مانند اتریش و آلمان، فرانسه و گرجستان، روسیه، چین، استرالیا، انگلستان و... نام برده می‌شود. و یا در خبر دیگر دبیر کل اتاق بازرگانی تهران با بیان این‌که تحریم‌ها موجب ایجاد موانعی در برقراری روابط با سایر کشورها شده است، گفت: با ایجاد رابطه با روسیه قصد داریم از امکانات این کشور در جهت سرمایه‌گذاری استفاده کنیم. و از سرمایه‌گذاری ۷۰ میلیارد دلاری با روسیه در امر معدن خبر داد. (۲۹)

بهبود مناسبات تجاری پس از توافق ژنو موجب شده تا بسیاری از شرکت‌های اروپایی که تا پیش از این از سرمایه‌گذاری مستقیم در معدن و صنایع معدنی کشورمان پرهیز داشتند اکنون معطل ابلاغ رسمی لغو تحریم‌ها نمانده و فعالیت خود در کشورمان را آغاز کنند. در پی آن معاون امور معدن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تمایل چندین شرکت خارجی برای سرمایه‌گذاری در بخش استخراج، اکتشاف و... خبر داد. (۳۰)

در مقالاتی که سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن را تبلیغ و ترویج می‌کند ایجاد امنیت برای این سرمایه‌گذاران ضروی دانسته می‌شود. و برای تامین این امنیت مثلاً در بخش طلا باید هزینه، مخارج، ریسک و سود معدنکاری طلا را برای هر ذخیره تخمین زد.

در این نوع مقالات معیارهای ارزیابی فضاهای مناسب برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن به طور خلاصه به شرح زیر

سرمایه گذاری در معادن

شاردن در سیاحتنامه‌ی خود می‌نویسد که در دوره‌ی صفویه (۱۰۷۶ تا ۱۰۸۸) حاصل تمام معادن فلز و جواهرات و همچنین صید مروارید عاید شاه می‌گردید ولی یک سوم عایدات مخصوص مخارج معدن‌کاری و صید و مواجب ماموران بوده است.

در دوران صدارت امیرکبیر استخراج کلیه معادن آزاد اعلام شد و اداره‌ای به نام "اداره امور معادن" تاسیس شد. طبق دستور او تنها اتباع ایران حق بهره‌برداری از معادن را داشتند. پس از عزل و قتل او این اقدامات نادیده گرفته شد. میزان اجاره‌ای که دولت بابت معادن از سرمایه‌داران دریافت می‌کرد بسیار ناچیز بود. بالاترین میزان بابت معادن مس سبزوار بوده که ۴۴۳۰ تومان در سال و کمترین معدن نیز زغال سنگ دماوند که ۵۰ تومان بود.

جمال زاده، گنج شایگان، ص ۱۴۲

28-

<http://www.bazarkhabar.ir/News.aspx?ID=54946> /
خارج‌ها ایران را بهشت /
معدن می‌دانند

<http://www.rooznamehrasmi.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=1069>

29- اقتصاد نیوز / جزئیات تفاهنامه معدنی با روسیه اعلام نشده است / اول مهر ۹۳

30-

<http://www.hamshahrionline.ir/details/243027>

31-

<http://www.ngdir.ir/mineminerals/PMineMineralChapterDetail.asp?PID=1717>

-۱ La Coalición de Maestros y Promotores Indígenas de Oaxaca-CMPIO

<http://www.tabnak.ir/fa/news/392956/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%B4%D8%A7%D8%B1-%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-%D9%88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DB%B9%DB%82>

16- <http://www.iraniib.ir/shownews/6433/%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86%DB%8C-%DA%A9%D9%87-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%85-%C2%AB%D8%B3.%D8%A7%D9%84%D9%81%C2%BB-%D9%88%D8%A7%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1-%D8%B4%D8%AF/>

۱۷- ششمین همایش زمین شناسی ایران در دانشگاه سیستان و بلوچستان /

<http://www.irna.ir/fa/News/81310733> 22/06/1393

۱۸- تسنیم 1393/06/17/

۱۹- بولتن نیوز / از برداشت بی رویه معادن سنگ آهن، تا اختلاف آمار و رانت داری در بازار آزاد

<http://www.bultantnews.com/fa/news/221817/%D8%A7%D8%B2-%D8%A8%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D8%A8%DB%8C-%D8%B1%D9%88%DB%8C%D9%87-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%B3%D9%86%DA%AF-%D8%A2%D9%87%D9%86-%D8%AA%D8%A7-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1-%D9%88-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA-%D8%AF%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF>

20- <http://newsnic.ir/%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D9%88-%D9%BE%DB%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA>

21- <http://www.tabnak.ir/fa/news/378159/%D9%BE%DB%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%AA%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D9%85%DB%8C%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%A7%D8%B5%D9%84-%DB%B9%DB%B0> 13:53 | 1393/06/03

22- <http://www.iranmining.com/news/Show.asp?Id=14215&Dir=433>

23- سه شنب ۳۱ تیر ۹۳ /
<http://market8.blogsky.com/1393/04/03/post-10052>

24-

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921115000412#sth.ash.sF2dMUx9.dpuf>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921115000412>

25-

26- دنیای اقتصاد /
<http://www.parsatinegar.com/Farsi/View.asp?id=1159&kind=7&ref=0.5338731>

27- / روزنامه دنیای اقتصاد - جلسه تلفیق برای تجدیدنظر در بهره مالکانه معادن /
شماره ۳۱۱۵ / ۳۰/۱۰/۱۳۹۲

زمینی معدن یال شمالی جان خود را از دست دادند یا محمدرضا صادقی، حسین محمدی و حسین اسلامی که ساعت ۱۱ صبح روز اول اسفند سال ۹۲ بر اثر وقوع انفجار در معدن زغال سنگ چشمه پودنه کشته شدند یا دو معدنچی متاهل و دارای فرزند به نام‌های سعید محمودی نودژ، ۲۸ ساله و ابراهیم جعفری، ۲۷ ساله که بر اثر ریزش تونل معدن سنگ کروم فاریاب کشته شدند یا سجاد قنبری، کارگر معدن طلای تکاب که به سبب نشت جیوه خارج از حد متعارف در بدنش فوت کرد و صدها و هزاران انسان دیگری که بهای نان فرزندانشان را با خون‌شان پرداختند، همه انسان‌هایی بودند مانند صاحبان معادن و کارفرمایان و مسوولان، با این تفاوت که اینان برای سود هر چه بیشتر با بی‌توجهی به مسایل ایمنی، آن کارگران را به قتل می‌رسانند و مسوولان نیز حداکثر عکس‌العملشان در قبال این قتل‌ها، مصاحبه بعد از بروز حادثه و اعلام همدردی آن هم برای کاهش تاثرات ناشی از آن در جامعه، و بعد هم حکم به پرداخت دیه به خانواده‌های این کارگران قربانی است، که آن هم معلوم نیست به چه گونه



حال بینم که این خوان نعمت به چه بهایی، از جان و مال کارگران معدن، برای سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی گشوده شده است!؟

حوادث کار در معدن و دلایل آن

کار در معدن یکی از سخت‌ترین مشاغل است. آمار حوادث مرگبار در معادن بسیار بالاست. ریزش معدن، گاز گرفتگی، انفجار و زنده به گور شدن در تونل‌های معدن از جمله‌ی این حوادث است.

به گزارش ایلنا، سالانه به طور متوسط ۵۰ کارگر معدن کار، جان خود را طی حوادث حین کار از دست می‌دهند. مرداد سال جاری یک مقام مسئول در لرستان عنوان کرد: "هر ۱۶ روز یک نفر در معادن ایران می‌میرد". (۱) عباس کاربخش دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان می‌گوید تنها در ۱۲ معدن کرمان، هر روز یک کارگر مجروح و هر ماه یک نفر کشته می‌شود.

این کلمات بی‌روح از دهان مسوولان چنان مطرح می‌شود که انگار راجع به طبیعی‌ترین اتفاقات ممکن در معدن صحبت می‌کنند، اتفاقاتی که گریزی از آن نیست. اما حسین گریکی‌پور ۲۸ ساله، حسین یزدی‌زاده و مسلم نجفی و طیب ولیان کارگران کشته شده‌ی معدن هجدک راور کرمان و محمدرضا محمدی، باقر یادگاری، علی چمزری، سید سجاد حسینی و حسین مرادی‌نژاد که همگی از اهالی زنجان بودند و در معدن قلعه خرگوشی یزد جان خود را از دست دادند یا علی مهدی‌زاده، محمد عابد، جواد باقرزاده، رمضان رضوانی، اسماعیل رحیمیان، ابوالفضل خوری و رسول غلامی که در ساعت ۴ بامداد روز سه‌شنبه ۲۸ آبان ماه سال ۹۱ در انفجار در یکی از تونل‌های زیر

سرمایه و کسب سود این تفاوت فاحش را بین کارگران و کارفرمایان و سرمایه‌داران ایجاد می‌کند.

نکته‌ای که در بسیاری از این حوادث مرگبار مشترک است این است که کارگران مدتی قبل از حادثه مشکلات و نواقص کار را گوشزد کرده اما گوش شنوایی برای آن وجود نداشته است. نمونه‌ی این نوع اطلاع رسانی‌ها در رسانه‌ها بسیار است. از جمله می‌توان به نامه‌ها و شکواییه‌های کارگران معدن طلای زرگان به مسوولین اشاره کرد. کارگرانی که بعد از ۸ سال کار اخراج شده بودند.

در بررسی این گونه حوادث به ندرت کارفرما مقصر شناخته می‌شود و اولین علتی که برای آن ذکر می‌شود قصور و کوتاهی کارگران است. رئیس سازمان نظام مهندسی معدن ایران با اشاره به اینکه اعلام آمار تلفات حوادث معدنی مربوط به وظایف وزارت صنعت و کار است، گفت: عمده حوادث معدنی ناشی از قصور و غفلت کارگران است. (۲)

در معدن قلعه خرگوشی، ۵ کارگر به دلیل انفجار انبار مواد منفجره کشته شدند. کارگران عامل این انفجار شناخته شدند اما این مساله بررسی نشد که چرا برخلاف مقررات و قانون، ۸۰ کیلو مواد منفجره در انبار وجود داشته است.

مطابق تحقیقات انجام شده تعداد زیادی از کارگران معدن آموزشی در زمینه رعایت مسایل ایمنی کار در معدن ندیده‌اند. سطح سواد این کارگران بسیار پایین است.

دکتر احمد رشید فرخی، متخصص طب کار که در سالهای ۷۵ و ۷۶ به عنوان متخصص طب کار در مناطق کرمان و زرنند مشغول

به کار بوده در مورد وضع بهداشتی کارگران معدن کرمان می‌گوید: در یکی از بازدیدهای ام که از یکی از معادن زغال‌سنگ کرمان صورت گرفت، صحنه‌ی دیدم که در ظاهر عجیب بود: «چرا این کارگرها بدون خرد و عقل هستند و از ماسک استفاده نمی‌کنند.» برای سلامتی کارگر هزینه می‌شود، پول ماسک داده می‌شود ولی آن‌ها ماسک را برمی‌دارند و بدون ماسک کار می‌کنند. از یکی از کارگرها علت استفاده نکردن‌شان از ماسک را پرسیدم. او گفت: «نفس‌ام می‌گیرد.» من که کنجکاو شده‌بودم ماسک را باز کردم و با کمال تعجب دیدم به جای فیلتری که باید برای جلوگیری از ورود گازهای مختلف به دستگاه تنفسی قرار داده‌می‌شد، داخل ماسک یک تکه

اسفنج بود که با سیستم خودکفایی ساخته شده بود! ماسک دیگری را باز کردم، تعجب‌ام بیشتر شد - داخل آن «اسفنج‌های سرقیچی» بود! ولی برخی از سرشیفت‌ها و سرکارگرها از ماسک‌های قدیمی روسی استفاده می‌کردند. (۲*)

این مسوولان فراموش می‌کنند که طبق تبصره‌ی ۲ ماده ۹۶ قانون کار، بازرسان وزارت کار باید به طور مستمر به بازرسی از معادن پرداخته و در صورت لزوم تقاضای تعقیب متخلفان را هم داشته باشند. بازرسانی که حضورشان در معدن کمرنگ است و بسیاری از آنها اگر هم حاضر شوند در دفتر مدیر و صاحب

معدن مورد پذیرایی قرار گرفته و از همان راه آمده باز می‌گردند تا چشمشان حتماً به کارگران هم نیافتد و مشکلاتشان را نبیند تا مجبور نشوند گزارشی بنویسند؟! و البته شیرینی و پول چای و عیدی و... را به موقع دریافت کنند.

طبق آیین‌نامه ملی معادن همه معادن دارای بیش از ۲۵ نفر نیروی کار باید مسوول فنی داشته باشند. هنگام رخ دادن حوادثی چنین دردناک، کسی از مسوولان نمی‌پرسد آیا این بند از

"به رغم اینکه بعضی از این کارگران آلوده به سموم شیمیایی و فلزاتی از قبیل جیوه و سرب و سایر مواد خطرناک هستند، شبکه بهداشت تکاب نیز توجهی به درخواست‌های آنان نمی‌کند که همان آزمایشات مربوطه است. شدت و میزان آلودگی در این کارخانه به حدی بوده که یکی از کارگران به نام سجادقبری به سبب نشت جیوه خارج از حد متعارف در بدنش فوت کرد و موارد تکان‌دهنده‌ای مربوط به فوت او و رضایت اولیای دم از اثر انگشت متوفی دال بر ساختن وصیت‌نامه مجعول تا فرضیه خودکشی، ورد زبان و سینه مردم است... اما باید سکوت را شکست و فریاد برآورد که ...

معدن آقدرد نماد بیعدالتی و تبعیض،... نامه کارگران معدن آقدرد به احمدی نژاد

کافی و هزینه‌بر بودن رعایت نکات ایمنی به خصوص در معادن خصوصی در سال‌های گذشته باعث شده تا معدنکاران بدون امکانات و تجهیزات ایمنی، ماسک، کلاه ایمنی و... در اعماق زمین مشغول کار باشند.

از سوی دیگر بسیاری از کسانی که دریافت‌کنندگان و دارندگان پروانه‌های اکتشاف معدن هستند، تخصصی در این زمینه ندارند. همچنین بیشتر معادن کشور در زمان بهره‌برداری، مهندسان ناظر فنی و ایمنی مقیم ندارند و به دلیل دستمزدهای پایین و دور بودن معادن از نظر جغرافیایی مهندسان ناظر فقط ماهی یک تا دو بار به معادن سر می‌زنند و حضور شبانه‌روزی در معادن ندارند که این موضوع نیز ریسک کار را به شدت بالا برده است. به اعتقاد کارشناسان در این شرایط کار در معادن در کشور مانند بازی با جان معدنکاران است که هر لحظه باید با وجود درآمدهای نه چندان بالا در انتظار مرگ باشند.

وضعیت ایمنی در معادن به حدی فاجعه بار است که پس از حادثه‌ی انفجار معدن پودنه در نیمه‌های اسفند سال گذشته حتی «خانه معدن ایران» با انتشار بیانیه‌ای که به امضا کارفرمایان ۲۲ معدن خصوصی کشور رسیده بود ضمن ابراز تأثر از وقوع این حادثه نسبت به وضعیت خطرناک و غیرایمن معادن زغال سنگ کشور هشدار داد. در این بیانیه نوشته شده: «اکثریت ماشین‌آلات و تجهیزات در حال استفاده معدن زغال سنگ، کهنه و مستهلک است و از نظر فنی و استاندارد ایمنی، برای استفاده در معادن زغال سنگ مجاز نیست.» در این نامه قیمت نامناسب دولت برای خرید زغال سنگ (خریدار اصلی ذوب‌آهن اصفهان و شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران است) و عدم پرداخت مطالبات معوق را دلیل نامطلوب شدن شرایط ایمنی در معادن زغال سنگ دانسته که با توجه به حساسیت و گازخیزی بالا در معادن زغال سنگ، احتمال بروز حوادث تلخ در این معادن را افزایش داده است.» کارفرمایان فرصت را غنیمت دانسته که مرگ این کارگران را

آیین‌نامه اجرا می‌شود؟ در برخی از معادن مهندسان بازرسی عملاً حضوری در معدن ندارند. رییس سازمان نظام مهندسی معدن ایران گفت: "ما نرخ حقوق مهندسان معدن را اعلام کرده‌ایم اما متأسفانه برخی این نرخ‌ها را رعایت نمی‌کنند و در تعدادی از استان‌ها این نرخ حتی کاهش یافته است و شاید پایین بودن حقوق مهندسان معدن یکی از دلایل این اتفاق باشد." باید از ایشان پرسید چرا باید حقوق این مهندسان کاهش یابد؟ مگر ارزش افزوده‌ی معادن کم است که چنین صرفه جویی‌هایی می‌شود؟ و ...

معمولاً هم آمبولانس و پزشک و ... در محل معدن وجود ندارد. این مساله سبب تاخیر در ارائه خدمات پزشکی به کارگران مجروح می‌شود و میزان مرگ و میر آنان را بالا می‌برد. در حادثه معدن پودنه لوکوموتیو حمل بیمار و آمبولانس موجود در معدن خراب بوده و یک ساعت طول کشیده تا گروه نجات از معادن مجاور برای کمک حاضر شوند.

مساله مهم دیگری که در ایجاد حوادث معدن نقش اساسی دارد نواقص دستگاه‌هایی ایمنی است که به کار برده می‌شود. معمولاً این دستگاه‌ها بسیار فرسوده و حتی از دور خارج هستند یا اصلاً دستگاه‌های ایمنی موجود نیست. دستگاه‌هایی مانند گاز سنج و یا اکسیژن ساز و... دو روز بعد از انفجار معدن زغال سنگ چشمه پودنه، مشخص شد که در این واحد معدنی هیچ کدام از دستگاه‌های سنجش گاز و اکسیژن ساز در وضعیت قابل استفاده‌ای نبودند و علاوه بر آن کارگران معدنچی عملیات تهویه هوای معدن را به وسیله دستگاه‌های تخلیه دستی انجام می‌دادند. (۳)

به اعتقاد کارشناسان استاندارد نبودن معادن، عدم استفاده از روش‌ها و ابزار جدید در زمان حفر تونل و استفاده از معادن، آشنا نبودن کارگران و نیروی شاغل در معادن با نکات ایمنی کار در معدن و فعالیت بیش از حد در شرایط سرمایی و گرمایی دلیل بروز حادثه می‌شود. این کارشناسان معتقدند نبود نظارت‌های

دستماپه‌ای کنند برای مجبور کردن دولت به پرداخت معوقاتش و وصول طلب‌های معوق. (۴)

حتا در مواردی که کارفرما به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی "مقصر" شناخته می‌شود نه "مجرم"، باز هم این کارگران هستند که تاوان می‌دهند. (مدیرعامل، رییس کارگاه و پیمانکار نیروی انسانی معدن تنها برای چند روز با دستور دادستانی راهی بازداشتگاه و بعد هم آزاد می‌شوند تا بتوانند به سرعت به وضعیت کاری‌شان سرو سامانی دهند تا وقفه‌ای در کسب سودشان ایجاد نشود*) اما کارگرانی که اطلاع‌رسانی کرده‌اند اخراج یا مجبور به استعفا می‌شوند. (مانند مهدی همتی، نماینده صنفی کارگران معدن چشمه پودنه که به دلیل اطلاعاتی که در اختیار رسانه‌ها قرار داده بود در ۱۷ خرداد سال ۹۳ با وجود داشتن همسر و سه فرزند مجبور به استعفا از سمت صنفی و ترک کار شد.) یا این که اصلا معدن تعطیل و کارگران از کار بیکار شده و در موارد اندکی برای دریافت بیمه‌ی بیکاری معرفی می‌شوند و در اکثر موارد بدون دریافت هیچ حقی به خیل بیکاران جویای کار می‌پیوندند. در پی حادثه معدن پودنه، ۲۹۰ کارگر معدن به دلیل ناامن بودن شرایط کار، شغل‌شان را از دست دادند. در معدن یال شمالی، نیز بعد از کشته شدن ۸ نفر در اثر انفجار گاز متان و هیدروژن و مونواکسید، شرکت پیمانکاری آروین نوین ۲۴ کارگر باقیمانده را بدون مشخص کردن وضعیت بیمه‌ی بیکاری‌شان، از کار بیکار کرد.

در مورد معادن طلا وضع فرق می‌کند. جدا از خطرات ناشی از ریزش معدن و سنگ شکنی و... بحث فلزات و گازها و مواد شیمیایی خطرناکی همچون آرسینیک و سیانور برای استحصال آن موجب آلودگی بسیار زیاد و خطرات جدی برای سلامت کارگران می‌شود.

روند دریافت دیه نیز روندی طولانی و وقت‌گیر است و خانواده‌ی کشته‌شدگان با صرف وقت، هزینه و رفت و آمد زیاد بعد از مدت زمانی نسبتا طولانی شاید بتوانند دیه عزیز از دست رفته‌شان را

دریافت کنند. خانواده‌ی کارگرانی هم که به دلیل مشکلات مالی نتوانند وکیل اختیار کنند باید خود شکایاتشان را پیگیری کنند. در حالی که متهمان از وکلایی زبده برخوردارند و به راحتی می‌توانند با استفاده از پیچ و خم‌های قضایی از مجازات‌های تعیین شده بگریزند.

البته فراموش نشود در صورتی که کارگر مقصر شناخته شود دیه‌ای هم پرداخت نخواهد شد. در مورد بعضی‌ها هم مانند سجاد محمدی خانواده‌اش تحت فشار قرار گرفتند تا سناریوی خودکشی وی را ساخته، وصیت‌نامه‌ی جعلی بنویسند تا سر و ته قضیه به هم آید.

در مورد کارگران مجروح و خانواده‌های بازماندگان حادثه‌ی معدن پودنه، مطابق رای کارشناسان فنی دادگستری: پیمانکار، مدیرعامل و رییس کارگاه به ترتیب ۵۰، ۳۰ و ۲۰ درصد در بروز انفجار روز یکم اسفند ماه مقصر شناخته شدند و مقرر شد تا به خانواده هر متوفی دیه پرداخت شود. اما از این که دیه پرداخت شده یا نه، خبری در رسانه‌ها نیست. وقتی خبر کهنه می‌شود رسانه‌ها هم پیگیری نمی‌کنند که سرانجام این خانواده‌های داغدار و بی‌سرپرست چه می‌شود؟ و خانواده‌های این کارگران در زیر فشار مسایل مادی و... خرد می‌شوند.

در حادثه‌ی معدن باب نیز در زرنده، که ۱۱ نفر کشته و ۲۰ نفر مجروح به دنبال داشت، شعبه ۱۰۲ دادگاه جزایی شهرستان زرنده مقصر اصلی را مدیر عامل قبلی و مدیر عامل وقت شرکت دلتا هزار همراه رییس هیات مدیره اعلام نمود. هر یک از اینان به پرداخت یک سوم دیه در حق اولیای دم و همچنین مجازات حبس تعزیری محکوم شدند که به تایید دادگاه زرنده نیز رسید، رییس هیات مدیره نیز در این حادثه جان خود را از دست داده بود. دادگاه اسم رییس درگذشته را از لیست پرداخت‌کنندگان حذف نمود و معنی‌اش برای خانواده‌های کشته‌شدگان این است که به اولیای دم فقط دو سوم دیه پرداخت شود. به خانواده کارگران کشته شده در باب نیز مبلغ ۱ تا ۳ میلیون تومان از

۴-

<http://www.asriran.com/fa/news/322707/%D9%87%D8%B4%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%B2%D8%BA%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%86%DA%AF-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%87%DB%8C%DA%86%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%AE%D8%B7%D8%B1%D9%86%D8%A7%DA%A9%E2%80%8C%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D9%86%D8%A8%D9%88%D8%AF%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%86%D8%AF>

۵- مروری اجمالی بر حوادث روی داده در معادن ایران طی سال‌های اخیر

<http://www.kaleme.com/1391/10/01/klm-125502/?theme=fast>

<http://www.minews.ir/fa/doc/news/12774/%D8%A7%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%B3-%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%DA%A9%D9%85%DB%8C%D9%86-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>

۶- <http://www.payeshpress.ir/News/802.html>

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2241437>

طرف استانداری کرمان و وزارت صنایع و معادن پرداخت شد. تا ۴ ماه پس از حادثه نیز از پرداخت دیه به این خانواده‌ها خبری منتشر نشد. از پرداخت خسارت به کارگران صدمه دیده نیز هیچ خبری در رسانه‌ها منتشر نشده است. (۵)

اما در گزارشات مستقلی که از این گونه حوادث در معادن منتشر شده به علت دیگری نیز اشاره می‌شود: خصوصی‌سازی. بی‌توجهی صاحبان خصوصی معادن به مساله ایمنی و جان کارگران به حدی در سال‌های اخیر شدت یافته که صدای برخی از مسوولان نیز در آمده است. نماینده پیشین طیس در زمان وقوع حادثه انفجار معدن یال شمالی طیس با اشاره به «تصمیم غیرمنطقی» دولت دهم در سال ۸۸ مبنی بر خصوصی‌سازی این معدن، گفته بود: «آن موقع هرچه به مسئولان هشدار دادیم که خصوصی‌سازی معادن باعث کم توجهی به رعالت مسائل ایمنی می‌شود کسی توجه نکرد.» البته این نماینده توجهی به این مساله ندارد که خصوصی‌سازی معادن تنها به دولت دهم مختص نمی‌شود. (۶)

منابع و زیرنویس‌ها

۱- <http://www.ayeneh.com/?p=28586> به نقل از ایسنا

۲-

<http://isna.ir/fa/news/93050100286/%D9%85%D8%B1%DA%AF%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%87-%D9%85%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D8%AF>

۳- آوار خصوصی‌سازی بر سر کارگران معدن، گفتگو با دکتر احمد رشیدفرخی، مریم محسنی، نقد نو، شماره ۸۶

۳-

<http://isna.ir/fa/news/93050100286/%D9%85%D8%B1%DA%AF%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%87-%D9%85%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D8%AF>

تک‌شماره ۳۰۰

شهادت خورشیدگارا در گاجیره



مردون تونل شماره ۱۰۰ در معادن سهند، در ۱۰ فروردین ۱۳۸۶ درگذشت.

۱- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۳- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۴- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۵- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۶- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۷- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۸- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۹- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۰- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۱- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۲- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۳- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۴- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۵- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۶- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۷- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۸- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۱۹- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۰- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۱- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۲- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۳- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۴- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۵- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۶- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۷- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۸- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۲۹- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

۳۰- شهادت خورشیدگارا در گاجیره

حوادث معدن در گذر تاریخ

انفجار معدن گاجره خرداد ۱۳۳۲

حوادث کار در معدن، انفجار، کشته شدن کارگران انگار در گذر تاریخ تغییر چندانی نکرده است. نبود وسایل ایمنی کافی، کمی دستمزد، شرایط نامناسب کار، سودجویی کارفرما و...

در زیر به حادثه‌ای که در معدن گاجره در ۵ خرداد ۱۳۳۲ رخ داده (۱) و انفجار معدن باب نیز (۲) اشاره می‌کنیم و مروری خواهیم داشت به گزارش‌هایی از این حوادث.

حادثه‌ی انفجار در معدن گاجره رخ داد. این معدن در کیلومتر ۱۳ جاده کرج چالوس واقع بوده و ۳۵۰ کارگر داشته است. اکثر کارگران ۱۷ تا ۲۵ ساله بودند. کیهان این خبر را خیلی کوتاه کار کرده است. در روزنامه شهپاز ۶ خرداد علت حقیقی قتل این کارگران بی‌اعتنایی متصدیان و نبود موتور تهویه هوا عنوان شده است. روزنامه دژ در این روز اعلام کرده که ۵ نفر سوخته و ۶ نفر هنوز زیر خاک مدفونند.

کشته‌شدگان عبارتند از: روح‌اله علی میرزایی، فخرالدین ثابتی، حمداله قربی، بیت‌اله شفقتی و سید ذبیح‌اله ابوالفضل آذربور، محمد لیواری، محرم احمدی نیز زیر خاک مانده‌اند. سال قبل نیز همین تونل این معدن ریزش کرده و تعدادی کشته شده بودند. تا ساعت ۹ شب به دلیل گاز فراوان هیچ کس نمی‌توانسته وارد معدن شود. رییس معدن هم اجازه نمی‌داده که تهویه هوا به کار افتد. سرانجام تحت فشار کارگران تسلیم شده و کارگران در این ساعت توانستند اجساد همکارانشان را بیرون بیاورند. این تاخیر سبب شد که تعدادی از کارگران زیر آوار خفه شوند. در بیمارستان گاجره هیچ دکتری حضور نداشته است. کارگران وقوع حادثه را پیش بینی کرده و به مسوولین معدن گزارش داده بودند اما مسوولین گوش نکرده‌اند.

در شماره‌ی یک و دو روزنامه‌ی "سرود فردا" گزارشی مصور از معدن گاجره کارگران و محل زندگی آنان آورده شده است. گزارش بسیار تکان دهنده است: "کارگری یکی از چراغ‌های اطمینان را به خبرنگار نشان داد و گفت دیروز بعد از حادثه به ده نفر از کارگران این تونل از این چراغ‌ها که هنگام تراکم و ازدیاد

گاز خاموش می‌شوند، داده‌اند. گویا برای این است که اگر کسانی جهت بازرسی آمدند و بازرسی هم کردند اینها به رخشان کشیده شود اما تا دیروز چراغ‌های ما چراغ قوه‌های دستی بود که خودمان دانه‌ای ۱۵ تومان خریده بودیم و یا از همین چراغ‌ها با توری ایرانی که کار لازم را انجام نمی‌دهند. نماینده‌ی سندیکای کارگران یادآوری نمود که معدن دستگاه تهویه لازم را برای همه‌ی قسمت‌ها ندارد. در همین تونل ۱۱ بعد از انفجار یک وانتیلاتور گذاشتند.

در ادامه‌ی گزارش کارگران از وضع خانه‌ها، بهداری و حقوق خود صحبت کردند. آنها گفتند که در ظاهر اینجا یک بیمارستان ۱۵ تختخوابی دارد اما اولاً طبیب آن معمولاً در محل نیست در روز حادثه نیز نبوده است و بعد از تلفن کردن و اطلاع دادن آمد. ثانیاً بیمارستان دوا و داروی کافی ندارد.

بعد از ۲۴ ساعت هنوز هیچ آمبولانسی نیامده است. تنها یک وانت برای انتقال بیماران آمده است. نماینده‌ی سندیکا از اقدامات سندیکا و اعتراضات مکرر کارگران در مورد تکمیل وسایل استحضافی معدن گفت و تذکر داد که اولیای مربوطه هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. کارگران توضیح دادند که بعد از حادثه تعدادی ژاندارم آمدند و مانع ورود ما به تونل شدند اگر می‌گذاشتند شاید تعدادی از کارگران را می‌توانستیم زنده بیرون بیاوریم.

در تمام معدن فقط یک دستگاه متوسط و دو سه دستگاه کوچک تهویه هست. با در نظر گرفتن ۱۵ تونل معدن و شعبات آن می‌توان تصور کرد که این تعداد دستگاه تهویه چقدر کم است..."

از منازل کارگران کشته شده صدای گریه و آه و ناله می‌آمد. نمی‌شد حزن و اندوه آنان، احساس وحشت‌آور فقر نیستی را که بر خانواده‌ای بی‌سرپرست چیره شده، درک نکرد و از غم و محنتشان سهمی نبرد... اشک از گونه‌های زرد و نحیف کودک خردسال فخرالدین ثابتی که شهید شده بود جاری بود..."

انفجار معدن باب نیزو شهریور ۸۴

در شهریورماه سال ۸۴، نه کارگر معدن زغال‌سنگ باب‌نیزو در حادثه‌ی انفجار این معدن به طرز دل‌خراشی جان سپردند. دکتر احمد رشید فرخی متخصص طب کار، که در مناطق کرمان و

همین سفارش‌شده‌ها بود که با دیدن یک دوره‌ی سه‌ماهه‌ی آموزشی نقش سرپرست کلینیک را داشت و این موضوع نابه‌سامانی بهداشتی مختص این منطقه و صرفاً محدود به متخصص نبودن افراد نبود.

در ادامه خبرنگار می‌پرسد: "وقتی نگاهی به حوادث معدنی ایران می‌اندازیم یکی از اتفاقات دردناک، وضعیت کارگران محبوس شده در یک حادثه‌ی معدنی است. در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا، ایستگاه‌های ایمنی در معادن وجود دارد که به کارگران محبوس شده کمک می‌کند تا آن‌ها را نجات دهد. در ایران چنین کمک‌هایی وجود ندارد. مثلاً در حادثه‌ی معدن باب‌نیزو، حادثه برای کارگران معدن ساعت ۹ شب اتفاق افتاده در حالی که کارفرما ساعت ۷ صبح تازه در جریان قرار گرفته بود. با توجه به این‌که معادن زغال‌سنگ به علت گاز‌خیز بودن همواره در خطر انفجار و ریزش قرار دارند، و ممکن است بر اثر هر انفجار دهانه‌ی بخشی از معدن مسدود و کارگران محبوس شوند. در این صورت برای کارگران حادثه‌دیده چه کار می‌شود کرد؟ آقای دکتر به حساسیت افکار عمومی اشاره می‌کند و مثالی از یکی از حوادث معدنی روسیه می‌آورد که پوتین ناگزیر شده برود در منطقه‌ی حادثه و بالاخره توانستند تعدادی از کارگران را نجات بدهند، مثلاً با لوله هوا برسانند و یا اقدامات اورژانسی دیگر. یا کارگران محبوس شیلی را به خاطر بیابورم که چگونه روزها عملیات نجات ادامه یافت. اما در ایران به نظر دکتر این کارها تعهد ملی و علمی می‌خواهد که این‌ها از یک کاسب‌کاری که معدن را خریده تا دو ریال‌اش را بکند پنج ریال برنمی‌آید. این‌جا این کارفرما محاسبه می‌کند قیمت کارگر چند است و چه قدر دست آخر برای‌اش می‌ماند.

منابع:

- ۱- کیهان، دژ، شهپاز، جهان‌بین، باختر امروز سرود فردا ۶ و ۷ خرداد ۳۲/
- ۲- مریم محسنی، آوار خصوصی سازی بر سر کارگران معدن، ماهنامه‌ی نقدنو، سال سوم، شماره‌ی ۱۸، اردیبهشت و خرداد ۸۶
- ۳- یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی ۱۵۰۰

زرنده به کار اشتغال داشته و به مسایل ایمنی - بهداشتی و درمانی کارگران معادن زغال‌سنگ کرمان رسیدگی می‌کرده است در مصاحبه‌ای چنین می‌گوید:

شهرک‌های معدنی کرمان فوق‌العاده ایراد دارد. یعنی به نظر من با فرهنگ و شرایط ما انطباق ندارد. چه از لحاظ موازین ایمنی و چه از نظر عوارض درازمدت که ناشی از بی‌نظمی وضعیت تمهیدات و موازین بهداشتی و پزشکی آن‌جاست. (البته صحبت‌های من مربوط به ده - دوازده سال پیش است). داستانی خنده‌دار تعریف کنم: قرار بود من از دو تا درمان‌گاه بازدید کنم. یکی از درمان‌گاه‌ها (فکر می‌کنم درمان‌گاه مربوط به معدن باب‌نیزو بود) در کمرکش کوه واقع شده بود و در تپه‌یی قرار داشت که فرد سالم هم برای رفت‌وآمد مشکل داشت. چون هنگام پایین آمدن به دلیل شیب زیاد خطر سقوط وجود داشت چه رسد به حمل مصدوم با برانکار. وقتی به درمان‌گاه رسیدیم، در این به اصطلاح درمان‌گاه بسته بود و ظاهر ساختمان هیچ شباهتی به درمان‌گاه نداشت. پس از در زدن ما پیرزنی با سنی تقریباً بیش از ۶۰ سال در را به روی‌مان باز کرد. او بتادین را هم یک چیز خاصی تلفظ می‌کرد و آماده بود تا به عنوان مسئول درمان‌گاه به ما که فکر می‌کرد برای درمان آمده‌ایم سرویس پزشکی بدهد. وقتی سراغ مسئول درمان‌گاه را گرفتیم، او گفت مسئول درمان‌گاه پسرم است و رفته شهر. زمانی که متوجه شد من برای بازرسی آمده‌ام نگران به خطر افتادن موقعیت پسرش شد و مرتب می‌گفت او چه کاری می‌خواهد انجام بدهد که من نمی‌توانم. من هم می‌توانم همان کار را انجام بدهم. این وضعیت یکی از درمان‌گاه‌های آنجا بود. در چنین شرایطی وقتی مدیرعامل وقت یک برنامه خواست

برای اصلاحات سیستم بهداشتی و درمانی آن‌جا، من به ایشان پیشنهاد کردم لطف کنند ابتدا فکری برای این مجموعه کنند که چه کسانی به عنوان پرسنل بهداشتی کار می‌کنند. چون به جز سه یا چهار پرستار که تخصص داشتند، بقیه‌ی پرسنل سفارش شده بودند و هیچ صلاحیت پزشکی نداشتند. این روابط بود که این افراد را به کار گمارده بود و نه ضوابط. پسر خانم ۶۰ ساله‌یی که در غایب بودن پسرش مسئولیت درمان‌گاه را داشت، نیز از

خرداد ۱۳۳۲، معدن گاجره

... "فضای تاریک معدن با سرمای مرطوبی همراه بود. گویی درون گور مرطوب و وحشت‌آور و بی‌انتهایی پیش می‌رویم. آب از هر طرف دیوارهای سیاه و زمخت چکه چکه می‌ریخت. برخورد قطرات سرد آب با پوست بدن در معدن تاریک خفه، تشنج‌آور بود. کارگران تعریف می‌کردند که این قطرات مدام و سمج آب در بسیاری نقاط حتا ریل‌ها را سوراخ کرده است. تونل هیچ دیواربندی نداشت. دل کوه را کنده و جلو رفته بودند، فقط جا به جا در برخی نقاط یک دو متر از تونل چوب بستنی زده شده بود. چوب‌های بی‌استقامت و پوسیده. به همین دلیل هم بعد از هر انفجار، تونل ریزش می‌کند و ارتباط آن با قسمت انتهایی معدن قطع می‌شود و کارگران که در آن قسمت‌ها باشند زنده به گور می‌شوند همین اتفاقی که در انفجار چند روز قبل رخ داد. در یکی از همین چهارراه‌ها چیزی دیدیم که برای همه تعجب‌آور بود و آن یک راه عمودی از سقف تونل به بالا بود که به تونل فوقانی می‌رسید. با اطمینان می‌توان گفت که پهنای آن؛ کمی وسیع‌تر از دودکش آشپزخانه بود با چوب‌های افقی که منظمًا به دیوار نصب شده بود کارگران را به تونل بالایی می‌رساند. این راه نزدیک به ۴۰ متر طول داشت از قطر تنگ آن فقط کارگران ضعیف و لاغر اندام می‌توانستند عبور کنند. و برای یک نفر با هیکل عادی قابل عبور نبود. از جوانب این راه دوزخی نیز رطوبت و نشت آب و ریزش چکه‌ها مانند سایر نقاط معدن دیده می‌شد. بدیهی است آب‌هایی که نشت می‌کند و چکه‌هایی که می‌ریزد چاره‌ای ندارد جز آنکه سطح معدن را تبدیل به گودال‌های پرآب و چاله چوله‌های پست و بلندی نماید. عرض تونل در حدود سه چهار متر و ارتفاع آن به زحمت به اندازه‌ی قد یک انسان متوسط‌القامه بود. اشخاص بلند قد حتما می‌باید خم شده و پیش بروند...

سرود فردا خرداد ۱۳۳۲

اردیبهشت ۱۳۹۳، معدن طرزه شاهرود

با نخستین قدم پایمان در سیاهی فرو می‌رود ۸۰۰ متر تا نخستین افق. افق‌ها همان طبقات معدن است. معدن زغال سنگ طرزه ۳ افق دارد که افق اول با ۴۵۰ متر طول، ۴۰۰ متر زیرتر از سطح زمین است و دو افق دیگر تا عمق ۱۵۰۰ متری راه می‌برد. تا افق اول، ۳۰ دقیقه راه است و تا افق دوم، ۴۵ دقیقه و تا افق سوم، بیش از یک ساعت. صدای چکیدن قطرات آب و کلمات ما تنها صدایی است که سکوت تلخ و تار این گور زیرزمینی را هراسان می‌کند. به فاصله یک تا دو متری روی سقفی که آمیخته سنگ و زغال است، چراغ‌های مهتابی نصب شده و روی شلاب زغال و لای و ریزه سنگ پیش می‌رویم. آرک‌ها سقف معدن را از فرو ریختن حفظ می‌کند و الوارهای چوب، دیوارها را. «برای کارگر معدن زغال که با سختی کار و مسافت طولانی و خطر ریزش و سقوط سروکار دارد، تاریکی شاید کمترین مشکل باشد. در این چند سال، کارگرانی را دیدم که گرفتار استرس یا اختلالات اعصاب و روان بودند و همین تاریکی هم آنها را دچار توهم می‌کرد و کار در داخل معدن برایشان بسیار سخت و وحشت‌آور بود...»

هر چه به عمق سیاهی می‌رویم تلخی طعم زندگی کارگر معدن زغال، بیشتر روی پرزهای زبان مان می‌نشیند...

بعد از ۲۴۰ متر به سرازیری تونل می‌رسیم که از همین جا تا ۱۵۰۰ متر پایین‌تر، چهار کیلومتر راه است و کارگران معدن، صبح کارها و شب کارها، هر روز، در دو نوبت، تا ۲۳ سال و شش ماه، باید این مسیر را بروند و برگردند برای دستمزد ۷۰۰ و ۸۰۰ و ۹۰۰ هزار تومانی یک ماه و دو ماه عقب افتاده که هنوز یک سوم آرزوهایشان را هم جواب نمی‌دهد...

یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی

۱۵۰۰

بیماری‌ها و اختلالات اسکلتی-عضلانی مرتبط با کار در

معادن

بسیاری از فعالیت‌ها در معدن نیازمند انجام کارهای تکراری در فضاها یا تنگ و کوتاه است که کارگر مجبور است به صورت خمیده، نشسته یا حتی دراز کشیده کار انجام دهد. این شیوه‌ی کار بسیار طاقت فرساست و سبب ایجاد اختلالات اسکلتی-عضلانی در کارگران می‌شود. کمردرد و شانه و دست درد، مشکلات زانو از جمله‌ی آنها هستند. فشار مداوم به مفصل زانو سبب التهاب و تورم این مفصل می‌شود. همچنین فشار مداوم و همزمان و خیس بودن کف معادن بروز عفونت ریشه‌های مو و پوست ضخیم ناحیه زانو را در پی دارد. این مشکل به "زانوی معدن‌کاران" معروف است، بیماری شایع در معادن است.

افت شنوایی

کاهش شنوایی ناشی از سروصدا از عوارض کار در محیط‌های پر سروصدا است. افت شنوایی غیرقابل برگشت، درمان ناپذیر و در همه‌ی معادن شایع است. اختلال شنوایی در کارگران معادن می‌تواند منجر به مشکلاتی در کیفیت زندگی، برقراری ارتباطات یا درک گفتار و همچنین افزایش ریسک شغلی به خاطر ناتوانی در تشخیص ندادن هشدارها و نشانه‌های ایمنی شود. کارگرانی که دچار افت شنوایی می‌شوند در ابتدا فکر می‌کنند که محیط کار آرام‌تر شده است. هر چند اخیراً وسایل ارزان قیمت اندازه‌گیری سروصدای دریافتی توسط کارگر ساخته شده که کارگران می‌توانند به کمک آن به میزان سروصدای دریافتی در هر شیفت پی ببرند و اقدام‌های محافظتی لازم را انجام دهند، اما سوال اینجاست که آیا این وسیله در اختیار کارگر ایرانی معدن نیز قرار دارد؟ کارگری که از ساده‌ترین امکانات ایمنی مثل ماسک و... محروم است. کارگری که حتی یک ساعت آموزش نیز در رابطه با کار در معدن ندیده است.

تماس با گرد و غبار در معادن زغال سنگ و در سایر معادن

بیماری‌های ناشی از کار در فعالیت‌های معدنی

تنها حوادثی مانند انفجار و ریزش و... نیست که جان کارگران معدن را به خطر می‌اندازد. کار در تونل‌های تاریک و باریک تونلی‌هایی که سقف آنها بسیار کوتاه و کفشان خیس و گل‌آلود است و گاه کارگران مجبورند که خمیده، نشسته روی زانو یا حتی دراز کشیده کار انجام دهند، با امکان لیز خوردن زیاد، پر از سر و صدا و گردوغبار و گازهای سمی، در شرایط گرمایی و سرمای نامناسب و فضایی مرطوب، هر لحظه بخشی از عمر طبیعی کارگران معدن را می‌بلعد و سلامت این کارگران خاموش و آرام و مستمر صدمه جدی می‌بیند.

در زیر نگاهی کوتاه می‌اندازیم به بیماری‌هایی که ناشی از کار در معدن هستند و به مرور زمان سبب کاهش عمر و کیفیت زندگی کارگران می‌شوند. در بسیاری موارد این بیماری‌ها به حدی حاد شده که جان بیمار را نیز می‌گیرد، هر چند آماری از آن وجود ندارد.

پاییز ۸۴: معدن باب نیزو

کارگر شیفت بعد از ظهر معدن باب نیزو می‌گوید: «کار در معدن خیلی سخته. بعضی وقتا تا زانو توی آب می‌ریم. ۲۰۰ متر زیرزمین کار کردن شوخی نیست توی تاریکی. بیرون که می‌آیم نور چشممان را می‌زنه. بعضی وقتا توی تونل تا زیر زانویمان را آب می‌گیره؛ اون وقت ماهی ۱۲۰ هزار تومان.»

ماه‌نامه‌ی تقدنو، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴ / خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی

داشته و نقش مهمی در خانه ایفا می کرده به آدمی تبدیل می‌شود که از جای‌اش نمی‌تواند تکان بخورد و وابسته به مراقبت و سرویس دیگران می‌شود و طبیعتاً نه پرستیژی می‌ماند و نه احترامی و رفته‌رفته تبدیل به یک موجود مزاحم می‌شود که هم خودش از این وضعیت عاصی می‌شود و هم دیگران از او خسته می‌شوند. این افراد معمولاً ۵ تا ده سال زنده می‌مانند.

"بهداشت حرفه‌ای و ایمنی صنعتی" (علمی که بیشتر در خدمت سرمایه‌داران قرار گرفته تا کارگران) ضررهای این بیماری را این گونه برآورد می‌کند:

"بر اساس این مطالعه، افت اقتصادی ناشی از پنوموکونیوزیس در حدود ۰/۴ درصد از تولید ناخالص ملی کشور چین بوده است. از این رو با یک حساب ساده و بدون توجه به سایر جنبه‌های این بیماری، نسبت منفعت به هزینه در حدود ۱۳/۷ بوده است. به عبارت دیگر با اطلاعات موجود در زمینه اثرات سوء این بیماری حداقل ۷.۱۳ برابر هزینه صرف شده در بخش ایمنی بهداشت، برگشت سرمایه وجود دارد که نشان از برگشت بسیار بالای هزینه صرف شده در بخش بهداشت حرفه‌ای و ایمنی صنعتی دارد." (۱) یعنی هزینه‌ای که برای پیشگیری از بیماری می‌شود، چندین برابر کمتر از هزینه‌ای است که صرف درمان بیماری می‌شود.



کارگر مبتلا به سیلیکوزیس

به دلیل حفاری به شیوه‌های متفاوت فضای معدن آغشته به گرد و غبار است. گرد و غباری که حاوی ذرات شیمیایی متفاوتی است که همگی برای کارگران مضر است. حفاری، چالزنی، سنگ شکنی، حمل و نقل مواد استخراجی ... عامل ایجاد گرد و غبار در معدن هستند. در معدن زیرزمینی به علت محدود بودن فضا و همچنین محدود بودن سیستم‌های تهویه، این مشکل به مرتب بیشتر است. یکی از این مواد سیلیس است که تماس طولانی مدت و بیش از حد و استنشاق گرد و غبار سیلیس متبلور قابل استنشاق یا کوارتز، موجب بروز بیماری ریوی پیش رونده‌ای به نام سیلیکوزیس می‌شود. بر مبنای مطالعات انجام شده، بیش از ۷۰ درصد از کل بیماری‌های شغلی در سال‌های اخیر این بیماری بوده است.

سیلیس متبلور قابل استنشاق، در عملیات معدنکاری و در حین خرد کردن ایجاد و منتشر می‌شوند. تماس اصلی با گرد و غبار در معدن زغال سنگ رو باز در زمان چالزنی یا حمل و نقل مواد سیلیس‌دار رخ می‌دهد. این مساله حتی در کابین‌های در بسته نیز وجود دارد چرا که گرد و غبار حاوی سیلیس با پوتین‌های کارگران وارد محل می‌شود.

دکتر احمد رشید فرخی می‌گوید: یکی از بیماری‌های رایج شغلی کارگران معدن کرمان که من با آن مواجه بودم، سیلیکوزیس است. یعنی استحاله‌ی جسم ریه و مثل این است که شما ریه را پس از مدتی تبدیل به گچ کنید. ریه در این وضعیت مانند ماشینی می‌شود که فیلتر هوای‌اش بگیرد. هم مصرف سوخت‌اش بالا است و هم خوب کار نمی‌کند. در این حالت بیمار یا باید «پیوند ریه» بشود یا منتظر مرگ تدریجی باشد. در چنین وضعیتی کارگر بیمار زندگی‌اش در سه چیز خلاصه می‌شود: کپسول اکسیژن، ماسک، و تخت.

تنها امکاناتی که در چنین شرایطی در اختیار کارگران قرار داده می‌شود، یک کپسول اکسیژن و ماسک است و او باید روی تخت‌اش بستری بشود تا زمانی که بمیرد و بقیه باید از او مراقبت کنند و این شیوه‌ی زنده ماندن عوارض اجماعی و شخصیتی بسیار منفی‌ای دارد. انسانی که خود نان‌آور خانواده بوده، اتوریته

سیلیکوزیس ساده و ۱ مورد مبتلا به فیبروز پیشرونده ریه، همگی از بازنشستگان معدن فیروزه بودند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مواجهه کارگران با گرد و غبار سیلیس علاوه بر ابتلا به بیماری سیلیکوزیس، منجر به افزایش دیگر مشکلات تنفسی به ویژه بیماری‌های انسدادی ریوی می‌گردد. عوارض این بیماری غیرقابل درمان است و سبب ناتوانی دایمی در کارگر می‌شود و تنها چاره‌ی کار انجام اقدامات پیشگیرانه در معدن است باید مورد توجه کارفرمایان، کارگران و مسوولان قرار گیرد که متأسفانه سودخواهی مانع از این اقدامات می‌شود. (۴)

استرس گرمایی

استرس گرمایی در معدنکارانی که در محیط‌های گرم کار می‌کنند، بروز می‌کند. علائم استرس گرمایی شامل افزایش دمای بدن، افزایش تعداد ضربان قلب و تعریق است. دما در عمق ۲۵۰ متری حدود ۲۵ درجه سانتی‌گراد است و در عمق ۲۰۰۰ متری این دما به ۴۵ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. طی فرآیند معدنکاری گرما در محیط معدن آزاد می‌شود و هوایی را که از کنار سنگ‌های داغ می‌گذرد نیز گرم می‌کند و دمای آن را بالا می‌برد. استفاده معمول از آب برای کنترل گرد و غبار موجب بالا بردن درصد رطوبت در معدن می‌شود. دمای بالا به تنهایی - مخصوصاً اگر با رطوبت بالا توأم باشد- خطرات بهداشتی مهمی را برای معدنکاران به وجود می‌آورد. افزایش سکته‌ی قلبی یکی از این عوارض است اما سکته جزء حوادث کار محسوب نمی‌شود.

دود و دمه، گازها و بخارهای سمی حاصل از آتشباری

طی فرآیند شیمیایی گازهای سمی و قابل انفجار و احتراق به وجود می‌آیند. یکی از خطرناک‌ترین این گازها منواکسید کربن است. مسمومیت با منواکسید کربن در تونل‌های چال‌های انفجاری و همچنین در معدن زغال سنگ سطحی نیز دیده می‌شود. میزان قابل توجهی از گاز CO طی آتشباری تولید می‌شود اما این گاز و سایر گازهای دیگر تولید شده به اتمسفر

شود. اما سودپرستی صاحبان معدن از اقدامات پیشگیرانه جلوگیری می‌کند.

استفاده از سیستم مه‌ساز، افشانه‌های آبی و بادبزن‌های جمع‌آوری گرد و غبار به هنگام حفاری در معدن، در کاهش انتشار سیلیس موثر است. کارگران به دلیل ناآگاهی از خطرات ناشی از تنفس این گرد و غبار زیان‌آور، توجهی به رعایت حداقل‌های ایمنی در این زمینه از جمله استفاده از ماسک ندارند. (۲)

این بیماری که در معدن زغال سنگ، فیروزه، سیلیس و ... شایع است از یک فیبروز ساده بدون علامت تا فیبروز شدید پیشرونده با علائم نارسایی تنفسی بسیار پیشرفته را شامل می‌شود. این علائم معمولاً سال‌ها پس از تماس مداوم با سیلیس ایجاد می‌شود. شواهد نشان می‌دهد در بعضی موارد این علائم حتی در کمتر از ۱۰ سال نیز قابل مشاهده‌اند.

در گزارشی از پزشکی قانونی در سال ۸۳ در مورد یک کارگر مبتلا به این بیماری چنین می‌خوانیم:

متوفی مردی ۲۴ ساله، مجرد، با قد ۱۷۵ سانتیمتر و وزن ۵۰ کیلوگرم بود که سابقه سه سال کار به صورت روزمزد در معدن سنگ ملایر داشت. سابقه مصرف سیگار، مواد مخدر و الکل وجود نداشت قبل از کار در کارخانه سنگ، سابقه بیماری خاصی در فرد متوفی وجود نداشت. فرد متوفی شش بار به دلیل مشکلات ریوی بستری شده بود ... در شرح حال، سوزش ادرار، هماچوری، تکرر ادرار، تنگی نفس، سرفه، دفع خلط سفید رنگ گاهی خونی و درد قفسه سینه داشت. آخرین بستری ایشان به دنبال سرماخوردگی و تشدید تنگی نفس در ای سی یو بود. (۳)

در تحقیق دیگری در زمینه شیوع بیماری‌های ریوی در بین معدن کاران فیروزه که بر روی ۱۱۷ نفر از کارگران شاغل و بازنشسته معدن فیروزه نیشابور انجام شده، مشخص شد که میانگین سنی شاغلین مورد بررسی ۴۲.۹ و میانگین سنوات کار آنان در معدن ۱۱.۵ سال بود. ۷ نفر از شاغلین مبتلا به بیماری

یزد منتقل شدند. کارگران که از صبح زود سر کارشان حاضر شده بودند حدود ۸ ساعت در معرض گاز آرسنیک قرار داشتند اما مسئولین پالایشگاه به آنها نگفتند که درصد گاز آرسنیک حوضچه‌ها افزایش یافته است. یکی از کارگران که به دلیل وخامت حالش به تهران اعزام شده، جفت کلیه‌هایش را از دست داده است و مرتب دیالیز می‌شود. به حدود ۵ نفر از همکاران نیز به دلیل کاهش پلاکت خون و از بین رفتن گلبول‌های قرمز به طور مرتب خون تزریق می‌شود. (۷)

این مواد به اندازه‌ی کافی خطرناک هستند مثل سیانور در استحصال طلا، اما در ایران، چون در زمینه‌ی سیانور تحریم شده، از کودهای شیمیائی که از وزارت کشاورزی به صورت قاچاق دریافت می‌کنند به جای سیانور استفاده می‌شود. مصرف صنعتی این کودها که همه جای دنیا ممنوع است. (۸) زیرا این خطرات را برای کارگران دوچندان می‌کند. اما خطرات معادن تنها برای کارگران نیست بلکه خانواده‌های آنان و ساکنان روستاها و مناطق نزدیک به معدن را نیز درگیر می‌کند. زیرا استخراج معدن به شیوه‌های عقب مانده و با سرعت بسیار زیاد صدمات زیادی به محیط زیست می‌زند.

در پسماندهای معدن طلا دو ماده سمی و خطرناک جیوه و آرسنیک وجود دارد که به راحتی منابع آبی منطقه را آلوده می‌کنند. این آب وقتی وارد چرخه آبی می‌شود، در ابتدا گیاهان و سپس حیوانات و انسان‌ها آلوده به این مواد خطرناک می‌شوند. اتفاقی که در معدن طلای تکاب رخ داده است. آزمایش‌های آب و خاک منطقه نشان می‌دهد در بدن مردم تکاب جیوه وجود دارد و وجود بیش از اندازه جیوه در انسان، بیماری‌های پوستی و سرطان، به خصوص سرطان‌هایی مانند مری و معده و همچنین تولد کودکان ناقص‌الخلقه از تبعات آن است.

تخلیه نمی‌شوند بلکه در زیر لایه‌های مجاور سطحی جمع شده و سپس به طرف مسیرهای دارای مقاومت کمتر حرکت می‌کنند. گاز CO یک گاز پایدار است و می‌تواند تا روزها باقی بماند تا وقتی کارگران مشغول کارند توصیه می‌شود از آشکارساز گاز در نزدیکی محل استفاده شود و نیز قبل از اینکه کارگرها وارد هرگونه محیط بسته‌ای مانند دویل‌های نفر رو در نزدیکی محل انفجار شوند، باید میزان این گاز را اندازه‌گیری کرد. در گذشته‌های دور از پرندگان برای سنجش این گاز استفاده می‌شده است چرا که با درصد کمی از این گاز خفه می‌شدند و کارگران متوجه وجود این گاز بی بو خطرناک می‌شدند. اما حال تکنولوژی به کمک این کارگران آمده اما متأسفانه در بسیاری از حوادث رخ داده ناشی از انفجار گاز، دستگاه‌های سنجش گاز خراب بوده یا اصلاً موجود نبوده است.

سایر مواد سمی

سرب، اروانیوم، فرمالدئید (۶) ، مواد دیگری مانند ذرات خروجی از آگزوز موتورهای دیزلی ، مواد شیمیایی مورد استفاده برای جداسازی مواد معدنی از یکدیگر به کار می‌روند مثل سیانور در معادن طلا و... از جمله مواد سمی هستند که در معادن به وفور یافت می‌شوند. همه‌ی این مواد سرطان‌زا هستند. به جز آن مشکلات تنفسی، آسم ناشی از کار، آلرژی و بیماری‌های پوستی، و حتا پارکینسون با قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی که بر روی سیستم عصبی تاثیر سوء دارند و در مرحله فرآوری زغال سنگ و سایر مواد معدنی استفاده می‌شوند) رابطه‌ی مستقیم دارند.

در آخرین نمونه از حوادث ناشی از کار در تیرماه ، حدود ۱۹۴ کارگر مجتمع مس سرچشمه رفسنجان مسموم شدند که حدود ۴۰ کارگر به دلیل مسمومیت با گاز آرسنیک به بیمارستانی در

تهویه غول پیکر در همین آستانه نصب شده که اکسیژن خالص را به سرازیری تونل هدایت کند و گاز متان و گرد زغال و گاز گوگرد را فرو بکشد. مسوول ایمنی می‌گوید که کاهش اکسیژن تا ۱۹ درصد هم مجاز است که پایین‌تر از این حد، کارگر را به بی‌حالی و ضعف می‌کشاند و کمتر از ۱۴ درصد، به مرگ اما این تهویه جوابگوی افق‌های دوم و سوم نیست و بیشترین شکوه کارگران از کمبود اکسیژن است در تونل‌هایی که گازهای سمی و رطوبت تمام اکسیژن هوا را می‌بلعد. صدای تهویه مهیب است. صدایی که تمام سلول‌هایت را می‌لرزاند و انگار هم الان پرده گوشت از هم دریده می‌شود. ... سرازیری تونل، مثل غارهای به جا مانده از عصر سنگی است: دیوارهای آبله زده از تو رفتگی و بیرون‌زدگی سنگ بی‌قابلیت زغال، حفره‌هایی که پایانی ندارد، سقف ناسور و بی‌قواره‌یی که گاه سرت را خم می‌کند و گاه کمرت را. نقاله عظیمی که از بونکر زغال (مخزن جمع‌آوری زغال) راه به بالا کشیده، غرغر کنان در حال حرکت است. «این نقاله هیچ‌وقت متوقف نمی‌شود و شبانه‌روز در حال حمل زغال است.» ... به افق اول می‌رسیم. بعد از آنکه ۳۰۰ الوار چوب به حکم پله‌های این سرازیری با شیب ۱۶ درجه را زیر قدم‌هایمان جا گذاشتیم. افق، هیچ تناسبی با تسمیه‌اش ندارد. روشنایی چراغ‌هایمان فقط تا یک متر جلوتر را روشن می‌کند. سرمای هوا از تار و پود پارچه‌های زمخت رد می‌شود و پوست‌مان را می‌گزد. سرمای مرطوب که ۸۷۵ کارگر قراردادی و غیر رسمی با قراردادهای ضمنی و شفاهی، باید ۲۳ سال و شش ماه و هر روز هشت ساعت آن را تحمل کنند تا در آخر، ۳۵ روز حقوق بازنشستگی بگیرند آن وقتی که ریه‌هایشان از رسوب گرد زغال دو لایه شد و نفس‌هایشان توان خاموش کردن یک شعله شمع را هم ندارد ... بو کن. چه بویی می‌دهد؟ بوی سنگ زغال را فرو می‌کشم. بوی لجن، فاضلاب شاید. بوی تخم مرغ گندیده. هان؟ این همان گاز گوگرد است که از زغال متصاعد می‌شود.

یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی

۱۵۰۰

در مورد معادن اورانیوم هم که وضع روشن است. تشعشعات این ماده برای انسان مرگ‌زاست و کار در این گونه معادن با نبود امکانات ایمنی کافی مساوی است با مرگی نه چندان تدریجی.

(۹)

قارچ‌ها نیز صدمات جدی به سلامت ریه‌ی کارگران وارد می‌کنند. شرایط دما و رطوبت در معادن به گونه‌ای است که غالباً باعث رشد قارچ و کپک می‌شود.

استرس و خستگی ناشی از کار

استرس و خستگی ناشی از کار در صنعت معدنکاری بسیار شایع است. بسیاری از معادن به صورت ۲۴ ساعته در حال تولید هستند. سرمایه‌گذاران در این بخش می‌خواهند در حداقل زمان ممکن حداکثر سود را ببرند. بیکار گذاشتن ماشین‌آلات گران قیمت و تعطیلی معادن به معنی سود کمتر است.

بعضی از فعالیت‌های معدنی در تعطیلات آخر هفته نیز دایر هستند و بعضی دیگر نیز تمام روزهای سال را مشغول به کارند. در معادن زغال سنگ زیرزمینی، معمولاً کارگران در شیفت‌های ۸ ساعته کار می‌کنند. اما کارفرمایان و سرمایه‌داران حسابگر همه زمان‌های پرت را در نظر دارند. از دست دادن هر لحظه برای آنها به معنای کاهش سود است. جابه‌جایی شیفت‌ها معمولاً ۳۰ دقیقه یا بیشتر به طول می‌انجامد که با در نظر گرفتن دیگر زمان‌های تلف شده برای شروع مجدد تولید، تنها حدود ۶۰ درصد از کل زمان یک شیفت صرف تولید می‌شود. برای حل این مساله نیز باید تمهیداتی در نظر گرفته می‌شد. مثل اینکه تغییر افراد در شیفت‌های مختلف به صورت مستقیم و در خود محل تولید صورت گیرد که این شیوه به نام روش صندلی داغ مشهور است و لذا تقریباً زمانی برای تعویض شیفت تلف نمی‌شود و یا با افزایش ۲ ساعت به هر شیفت تولید، ۸ ساعت کامل تولید حاصل می‌شود. در برخی معدن از دو شیفت ۱۰ ساعته با ۴ ساعت تعمیرات در بین آنها، استفاده می‌شود و برخی شرکت‌ها نیز

روزهای کاری از دست رفته دارد. اما برای سرمایه‌گذاران وطنی و خارجی در معدن ایران این مسایل چندان مهم نیست و با برداشت بی‌رویه از معدن این روزهای از دست رفته را جبران می‌کنند.

وجود مواد خیس و گل در کف معدن موجب لیز خوردن شدید شده و خطرناک است. نزدیک شدن زیاد به ماشین‌آلات همیشه برای کارگران خطرناک است ولی این خطرات در فضاهای محدود معدن زیرزمینی به مراتب بیشتر می‌شوند. در معدن زیرزمینی امکان دید محدود است و باعث تشدید خطرات در محیط‌های بسته می‌شود. (۱۰)

زیرنویس

* ماهنامه‌ی *تقدنو*، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴ / خصوصی‌سازی معدن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی

۱- بررسی پنوموکونیوزیس در معدن و صنایع معدنی با رویکرد اقتصادی / احمد نیک پی، علیرضا کوهپای، هاشم ستاره

2- <http://lahijanarshadzamin.blogfa.com/post-136.aspx>

۳- گزارش یک مورد مرگ زودرس ناشی از سیلیکوزیس در مردی ۲۴ ساله / پزشکی قانونی ۱۳۸۵ شماره ۴۳

<http://www.ensani.ir/fa/content/116636/default.aspx>

۴- بررسی بیماری‌های ریوی شغلی در کارگران معدن فیروزه / مجدی

محمدرضاءرفیعی منش احسان*، احتشام فرسیدمرتضی، فحول

محمدجواد، مسعودی سعید / * مرکز بهداشت استان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<http://generalmedical.mihanblog.com/post/tag/%D9%81%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%8>

۵-

۶- فرمالدهید گازی با بوی تند و زنده‌است و به آسانی از سوخت ناقص

ترکیب‌های *کربن‌دار* به دست می‌آید. آن در دود آتش جنگل‌ها و دود

خودروها هم پیدا می‌شود. فرمالدهید همچنین از آمیخته شدن *اکسیژن* و

متان در هوا ساخته می‌شود. فرمالدهید در صنایع چسب سازی نیز

استفاده می‌شود. بخارات سمی دارد و سرطان زاست.

Wikipedia contributors, "Benzaldehyde", Wikipedia, The Free Encyclopedia,

7- <http://www.iscanews.ir/news/15700/%DA%AF%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D8%B1%D8%B3%D9%86%DB%8C%DA%A9-%D8%AF%D8%B1-%D8%B1%DB%8C%D9%87-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%>

شیفت‌ها را به ۱۲ ساعت نیز افزایش داده‌اند. همه‌ی این ترفندها برای بی‌کار نمودن ماشین‌آلات گران‌قیمت در نظر گرفته می‌شود اما به این مساله که این شیوه‌های کار چه تاثیری بر روی کارگران دارد توجهی نمی‌شود.

تحقیقاتی نیز در زمینه حوادث جزئی‌تر در معدن انجام شده است. این تحقیقات به خاطر توجه به سلامت و بهداشت کارگران انجام نمی‌شود دلیل اصلی آن تاثیری است که در میزان سود کارفرمایان و سرمایه‌داران دارند. این تحقیقات نشان می‌دهد که به علت این حوادث چه میزان روزهای کاری از دست می‌رود. تحقیقی در امریکا در گام نخست نشان می‌دهد که میزان حوادث کار در سال ۲۰۰۱ میلادی ۴/۳ مورد برای هر صد نفر کارگر تمام وقت معدن زغال سنگ، در مقایسه با میزان ۲/۶ در کلیه صنایع امریکا بوده است. در گام بعد با مقایسه تعداد و میانگین سالانه‌ی روزهای کاری از دست رفته برای کارگران معدن و پیمانکاران مستقل شاغل در معدن، انواع ماده‌ی معدنی و محل کار، نشان می‌دهد که ترتیب و میزان جراحات در طول چند دهه قبل کمی تغییر کرده است. به عنوان مثال از سال ۱۹۸۸ تا سال ۱۹۹۷، ۵ علت عمده بروز صدمات به ترتیب عبارتند از جابجایی مواد (۳۴ درصد)، لیز خوردن و یا افتادن (۲۱ درصد)، وسایل حمل و نقل (۱۱ درصد)، ماشین‌آلات (۱۱ درصد) و ابزارهای دستی (۹/۵ درصد) است. و در ادامه میانگین تعداد روزهای از دست رفته برای حوادث را در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ این گونه بیان می‌کند:

سقوط یا ریزش (۲۰ روز برای معدن زیر زمینی و ۲۱ روز برای معدن روباز)، لیز خوردن یا افتادن (۲۵ روز برای معدن زیرزمینی و ۱۷ روز برای معدن روباز)، ماشین‌های حمل و نقل (۲۳ روز برای معدن زیر زمین و ۱۶ روز برای معدن روباز)، پاکداشتن و یا زانو زدن روی اشیاء (۲۲/۵ روز برای معدن زیرزمینی و ۹ روز برای معدن روباز) و جابجایی مواد (۱۹ روز برای معدن زیرزمینی و ۱۲ روز برای معدن روباز). فشار وارده به ناحیه کمر که ناشی از زور زدن زیاد است، بزرگ‌ترین سهم را در

شمس‌الدین می‌گوید: پیکور (جکش هیدرولیکی) تمام مغزمان را می‌لرزاند. تمام بدنمان را می‌لرزاند وقتی می‌رویم خانه تا مدتی تیک داریم. بعضی جاها که باید در عرض ۵۰ سانت و ۴۰ سانت و ۳۰ سانت پیکور بزنیم. باور نمی‌کنید تا نروید داخل کار.

پزشک معدن می‌گوید: "پیکور زدن باعث انتقال ارتعاش به مفاصل‌شان می‌شود و بعد از مدتی در اثر وارد شدن استرس به عروق خونی، دچار کم خونی سطح غضروف می‌شوند که در دراز مدت، مرگ سلولی را در پی خواهد داشت و استخوانی شدن غضروف‌ها تسریع می‌شود و غضروف، خاصیت ضربه‌پذیری خود را از دست داده و مفصل دچار آرتروز و ناصافی زودرس می‌شود. در واقع، اتفاقی که باید در سنین میان‌سالی و ۵۰ و ۷۰ سالگی برایشان بیفتد، در ۲۵ و ۳۰ سالگی گرفتارشان می‌کند."

یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود

D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B3-
%D8%B3%D8%B1%DA%86%D8%B4%D9%85%D
9%87

۸- رادیو دویچه وله - طاهر شیر محمدی - شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲۴ آوریل ۲۰۱۰

<https://www.newsagency-ina.com/Report-back=1&Details.aspx?reportId=3364>

۹- مراجعه شود به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر از کارگران معدن اورانیوم

۱۰- کاظم نوری، محمد. حوادث و بیماری‌های ناشی از کار در فعالیت‌های معدنی، مجله نظام مهندسی معدن، شماره ۳، تابستان ۸۸



© picture-alliance/AP Photo/Ebrahim Noroozi



مزد داشت و در سال ۱۳۲۹ در همین معدن زیر آوار ماند و کتف و پایش شکست و ۵ ماه در بیمارستان خوابید." (۱)

پاییز ۸۴ باب نیزو: از سال ۴۵ توی معدن کار می‌کردم با روزی ۳ تومن. سال‌ها در معدن **باب نیزو** کار کرده‌ام. اون موقع سال پنج شش هزار کارگر داشت. الان بازنشسته هستم. با ۳۵ سال سابقه کار، ۱۸۰ هزار تومان می‌گیرم. کرمان سه تا شعبه تامین اجتماعی داره ولی وضع دارو خیلی بده. بیشتر معدن‌چی‌ها بیماری ریه دارند ولی بیشتر داروها فرانشیزش قطع شده و ما مجبوریم آزاد بخریم. با ۳۵ سال سابقه کار اموراتم نمی‌گذره. (۲)

اردیبهشت ۱۳۹۰، کارگران اخراجی کارخانه تولید طلای آق دره تکاب - آذربایجان غربی: "ما هشت سال در بزرگترین کارخانه طلای ایران با تمام مصایب قابل تصور با حقوق اندک با بیشترین تولید و بهره‌وری کار کرده ایم جدا از اینکه همه ما آلوده به مواد شیمیایی ناشی از استحصال طلا هستیم بیش از یک ماه است اخراج شده‌ایم ... اما تکاب از مناطق زلزله زده و جنگ زده هم بدتر است و هنوز نوبت بازسازی فرا نرسیده چراکه اینجا مرحله تخریب کارگرانی است که یک ماه است پشت درهای بسته ادارات شیون سر می‌دهند جلوی کارخانه فریاد و مصیبتا و وامعیشتا سر می‌دهند... معنای شرمساری پدر از فرزند، خجالت شوهر از همسر و گریه مادر از گرسنگی فرزند را می‌فهمد. سخت است فهمیدن کودکی که گرسنه است و در مدرسه به فکر پدری که روزی برده‌داریش را افتخار خود می‌دانست و با آن غرور کودکی به همسالانش فخر می‌فروخت. (۳)

زندگی کارگران معدن

هر از چند گاه، گزارش‌هایی از وضعیت زندگی کارگران معدن در رسانه‌ها منتشر می‌شود. گزارش‌هایی که تنها گوشه‌ی کوچکی از شرایط دشوار زندگی کارگران این بخش را نشان می‌دهند. این گزارش‌ها صرف نظر از زمان تهیه آنها، بسیار مشابه‌اند. وقتی پای صحبت و درد دل این کارگران می‌نشینیم متوجه خواهیم شد که تنها حوادث کار و نبود ایمنی در معادن نیست که زندگی و امنیت شغلی و روانی آنان را تهدید می‌کند. دستمزدهای اندک، حقوق‌های معوقه، قراردادهای سفید امضا، شرایط دشوار کار، نداشتن مسکن مناسب، برخوردار نبودن از خدمات بهداشتی مناسب، عدم امنیت شغلی، بیکاری و ... از جمله خطراتی هستند که زندگی کارگران و خانواده‌های آنان را تهدید می‌کنند. هراز گاهی نیز که کارگران به جان آمده از این همه بی‌عدالتی اعتراض می‌کنند و حقوق ابتدایی و انسانی خود را طلب می‌کنند، خطری را باید به جان بخرند: دستگیری، زندان، اخراج، برخوردهای سرکوبگرانه‌ی نیروی انتظامی و احیاناً گلوله و ...

اینها خطراتی هستند که در گذر زمان تغییر چندانی نکرده‌اند. انگار در معادن ایران و برای کارگران و خانواده‌هایشان زمان نمی‌گذرد و رویدادهای تاسف‌بار و وحشتناک در چرخه‌ای مرتباً تکرار می‌شوند و از میان این کارگران و خانواده‌هایشان قربانی می‌گیرند.

در زیر مروری خواهیم داشت به برخی از این گزارش‌ها تا از زبان خود این کارگران بخوانیم که چگونه زندگی و کار می‌کنند.

میزان دستمزد، بیکاری و نبود امنیتی شغلی،

خرداد ۱۳۳۲ معدن گاجره، گفته‌های کارگران و مشاهدات خبرنگار: "یکی از آنها مبتلا به رماتیسم است و بیمارستان به او گفته که بیخود می‌گوید و دارویی به او نداده و یا فرد دیگری که واگن به پهلویش خورده و نمی‌تواند غذا بخورد اما بهداری به او گفته که مریض نیستی و بدون درمان او را از بیمارستان بیرون کرده‌اند. کارگر دیگر که ۴ سال سابقه‌ی کار دارد روزی ۳۰ ریال



یک عروسی بخواهیم برویم باید صد هزار تومان وام بگیریم. پریشب رفتم خانه. بچه‌ام گفت بابا، آخر هفته تولدم است. دوچرخه می‌خواهم. رفتم بازار. قیمت دوچرخه ۲۰۰ تومان بود. باید ۲۰۰ هزار تومان قرض کنم که برایش دوچرخه بخرم. کاش که پسر من مثل من نشود. دکتر، مهندس، معلم بشود ولی معدن کار نشود. لااقل مهندس معدن بشود.» (۵)

«حقوق پایه‌ام کمی بیشتر از ۶۰۰ هزار تومان بوده و دریافتی خالصم هم ۷۵۰ تا ۸۰۰ هزار تومان است. سه بچه دارم. برچی ۳۵۰ هزار تومان قسط وام می‌دهم. با این حقوق فقط می‌شود چرخ زندگی را چرخاند و هیچ خواسته اضافی نباید داشته باشیم. با ماهی ۴۰۰ هزار تومان چه کار می‌شود کرد؟ نمی‌توانم دندان‌هایم را درست کنم. نمی‌توانم جهیزیه دخترم را تهیه کنم. مشکلات خیلی داریم. خیلی.» حمید ۴۱ ساله می‌گوید که ۲۰ سال سابقه کار استخراج دارد و دندان‌هایش را در کار استخراج از دست داده و زیر چشم راستش را هم پلاتین گذاشته و چشم‌هایش از گرد زغال سرخ سرخ است. (۶)

مرتضی می‌گوید: «الان از عمق ۷۰۰ متر بالا آمدم. کسی که می‌آید معدن، نفرین شده خانواده است. اینجا آخر خط است. در این یک سال یک مسوول نیامده اینجا بپرسد درد ما چیست. رفتن مان به کارگاه با خودمان است و برگشتن با خدا. آنکه تا ۱۵۰۰ متری می‌رود که دیگر شکل آدمیزاد نیست. من ۳۰ سال دارم اما زانوهایم از رطوبت معدن آنقدر درد دارد که نمی‌توانم راه بروم. اینجا روی مان از زغال سیاه می‌شود. پیش زن و بچه‌مان هم از نداری. پیش آنها هم حرفی برای گفتن نداریم. حقوق مان را یک روز پنجم ماه می‌دهند و یک روز دهم ماه. آن‌هم با دو ماه تاخیر. نه می‌توانیم روی قسط حساب کنیم و نه می‌توانیم روی وام حساب کنیم و نه می‌توانیم روی حرف‌مان حساب کنیم که اگر حرفی پیش یک نفر می‌زنیم حداقل، حرف‌مان ارزش داشته باشد. همه چیزمان روی هواست. هرچقدر کار کنیم پول می‌دهند. اضافه کار را باید با التماس بگیریم. مشکلی پیش بیاید که اضافه کارمان هم هیچ می‌شود. یک وقت تا هفت غروب اینجا هستیم و هیچ دست‌مان را نمی‌گیرد. یک روز هم که پنج متر اضافه کار می‌زنیم بابت هر متر ۳۵۰۰ می‌دهند و شب با ۱۵ هزار تومان می‌رویم خانه. خیلی چیزها که مردم دارند برای ما آرزوست. کار برای ما آرزوست که بتوانیم یک کار درست پیدا کنیم. در

دی ماه ۱۳۹۱، زرنند کرمان: یکی از کارگران معدن زغال سنگ در کرمان که چند ماهی است بی کار است، می‌گوید: «سال گذشته از ۳۰۰ نفر کارگر معدن، ۱۵۰ نفر اخراج شدند و این اتفاق در چندین معدن دیگر زرنند هم افتاده است. من زمان بیکاری ۷ ماه حقوق نگرفته بودم و فقط پول کمی هر ماه به صورت مساعده و ودیعه پرداخت می‌شد و حالا هرچه برای گرفتن طلبم مراجعه می‌کنم صاحب معدن می‌گوید پول ندارد و معدن در حال ورشکستگی است. او که سال قبل برادر زنش را در هنگام کار در معدن از دست داده است، می‌گوید: "در زرنند کرمان به جز معدن کار دیگری وجود ندارد و شغل بیشتر افراد با وجود همه سختی‌ها و حقوق ۶۰۰، ۷۰۰ هزار تومانی کار کردن در عمق ۲۰۰، ۳۰۰ متری زیر زمین است که آن‌هم با بدبختی و بی‌کاری مواجه شده است." (۴)



اردیبهشت ۹۳، معدن طرزه شاهرود: علی ۳۳ ساله، کارگر استخراج با ۱۱ سال سابقه کار می‌گوید: «تمام خریدهایمان نسیه است. از بقالی و میوه‌فروشی و قصابی همه چیز را نسیه می‌خریم. شده‌ایم مضحکه بازار. الان شش میلیون بدهکارم و ماهی ۵۰۰ هزار تومان قسط می‌دهم. هر چه داریم قسطی است. دائم باید وام بگیریم که قسط‌های عقب مانده‌مان را صاف کنیم. فرهاد، کارگر استخراج با هشت سال سابقه کار ۳۵ ساله می‌گوید: "پایه حقوقم ۵۱۵ هزار تومان بود که با ۲۵ درصد افزایش می‌شود ۶۲۵ هزار تومان. پدر پولداری که نداشتیم. همه کارگریم. باید پولی باشد که خرج زندگی با آن جور شود. خیلی خواسته زیادی است که بخواهم یک ماشین داشته باشم تا زن و بچه‌ام را مسافرت ببرم که آنها هم تفریح کنند و از زندگی چیزی بفهمند؟

کار می‌کنند داره و پیمان کار خیلی کم می‌ده. یک پیمان کار از یک واگن ممکنه حتا ۲۰۰ هزار تومان داشته باشه ولی یک دهم اون رو هم به کارگر نمی‌ده. بدتر از اون وضع فصل ۱۳ ای‌هاست.»

فصل ۱۳ یعنی چه؟ - «یعنی این که تا زمانی که پیمان کار در معدن کار می‌کنه، در معدن می‌مانند و سال‌های کارشان تا زمانی که شرکت پیمان کار آن‌ها را اخراج نکرده و یا خودشان نرفته‌اند، به عنوان سابقه کار به حساب می‌آید. اما اگر پیمان کار دیگه با شرکت زغال سنگ کار نکنه، آن‌ها هم دیگه سابقه کاری برای‌شان در نظر گرفته نمی‌شه برای همین زیاد نمی‌موندند و دوام نمی‌یارند.» - یعنی سه جور استخدام وجود دارد؟ - «بله.» - قرارداد پیمان کاران چند ساله است؟ - «معمولا یک‌ساله»



پاییز ۸۴ ، باب نیزو: «من شیفت بعد از ظهر سر کار می‌رم.» در روز چند ساعت کار می‌کنید؟ - «۸ ساعته هستیم. آن‌هایی که در واگن برگردان کار می‌کنند، ۱۶ ساعت کار می‌کنند. کارگران استخراج ۸ ساعته هستند. چون کار استخراج خیلی سخت است، بیشتر از این نمی‌شه کار کرد. کارگران خدماتی هم داریم که ۲۴ ساعت می‌مانند.» می‌پرسم دست‌مزدتان چه قدر است؟ - «اگر همه‌ی روزها برویم ۱۲۰ هزار تومان می‌گیریم. روزی ۴۱۰۰ تومان. تازه حتما آن مقدار کار را که معین کرده‌اند باید انجام بدهیم وگرنه از حقوق مان کم می‌شود.» (۹)

اردیبهشت ۹۳، معدن طرزه شاهرود: هر واگن گنجایش یک تن زغال دارد و هر چهار متر حدود شش تن زغال می‌دهد. هر کارگر معدن باید هر روز و در ساعت موظفش شش تن زغال تولید کند که همه کارگران هر ماه تا ۶۰ درصد حقوق و ۶۰ الی ۷۰ متر اضافه کار می‌کنند تا با ۳۵۰۰ الی ۳۸۰۰ تومان مزد برای

زندگی مان هر چه از آرزو بگویی کم گفته‌یی. از صبح که بیدار می‌شویم فقط چشم‌مان به سیاهی است و تاریکی تا شب.» (۷)

دستمزد و ساعات کار

معدن گاجره، ۱۳۳۲: وضع دستمزد آنان گر چه ظاهرا روزمزد هستند ولی درحقیقت بستگی به مقدار کار دارد. در حالی که برای دستمزد کارگران ذغال را تنی ۵۰ تا ۶۰ ریال محسوب می‌کنند، اما همین ذغال را تنی ۵۰۰ تا ۸۰۰ ریال می‌فروشند. کارفرما امتناع شدید کارگران را از کار در قسمت‌های خطرناک معدن، که تاکنون چند بار منفجر شده، با چند ریال اضافه دستمزد جبران می‌کند.

شهر علی شهرودی کارش آتشباری (در تونل دینامیت آتش می‌کند) است او ۱۲ سال سابقه‌ی خدمت دارد و با روزی ۳۵ ریال مزد باید زندگی ۵ نفر را تامین نماید. مختار کیانی را با روزی ۲۳ ریال مجبورش کرده‌اند که درون تونل کار بکند. او ۵ سال سابقه‌ی کار دارد. بیت‌اله شفقتی کارگر مقتول که او را هم به اجبار به کار در تونل واداشتند، رفیق او بود و با وی کار می‌کرد. کیانی در ابتدا کارگر راهسازی بود پس از این که گفتند باید در تونل کار کند او و دیگر کارگرانی که اجبارا به این کار محکوم شده بودند ده روز اعتصاب کردند و گفتند ما کارگر تونل نیستیم و حتا حاضر شدند خاتمه خدمت بگیرند. اما اولیای معدن نپذیرفتند. این کارگر ستم‌دیده فقط ۱۶ سال داشت.

پاییز ۸۴ ، باب نیزو: «سه سال کار می‌کردم. پارسال اوادم بیرون. ۱۳۰ هزار تومان می‌گرفتم. کار معدن خیلی سخته به خصوص بخش استخراج و تولید. چندماه چندماه حقوقا عقب می‌افتاد.» علت بیرون آمدنش را می‌پرسم. «شرکت پیمانکاری پدر در می‌آره. نمی‌شه کار کرد. همه‌ی کارگرایی که با شرکت‌های پیمان کاری کار می‌کنند بعد از یکی دو سال می‌رن. قراردادی‌های نمی‌موند اون پایین مثل زندانه. تو عمق ۴۰۰ متری کار می‌کنی اون وقت ۱۳۰ هزار تومان. پیمان کار پول زیادی به جیب می‌زنه ولی چیزی گیر کارگر نمی‌یاد.» از دست‌مزدها می‌پرسم. «آن‌ها که امانی هستند باز وضع‌شان بد نیست ولی بقیه هیچی. کسانی که امانی هستند، حقوق‌شان ثابت است.» - امانی یعنی چه؟ - «اگر کارگری در استخدام دولت باشه یعنی امانی ولی کسانی که قراردادی هستند، مزدشان بستگی به ساعتی که

حالی که کار در اعماق زمین به دلیل آثار زیان‌باری که در درازمدت بر سلامتی کارگران می‌گذارد طبق ماده ۵۲ قانون کار نباید در روز از ۶ ساعت و در هفته از ۳۶ ساعت تجاوز کند.»

«کارگران معادن طبس نه تنها از مزایای مشاغل سخت و زیان‌آور استفاده نمی‌کنند بلکه روزانه با بیش از ۱۵ ساعت کار حتی حقوق و مزایای اضافه‌کاریشان نیز پرداخت نمی‌شود. این کارگران در طول ۱۵ روز کار مداوم ۱۵ ساعته، در سه شیفت کار می‌کنند و زمان استراحتشان را در خارج از معدن داخل اتاق‌های پیش ساخته فاقد امکانات رفاهی سپری می‌کنند ... کارگری که ۱۵ ساعت کار می‌کند حدود ۵۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد.»

معادن منگنز ایران در قم: کارگران این معدن از ضریب پایین حقوق ناراضی هستند: «ضریب حقوقی ۳۶۵ کارگران این معدن با میانگین سوابق ۱۵ سال کار، در یکی از بزرگ‌ترین معادن سنگ منگنز خاورمیانه، ۳۴۵۲/۵۷ است. این کارگران که در شرایط سخت و دشواری در اعماق ۳۴۰ متری زمین مشغول به کار هستند، به مرور دچار عوارض ناشی از کار دائم زیرزمینی همانند مشکلات تنفسی، دیسک کمر، افسردگی‌های روحی و ... می‌شوند.» (۱۳)

منابع:

- ۱- صدای فردا، خرداد ۱۳۳۲
- ۲- ماهنامه‌ی نقدنو، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴ / خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی
- ۳- <http://madanakhdarh.persianbl.com/g.ir/page/1> درندانه کارگران بزرگترین کارخانه طلای ایران
- ۴- http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/12/1212121_u02_mine_explosion_iran.shtml
- ۵- http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/12/1212121_u02_mine_explosion_iran.shtml
- ۶- همان منبع
- ۷- همان منبع
- ۸- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲
- ۹- ماهنامه‌ی نقدنو، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴ / خصوصی‌سازی معادن: وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی
- ۱۰- یک روز با کارگران معدن زغال سنگ شاهرود زندگی در منفی ۱۵۰۰
- ۱۱- همان منبع
- ۱۲- http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/12/1212121_u02_mine_explosion_iran.shtml
- ۱۳- مجله مهر، مصائب کاردر معدن/ سخت‌ترین کار دنیا با کمترین حقوق

هر متر اضافه کار، بتوانند حقوق‌شان را آبرومند کنند. حقوق مصطفی، کارگر پیشروی، ۳۹ ساله، پدر سه فرزند و مستاجر با ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومان اضافه کار ماهانه ۸۴۵ هزار تومان است. حقوق مهدی، کارگر استخراج، پدر دو فرزند و با ۹ میلیون بدهی، ۷۶۸ هزار تومان است. حقوق احمد، ۳۰ ساله، کارگر استخراج، پدر دو فرزند، با ماهی ۶۰۰ هزار تومان قسط، با ۱۲ سال سابقه و اضافه کار ماهانه ۹۰۰ هزار تومان است. حقوق مراد، ۴۲ ساله، پدر دو فرزند، مستاجر، کارگر استخراج با ۲۰ سال سابقه، با اضافه کار ماهانه ۷۵۰ هزار تومان است.» (۱۰)

شرکت زغال سنگ البرز شرقی، سال ۹۳: حدود ۱۰۰ میلیارد تومان و بدون ضرر بابت فروش ۳۰۰ هزار تن کنسانتره زغال به ذوب‌آهن اصفهان درآمد خواهد داشت. حسین ربیعی‌نژاد؛ مدیرعامل شرکت می‌گوید که ذخایر قطعی شرکت زغال سنگ البرز شرقی در حوزه شرق سلسله جبال البرز حدود ۵۵ میلیون تن است. شرکتی که کمتر از دو هفته از خصوصی شدنش می‌گذرد و حقوق اسفند ماه هزار کارگرش را روز شنبه ششم اردیبهشت ماه پرداخت کرده و از نظر مدیرعامل، این تاخیر چندان غیر طبیعی نیست. «پنج سال است که یک ماه حقوق معوقه دیگر عادی شده. برای پرداخت حقوق اسفند ماه، دو میلیارد تومان پول لازم بود که شرکت این میزان نقدینگی را ندارد.» ربیعی‌نژاد می‌گوید. کارگرها می‌گویند که هر تن زغال که راهی زغال‌شویی شود ۳۸۰ هزار تومان قیمت پیدا می‌کند. (۱۱)

چندی پیش خبرگزاری مهر با انتشار تصاویری از کارگران معدن یال شمالی طبس نوشته بود: «کارگران معدن زغال سنگ طبس در عمق ۳۰۰ متری زمین و در دو شیفت کاری ۶ ساعته در روز کار می‌کنند، این کارگران با قرارداد پیمانکاری، ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان که حداقل حقوق تامین اجتماعی است، حقوق دریافت می‌کنند.» (۱۲)

معدن یال شمالی طبس/ شنبه ۲ دی ۱۳۹۱: شرایط کارگران معدن در منطقه طبس اصلاً خوب نیست. بعضی از معادن خصوصی زغال سنگ از جمله شرکت معدن جو و نگین که سوابق حوادث کاری متعددی نیز در کارنامه دارند، کارگران را در دو تا سه شیفت کاری به صورت مداوم در ۱۵ روز به کار می‌گیرند. در

حایل‌دار درآورده شده و این‌جا در این خانه‌های قوطی‌کبریتی جا داده شده‌بود... این‌جا معدن فروخته می‌شود که از آن بهره‌برداری شود. برای کسی که معدن را می‌خرد فرق نمی‌کند رعایت شخصیت افرادی که در آن‌جا کار می‌کنند بشود یا نه. درک و شعور این‌جا این است که سود برده‌شود نه این‌که حقوق افراد رعایت شود... آوردن آن‌ها به شهرک معدنی به این دلیل است که یک، برای ایاب و ذهاب هزینه نشود. دو، خستگی طول راه وجود نداشته‌باشد تا کارگرها بهتر بتوانند کار کنند و ضمناً زمانی برای رفت‌وآمد صرف نشود و از آن وقت برای کار کردن استفاده بشود. از طرفی معدن‌چیان برای داشتن سرپناه به همین خانه‌های قوطی‌کبریتی تن می‌دهند. آن وقت دیگر کسی در این مناطق فکر سازمان‌های اجتماعی نیست، سرویس خدماتی وجود ندارد. اصول اولیه‌ی شهرسازی در کار نیست، هیچ چیز استاندارد نمی‌بینید. (۴)

معدن البرز شمالی، ۱۳۹۲: با توجه به فاصله ۷۰ کیلومتری معدن تا نزدیک‌ترین شهر (شاهرود) کارگران این معدن ناچارند در واحدهای سازمانی ساکن شوند، اما پرداخت اجاره بهای ۳۰۰ هزار تومانی با توجه به میزان حقوق کارگران، فشار اقتصادی موجود در جامعه کارگری را برای این معدن‌کاران مضاعف کرده است. این درحالی است که حق مسکن در فیش حقوقی آنها ده هزار تومان است. تعداد کارگران این معدن ۱۴۰۰ نفر است و ۱۱۰۰ نفر از کارگران معدن البرز شمالی با قرارداد موقت کار می‌کنند و مابقی قرارداد دائم دارند، اما تأمین مسکن مشکل تمامی کارگران است. کارگرانی که ساکن این واحدهای مسکونی می‌شوند در ۵ سال نخست باید ماهانه ۵۰ هزار تومان بابت اجاره بها پرداخت کنند که با تمدید قرار داد، این رقم به صورت پلکانی افزایش یافته و به ماهی ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد... کارگران در یک ماه و نیم گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند... حق سختی کار کارگری که ۲۳ سال در این معدن کار کرده، ماهانه حدود ۱۲ هزار تومان است. (۴)

منابع

۱- سرود فردا خرداد ۱۳۳۲

پاییز ۸۴ باب نیزو: شهرک‌های معدنی نام قبلی شهرک ریحان‌شهر، ریگ‌آباد بوده و اسم جدیدش اسلام‌آباد است که در یک جاده‌ی فرعی بین مسیر کرمان - زرنده واقع شده است اما اکنون به هر سه نام اسلام‌آباد، ریحان‌شهر و ریگ‌آباد خوانده می‌شود... بعد از مدتی سربالایی رفتن، از دور شاهد ردیفی از صفحه‌های بزرگ سوراخ‌دار می‌شوم. می‌بینم که داخل حفره‌ی هر کدام از این صفحه‌ها چندتا خانه به صورت بسیار ناهنجاری در امتداد یک خط مستقیم کنار هم قرار گرفته‌اند و آن سوراخ‌ها هم پنجره‌های خانه‌هاست. به فاصله‌ی تقریباً دو سوم ارتفاع دیوار از سطح زمین یک ردیف سوراخ قرار دارد که ظاهراً پنجره است. که الان نه چارچوب دارد و نه شیشه... آن چه در داخل کوچه دیده می‌شود دیوارهای سیمانی تیره‌ای است که به سیاهی می‌زند با ترک‌های عمیق و شکاف‌های عمودی سرتاسری و تک‌وتوک درخت. سر راه هیچ مغازه و یا هیچ بنایی جز این ساختمان‌های خراب، دیده نمی‌شود. غم‌انگیز است. مرزی بین کوچه و خیابان و خرابه و ساختمان مسکونی وجود ندارد. اصلاً هیچ جدول‌بندی دیده نمی‌شود. همه چیز قناس است. فضای کوچه فوق‌العاده دل‌گیر است. قبل از هر چیز آدم به این فکر می‌افتد که چه طور در این فضای پریشان‌کننده‌ی دل‌گیر می‌توان زندگی کرد؟ (۲)

چرا این خانه‌ها این‌جوری ساخته شده‌اند؟ می‌گوید: «این‌ها خانه‌های سازمانی است که شرکت معادن زغال‌سنگ کرمان ساخته و به کارگران واگذار کرده که الان ازشان اجاره می‌گیره» بعد از زلزله مردم توی حیاط‌های خانه‌شان چادر زده و در چادرها زندگی می‌کنند. توی کوچه سکوت بدی حکم‌فرماست. خانه‌های سوت و کوری که به نظر متروکه می‌آید. انگار مردم بعد از زلزله خانه‌هایشان را رها کرده و رفته‌اند. فیلمی صامت از خرابه‌های متروک. باز هم به دل‌گیر بودن محله فکر می‌کنم. در واقع این دل‌گیری و این بی‌عدالتی است که مرا رها نمی‌کند. راستی در درون این خرابه‌های سوراخ‌دار چه می‌گذرد؟ می‌پرسم چند خانوار این‌جا زندگی می‌کنند؟ جواب می‌دهد نزدیک هزارتا... (۳)

بهار ۸۶، باب نیزو: در اطراف معادن کرمان "یک سری شهرک‌های معدنی ساخته‌شده که مانند این است که قوطی‌کبریت‌ها را کنار هم چسبانده باشند، به‌عنوان خانه‌های سازمانی که شیوه‌ی روسی است. در این شهرک‌ها حداقل حواچ هم در نظر گرفته نمی‌شود. خانواده‌هایی از آن محیط‌های سنتی

اعتراضات و تشکلهای کارگران معدن

از سال ۱۳۰۰ به بعد در دو دوره‌ی زمانی، فعالیت‌های کارگری گسترش بی‌سابقه‌ای یافت. دوره‌ی اول سال‌های دهه ۲۰ تا سال ۳۲ و دیگری ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰. در این دو دوره تشکلهای بسیاری شکل گرفتند و اعتصابات گسترده‌ی کارگری در بخش‌های مختلف رخ می‌داد. اعتراضات قبل از بهمن ۵۷ در سرنگونی حکومت شاهنشاهی تاثیر بسیاری داشت. میزان گزارش‌ها و اخباری که از این اعتراضات کارگری و تشکلهای آنها در مطبوعات منتشر شده به دلیل آزادی‌های نسبی مطبوعات نیز بی‌سابقه بود.

هر دو دوره، پس از سرکوب شدید، دستگیری، زندان، اعدام فعالان کارگری این اعتراضات افت شدیدی کردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد موجی از دستگیری‌ها و زندان و تبعید به راه افتاد و در دهه‌ی شصت به گفته‌ای فقط بیش از ۵۰۰ کارگر فعال اعدام شدند.

اما جنبش کارگری و کارگران مبارز و آگاه به جان آمده از استثمار و ستم، سر سکون و توقف نمی‌توانند داشته باشند. حرص و طمع سرمایه‌داری، آن چنان است که به هر ترتیب که شده می‌خواهد سودش را از قبیل استثمار شدید کارگران تامین کند و کارگران نیز از این همه ستم و استثمار به جان آمده و بار دیگر پس از مدتی کوتاه حرکات اعتراضی کارگران از سر گرفته می‌شود. از جمله می‌توان به اعتراضاتی که در فاصله‌ی زمانی ۳۲ تا ۵۷ رخ داد، اشاره کرد که گاهی بسیار هم گسترده نیز بوده‌اند، مانند: اعتصابات نفت در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۳۴، اعتصاب ۱۲ هزار راننده تاکسی در فروردین ۱۳۳۷ و ۴۳، اعتصاب ۳۰ هزار کارگر کوره‌پز خانه‌های تهران در خرداد ۱۳۳۸ و ۴۱، اعتصابات کارگران نساجی در همان سال، اعتصابات نفت و صنایع نساجی و نانوائی‌ها در سال ۱۳۴۰، تظاهرات ۳ هزار کارگر بیکار در بندر ماه شهر، و همین‌طور اعتصابات کارگری سالهای ۵۶ و ۵۷ و اعتراضاتی که در دهه‌ی هفتاد و بعد از آن مرتباً رخ داده است.

در این میان اعتصاب کارگران معدن کمتر در مطبوعات منعکس شده است. از تشکلهای کارگران معدن در این سال‌ها نیز خبر چندانی نیست. از جمله اعتصابات معدنی که به آن اشاره شده دو اعتصابی است که یکی در سال ۱۳۴۴ و دیگری در معدن ذغال سنگ در سال ۱۳۵۵ رخ داده که اطلاعات بیشتری از این دو اعتصاب پیدا نکرده‌ایم. شاید بتوان از میزان کم خبرهای منتشره

۲- ماهنامه‌ی نقدنو، سال دوم، شماره‌ی ۹، آبان و آذر ۸۴ خصوصی‌سازی معدن:

وحشت مرگ در اعماق / مریم محسنی

۳- همان منبع

۴- ماهنامه‌ی نقدنو، سال سوم، شماره‌ی ۱۸، اردیبهشت و خرداد ۸۶ / آوار خصوصی‌سازی بر سر کارگران معدن، گفت‌وگو با دکتر احمد رشیدفرخی، مریم محسنی

۵- مهر: مصائب کار در معدن / سخت‌ترین کار دنیا با کمترین حقوق

۶- تفاوت اجاره بهای خانه‌های سازمانی با حق مسکن ۱۰ هزار تومانی / 1392-

07-29



در زیر مروری کوتاه خواهیم داشت به برخی از این اعتراضات، دلایل آن و تشکلهای کارگری که در معادن تشکیل شده است.

در سالهای ۱۳۱۰ به بعد در پی ایجاد راه آهن سراسری تهران شمال، رگه‌های زغال سنگ در منطقه‌ی زیراب کشف شد. به دنبال آن معدن زیرآب در سال ۱۳۱۲ با ۱۲۰۰ کارگر تاسیس شد. در گزارشی که در سال ۱۳۲۴ در روزنامه‌های آن زمان منتشر شده این گونه آمده است:

"... و مدت ۴ ماه است که به کارگران زیرآب یک شاهی نپرداخته‌اند. آیا کارگران باید از گرسنگی بمیرند. کارگران این

معدن با عائله‌ی خود ۴۰۰۰ نفرند. اتحادیه‌ی کنسرو، نساجی، گونی‌بافی، شالی کوبی و راه آهن اطلاعیه‌ای مشترک برای همدردی و کمک به این کارگران صادر کردند و تهدید کردند در صورتی که تا ۲۹ آبان ۲۴ حقوق آنان پرداخت نشود، دست به اقدامات جدی خواهند زد. همین طور اطلاعیه‌ای از کمیته‌ی محلی و شورای محلی اتحادیه کارگران شیرگاه و کمیته محلی ساری نیز در این رابطه صادر شد. با ادامه وضع اسفناک کارگران معدن در روز ۲۷ خرداد کمیته محلی و شورای شهر تصمیم گرفتند در صورتی که به تقاضاهای آنان ترتیب اثر داده نشود از حمل ذغال جلوگیری کنند. خواسته‌های کارگران عبارت بود از:

پرداخت حقوق معوقه، تهیه حمام برای کارگران، ارسال دارو برای جلوگیری از مالاریا، تاسیس کلاس اکابر، تعمیر و تهیه ساختمان برای سکناى کارگران، جلوگیری از اجحاف و تعدی پیشه‌وران معدن.

این اطلاعیه به امضای شورای متحده و اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان معادن زیرآب است. (۱)

بعد از ۶۸ سال شرایط کار و زندگی کارگران معدن زغال سنگ زیراب چندان تغییری نکرده است. حقوق‌ها کفاف زندگی را نمی‌کند، هنوز هم حمام به مفهوم واقعی آن ندارند، کیفیت غذایشان ... در سال ۱۳۹۲ آن چنان بوده که بیش از شصت نفر از این کارگران دچار مسمومیت غذایی شدند. گزارش تصویری از وضعیت بهداشت و شیوه‌ی کار این کارگران در رسانه‌ها منتشر شده که با این جمله خاتمه یافته است: چه زمانی شرایط کار و زندگی کارگران معدن ذغال‌سنگ شهر "زیراب" در استان مازندران تغییر خواهد یافت؟ به راستی چه زمانی؟

نتیجه گرفت که حرکت‌های جمعی و تشکلهای کارگری در معادن ایران به ندرت به چشم می‌خورد و سابقه‌ی مبارزاتی این کارگران کم است؟! و هر جا که خبری منتشر شده، حتما سندیکا یا تشکلی در میان این کارگران شکل گرفته بوده است. زیرا اولین اقدامات یک تشکل کارگری طبیعتاً اطلاع رسانی در مورد وضعیت کار و زندگی کارگران است.

علت این امر را می‌توان به این شکل تبیین کرد: اکثر معادن در مناطق دورافتاده قرار دارند که امکان برقراری ارتباط با سایر

محیط‌های کارگری را دشوار می‌کند، بافت روستایی کارگران معدن که اکثراً جوان هستند و همین طور شرایط بسیار دشوار کار، سبب شده که آگاهی‌های طبقاتی این کارگران کمتر از سایر اقشار کارگران مانند کارگران نفت و ریسندگی و... باشد. سختی کار در معدن و بیماری‌های ناشی از آن امکان تداوم و استمرار کار را برای کارگران کم می‌کند. عدم انتقال تجربیات اعتراضی کارگران و تشکل‌های آنان نیز عامل دیگری است برای این که رشد این آگاهی‌های طبقاتی سرعت کافی نداشته باشد.



این از اولین خبرهایی است که در مورد اعتراضات کارگری و تشکل‌های کارگران معدن می‌توان در مطبوعات یافت.

پس از چند سال، در سال ۳۲، در پی کشته شدن کارگران معدن گاجره، اعتراضاتی در این رابطه صورت گرفت. در مراسم دفن کارگران کشته شده، کارگران معدن زیراب نیز شرکت کرده و با آنان همدردی نموده‌اند. این دو معدن از جمله معادنی بودند که سندیکای کارگران در آنها شکل گرفته بود. هر چند خبرهای بیشتری از این سندیکا و اعتراضات کارگری آنان در دست نیست. اما انتشار همین چند خبر هم نشان از تشکل‌هایی می‌دهد که در مورد مسایل کارگران معدن اطلاع‌رسانی می‌کرده است.

پس از حادثه‌ی معدن گاجره، برادر یکی از کارگران مقتول در سخنانی چنین گفته بود: "برادر من تازه ۱۸ سالش شده بود. گفته بود من کارگر تونلی نیستم. مرا آنجا نفرستید. اما او را به زور فرستادند و کشته شد. خب چه کسی به این قتل عمد، به این خون ناحق ریخته شده می‌رسد. فردا ممکن است این بلا سر شما هم بیاید. اینها با خون شما سرمایه‌دار می‌شوند ولی شما در این وضع هستید به خانواده‌ی آنها که سه سال پیش کشته شدند چه کسی رسیدگی کرد؟ همه شما مرا می‌شناسید. کارگر همین جا بودم، سل گرفتم. دو سال در شاه‌آباد خوابیدم. دیناری به من کمک نکردند. نباید شما با چند ریال پول و اضافه‌گول بخورید. تنها راهی که برای شماسات اتحاد و تقویت سندیکای خودتان است."

ظاهراً سندیکای معدن گاجره که عمر آن دو سال بوده است در زمینه‌هایی توانسته بود فشارهایی به کارفرما آورده تا مثلاً کارگران منتظر خدمت را سرکار برگردانده یا کار سبک‌تری به کارگران بیمار بدهند:

"باقر علیمرادی ۴ سال است کار می‌کند و روزی ۳۰ ریال می‌گیرد. در سال ۱۳۲۹ در همین گاجره زیر سنگ‌ها ماند و کتف و پایش شکست، ۵ ماه در بیمارستان بانک صنعتی خوابید. پزشکان تایید کردند که او نباید دیگر در تونل کار کند و کار

سبک برایش ضروری ندارد. اما پس از دو سال کار مجدداً در آذر ماه سال گذشته رییس معدن تحمیل کرد که باید باز هم در تونل کار کند. حتا حاضر شدند او را منتظر خدمت کنند. ۴ ماه به همین دلیل سرگردان بود و عاقبت با زور کارگران و سندیکای کارگری دوباره مجبور شدند به او کار سبک بدهند."

در انتهای گزارش کارگران اعتراضی در معدن گاجره خواسته‌های خود را به این ترتیب بیان کرده‌اند:

مکانیزه کردن معدن و دادن وسایل فنی کامل، تامین زندگی بازماندگان کارگرانی که جان خود را از دست داده‌اند، رسیدگی کامل به علت این حوادث و مجازت شدید مسببین امر، پذیرش نماینده کارگران از طرف اداره‌ی کار، شناختن سندیکای کارگران که دو سال است تشکیل شده و فعالیت می‌کنند، بهبود وضع بیمه و تامین بهداشتی فراهم ساختن زندگی برای خانواده کارگرانی که چندی قبل فوت کرده‌اند، ساخت خانه‌های دولتی جهت مسکن کارگران، دادن اضافه دستمزد واقعی که با میزان کار بستگی داشته باشد. (۲)

در گزارشی که دانشجویان پیشگام کرج از معدن سنگرود لوشان در سال ۵۸ تهیه کرده بودند به اعتصاب سال ۱۳۵۲ و مهر ۵۷ کارگران این معدن اشاره شده است. دو اعتصابی که اولی با شکست و دومی با پیروزی کارگران خاتمه یافته است. اولین اعتصاب کارگران این معدن در اواخر سال ۵۲ رخ داد. علت اعتصاب این بود که حقوق اضافه شده در مرکز را به این کارگران نمی‌پرداختند. روز اول اعتصاب، کارگران با مهندسين و مدیرعامل زد و خورد کردند به دنبال آن ۵۰ سرباز و دو افسر برای سرکوب کارگران به معدن فرستاده شد. این اعتصاب دو روز به طول انجامید و با دستگیری و اخراج شش تن از نمایندگان و زندانی کردن دو نفر از فعالین و قول رسیدگی به خواست‌های اعتصاب پایان یافت.

از نمونه‌های نامه‌نگاری کارگران می‌توان به نامه‌ی کارگران اخراجی معدن طلای آقدره تکاب اشاره کرد. در بخشی از این رنجامه کارگران چنین نوشته‌اند:

"آیا مسئولین می‌دانند زمین چرکین است یعنی چه؟ تخریب رگه‌های معدنی، نابودی اکوسیستم طبیعت، برداشت غیر اصولی و بی‌رویه از نواحی پرعیار معدن طلا یعنی چه؟ یعنی اینکه تولید و سود بیست سال را در هفت سال خلاصه کردن با همان استثمر نیروی کار ارزان منطقه. شب فرا می‌رسد خبری از شام نیست آیا چون زبان ما کارگران بسته است و فریادمان به جایی نمی‌رسد باید آنها را فراموش کرد یا روی شمش‌های طلایش نوشته رسیدگی به وضعیت ما کارگران ممنوع!"

و در ادامه با اشاره به این که این کارخانه بعد از ۸ سال تولید بی‌وقفه روزانه تا سقف ۴۰ کیلوگرم طلای ۲۴عیار و مقادیر

یک نمونه از نتیجه اتحاد کارگران معدن شمشک

۴ ماه بود که به کارگران معدن شمشک حقوق نمی‌پرداختند روز ۲۶ اردیبهشت کارگران قطعنامه‌ای صادر کردند تا حقوقشان را نپردازند
اعتصاب خواهند کرد و کارفرما حقوق آنان را پرداخت کرد. کارگران معدن تصمیم دارند سندیکای خودشان را تشکیل دهند.

نویید آزادی ۸ خرداد ۳۲

قابل توجهی جیوه تا سقف ۳۰۰ کیلوگرم و سایر فلزات با ارزش به ناگاه ۲۰۰ نفر از پرسنل خود را اخراج کرده ... و سپس در مورد آلودگی‌های زیست محیطی و ائتلاف احشام و دام‌های منطقه تخریب طبیعت، آلودگی و از بین رفتن کامل آب شرب روستای شیرمرد، مرگ و نابودی تدریجی باغات سیب روستاهای مجاور اشاره کرده‌اند و نامه‌ی خود را این عبارت به پایان برده‌اند:

در مهر ۵۷ بار دیگر این کارگران اعتصاب کردند. کارگران خواستار اخراج ۸ نفر از مهندسين و رسیدگی به خواسته‌های صنفی خود بودند. اعتصاب ۲۱ روز به طول انجامید و سرانجام کارگران توانستند به خواسته‌های خود برسند. شرایط و جو حاکم در مهر سال ۵۷ در پیروزی این اعتصاب نقش مهمی داشت. در مورد تشکیل سندیکای کارگران در این معدن در ادامه گزارش چنین آمده است:

"در اعتراضات سیاسی سال ۵۷ کارگران معدن به دلیل دور افتاده بودن محل کارشان، در متن حوادث نبودند... و به این دلیل آگاهی‌های سیاسی کارگران بالا نبود... پس از انقلاب اداری معدن سنگرود به دست کمیته‌ها افتاد... در هفته‌های اول پس از انقلاب، کارگران به طور پراکنده شورای کارگری را مطرح کردند. اما ایجاد شورا زمینه‌ی مناسبی پیدا نکرد و به دنبال آن تشکیل سندیکا در دستور کار قرار گرفت. کمیته برای ایجاد تفرقه میان کارگران با زدن برچسب‌های به کارگران آگاه سعی کرد که عموم کارگران را از آنها دور نگه دارد. اما کارگران بر خواست خود مبنی بر تشکیل سندیکا مصر بودند. به دنبال آن کمیته پیشنهاد کرد که انتخابات سندیکا باید تحت نظر و با مشارکت کمیته باشد ... اساسنامه‌ای از وزارت کار گرفته شد که همان اساسنامه‌ی رستاخیزی بود..." در تاریخ یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۵۸ مجمع عمومی کارگران در مسجد معدن تشکیل می‌شود. انتخابات کاملاً قلبی بود به طوری که کارگران به این مساله اعتراض کردند و خواستار باطل کردن انتخابات شدند. کمیته این درخواست را رد کرد. در پایان اکثر کارگران به عنوان اعتراض محل را ترک کردند. به این ترتیب سندیکایی فرمایشی بوجود آمد که هیچ یک از خواسته‌های کارگران را نتوانست به نتیجه برساند. (۳)

همانند سایر کارگران، اعتراضات کارگران معدن به شکل‌های مختلف انجام می‌شود. از ابتدایی‌ترین شیوه که نامه‌نگاری به مسوولان و اطلاع رسانی است، شروع می‌شود تا اعتصاب و تجمع در محل معدن یا مقابل نهادهای دولتی مانند فرمانداری و... گرفته تا بستن جاده و تحصن در خیابان و مقابل مجلس و...

ابتدای سال جاری تا آبان ماه حدود ۳۰ نفر از کارگران را پس از خاتمه قرارداد اخراج کرده است. (۵)

تامین امنیت شغلی و عدم اخراج، تامین زیرساخت‌ها در منطقه شامل جاده و گاز و بهره‌برداری از معدن بر مبنای پروانه تعریف شده، از دیگر مطالبات کارگران معدن است. (۶)

خصوصی‌سازی: عدم واگذاری به بخش خصوصی از خواسته‌هایی است که در سال‌های اخیر به خواسته‌های کارگران افزوده شده است. "نماینده کارگران معدن زغال‌سنگ البرز در این مورد گفته است که کارگران معدن زغال سنگ طرزه در شهرستان شاهرود مخالف خصوصی‌سازی این واحد معدنی و واگذاری آن به شرکت ذوب آهن اصفهان هستند افزود: از مسئولان کشوری و استانی می‌خواهیم مانع خصوصی‌سازی این معدن و فروش ۴۲ هکتار از املاک آن در مرکز شهر شاهرود به شهرداری شوند. (۷)

اعتراض کارگران بافق نیز به خصوصی‌سازی‌ها یکی از طولانی‌ترین اعتصابات سال‌های اخیر را به دنبال داشت. اعتراضات اخیر کارگران بافق و سایر معدن علیه خصوصی‌سازی‌ها نشان می‌دهد که آگاهی طبقاتی کارگران معدن به حدی بالا رفته است که خواسته‌های این کارگران از خواسته‌های صنفی‌ای در حد افزایش دستمزد و حقوق معوقه فراتر رفته و نوک حمله‌ی آن خصوصی‌سازی است که شاید بتوان آن را نماد سرمایه‌داری متاخر دانست. اعتصابی که بیش از ۵۰ روز به طور انجامید و ۵۰۰۰ کارگر و خانواده‌هایشان در آن شرکت کردند. و با موفقیت کارگران خاتمه یافت.

نحوه‌ی برخورد با اعتراضات کارگران معدن

بسیار اتفاق افتاده که نمایندگان کارگران و یا کارگران فعال پس از اعتراضات اخراج یا مجبور به استعفا و ترک کار شده و یا توسط نیروی انتظامی به دلایل مختلف یا بازداشت شده‌اند. در این گونه موقعیت‌ها اولین اقدامی که کارگران معترض و اعتصابی انجام می‌دهند اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت آنان است. در گام بعدی

" زندگی را به بیداری بگذرانیم که سال‌ها به اجبار خواهیم خفت" (۴)

تجمع‌های اعتراضی از دیگر شیوه‌هایی است که کارگران به جان آمده‌ی معدن استفاده می‌کنند. این تجمع‌ها در محل‌های کار، مقابل نهادهای دولتی مسوول، وزارت کار، مجلس و... برگزار می‌شود. تجمعاتی که در دو سال گذشته خبرهای آن‌ها در رسانه‌ها منتشر شده است. از جمله می‌توان به تجمع کارگران معدن سنگرود اشاره کرد که بارها این اقدام را انجام داده‌اند: ۷ مهر ۹۲ کارگران زغال‌سنگ سنگرود در تهران دومین تجمع خود را برگزار کردند. خواست ۲۸۰ کارگر معترض علاوه بر توقف انحلال معدن، خواستار پرداخت منظم دستمزد و حقوق سه ماهه تیر، مرداد و شهریور سال جاری هستند این اعتراض در پی بارها اعتراض در محل کار و نهادهای دولتی در منطقه و بی‌نتیجه بودن آن صورت گرفته است.

اعتراضات کارگری در معدن دلایل متفاوتی دارد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کاهش و تعویق دستمزدها: اعتراض کارگران زغال سنگ معدن جو در زرنند کرمان، کارگران بافق، طلای اقدره و...

کاهش مزایا، خدمات بیمه درمانی: کارگران معدن زغال سنگ طیس در ۲۸ اردیبهشت سال پیش دست به اعتصاب گسترده و فراگیر زدند. این اعتصاب و تجمع یک روزه که در مقابل مجتمع اداری شرکت زغالسنگ پروده طیس در داخل شهر و همچنین هم‌زمان در سایت معدن یک و معدن مرکزی و کارخانه زغال‌شویی آن شرکت انجام شد که سرانجام با دخالت مامورین نیروی انتظامی و مسولین فرمانداری طیس و حراست شرکت موقتاً به پایان رسید.

شیوه اجرای تعدیل نیرو و اخراج: کارگران شرکت زغال سنگ معدن جو (زرنند کرمان) به دلیل اعتراض به شیوه‌ی اجرای تعدیل نیرو اعتراض کرده‌اند. این شرکت به دلیل آنچه «عدم گردش مالی ناشی از بی‌پولی شرکت‌های معدنی» عنوان شده، از

گاجره چنین می‌گویند: "بعد از ۲۴ ساعت هنوز هیچ آمبولانسی نیامده است. تنها یک وانت برای انتقال بیماران آمده است. نماینده‌ی سندیکا از اقدامات سندیکا و اعتراضات مکرر کارگران در مورد تکمیل وسایل استحفاظی معدن گفت و تذکر داد که اولیای مربوطه هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. کارگران توضیح دادند که بعد از حادثه تعدادی ژاندارم آمدند و مانع ورود ما به تونل شدند اگر می‌گذاشتند شاید تعدادی از کارگران را می‌توانستیم زنده بیرون بیاوریم. (۱۰)

در یکی از آخرین این اعتراضات، کارگران اخراجی معدن طلای زره شوران تکاب روز دوشنبه ۱۸ فروردین ۹۳ در اعتراض به تصمیم کارفرما برای اخراج کارگران، راه اصلی این معدن را مسدود کردند. معترضان خواستار بازگشت به کار بودند. مأموران نیروی انتظامی به تحصن کارگران معترض حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما هنگامی که کارگران به طور دسته جمعی دست به اقدام می‌زنند، حتا از نیروی انتظامی هم کاری ساخته نخواهد بود و همراهی و همگامی و پیگیری آنان، نیروهای انتظامی را مجبور می‌کند محل را ترک کنند. در اعتراض به بازداشت کارگران معدن بافق، و دست از کار کشیدن کارگران ماموران یگان ویژه در این معدن مستقر شدند. خروج این ماموران نیز به خواسته‌های کارگران اضافه شد و یگان ویژه روز ۳۰ مرداد از معدن خارج شد...

تمام این موارد نشان می‌دهد هر جا که کارگران با هم متحد شده و نمایندگان واقعی‌شان را انتخاب کرده‌اند حتماً به بخشی از خواسته‌های خود رسیده‌اند. زیرا انتخاب نمایندگان واقعی دارای دو خاصیت است. یکی آنکه نمایندگان واقعی حاضر به سازش و تسلیم به کارفرما نیستند. دوم آنکه کارگران با حمایت از نمایندگان خودشان، اتحاد و همبستگی خود را بیشتر نشان می‌دهند. در نتیجه در اکثر قریب به اتفاق این موارد کارگران به پیروزی‌های درخشانی دست یافته‌اند.

خواستار آزادی بی‌قید و شرط کارگر زندانی و یا بازگشت به کار کارگران اخراجی می‌شوند و این خواسته در صدر خواسته‌های کارگران اعتصابی قرار می‌گیرد. معمولاً در این گونه موارد خانواده‌های کارگران نیز درگیر اعتصاب می‌شوند. کارگران معدن بافق با اعتصاب ۵۰ روزه خود ادامه داده تا ۹ کارگر زندانی آزاد شدند.

۸۰۰ کارگران معدن چادرملو که در استخدام شرکت پیمانکاری آسفالت توس هستند از ششم آذرماه سال جاری به نحوه محاسبه حق بیمه خود و نیز اخراج پیش از اتمام قرارداد آقای بهرام حسنی‌نژاد به صورت محدود دست به اقدامات اعتراضی صنفی زده بودند. ۲۸ کارگر این معدن با شکایت کارفرما به اتهام اخلال در نظم عمومی بازداشت شدند و در پی ادامه‌ی اعتراضات و احتمال گسترش آن کارگران زندانی آزاد شده و برای پیگیری این پرونده وکیل حقوقی اختیار کردند. (۸)

نماینده کارگران چشمه پودنه از سوی کارفرما تحت فشار قرار گرفته به حدی که مجبور به ترک کار شده است. "ترک کار اجباری این فعال کارگری پس از آن صورت گرفت که این فعال کارگری در رابطه با حادثه‌ای که در روز یکم اسفند ماه منجر به کشته شدن سه نفر از کارگران این معدن به نام‌های محمدرضا صادقی، حسین محمدی و حسین اسلامی شد، از به روز نبودن استانداردهای ایمنی در این معدن خبر داده بود." این کارگر معدن چشمه پودنه با داشتن همسر و سه فرزند، بیکار و فاقد هرگونه منبع درآمد و یا پوشش بیمه‌ای است. (۹) خبری از نتیجه‌ی این پیگیری‌ها در رسانه‌ها منتشر نشده است.

در همه‌ی گزارشاتی که از اعتراضات کارگری در معدن وجود دارد نقش نیروهای پلیس در سرکوب کارگران برجسته است. حتا وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، کار نیروی انتظامی و پلیس کمک رسانی نیست، بلکه پیشگیری و احیاناً مقابله با اعتراضاتی است که کارفرمایان حدس می‌زنند ممکن است بعد از این رویدادهای دردناک رخ دهد. در سال ۱۳۳۲ نمایندگان سندیکای کارگران

اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق

یکی از آخرین اعتراضات کارگران معدن در ایران در معدن سرب و روی کوشک رخ داده است. معدن کوشک بافق یک معدن با مالکیت خصوصی است که توسط شرکت معدن بافق (سهامی عام) اداره می‌شود و با بیش از ۳۵۰ کارگر در در فاصله ۱۶۵ کیلومتری شرق یزد و ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان بافق واقع شده است. بیش از ۲۶۰ نفر از کارگران معدن کوشک بافق شامل کارخانه و کارگران عمق زمین و معدن روباز از ۱۵ آذر ۹۳ دست از کار کشیدند. این کارگران نزدیک به ۹۰ روز است که حقوق و مزایا طلبکارند. این اعتصاب بعد از ۵ روز با قول رسیدگی به مطالبات کارگران موقتاً خاتمه یافت.

کارگران معدن کوشک بافق در پنجمین روز اعتصابشان در نامه‌هایی به وزیر صنعت، معدن و تجارت و همچنین وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، خواهان رسیدگی سریع به مطالباتشان شدند. در بخش‌هایی از این نامه آمده است: کارگران خواسته‌های قانونی زیر را از کارفرما (شرکت معدن بافق سهامی عام) دارند که متأسفانه در طی سالیان مدید مورد توجه قرار نگرفته است: پرداخت به موقع حقوق و مزایای ماهانه که هم اکنون نیز به تعویق افتاده است، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، رسیدگی کافی به سلامت کارگران و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی لازم، توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت‌های غیرنقدی و پاداش‌ها و انجام امور ورزشی و مراسم‌های معمول، پرداخت حق سختی کار و حق پله و تونل، حق جذب سرب و هزینه‌های غذایی، پرداخت هزینه‌های معمول رفت و آمد به معدن، امنیت شغلی و افزایش مدت قراردادهای منعقد، مناسب‌سازی اجرای شیفت‌های کاری برای واحدهای کوچک و رعایت تعطیلات رسمی و مذهبی، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه و نامناسب بودن امکانات خانه بهداشت، پرداخت اضافه کاری طبق قانون و...

این کارگران از امنیت شغلی برخوردار نیستند و بیشتر کارگران این معدن قراردادی هستند و طرح طبقه بندی مشاغل در معدن اجرا نشده است. قراردادی بودن کارگران سبب شده که کارفرما از اجرای تعهدات و مسوولیت‌های خود در قبال کارگران شانه خالی کند. کارگران این معدن در معرض انواع آلودگی‌ها از جمله آلودگی با سرب هستند و آزمایش تست سرب خون که باید سالانه انجام شود، چند سالی است که اجرا نمی‌شود. کارگران معدن کوشک بافق که از کیفیت تجهیزات ایمنی معدن ناراضی‌اند.

لازم به ذکر است که در سال گذشته دو کارگر این معدن کشته شده‌اند و دیه این کارگران هنوز به خانواده‌هایشان پرداخت نشده است. رسیدگی به وضع خانواده‌های این کارگران نیز یکی دیگر از خواسته‌های این کارگران است. این کارگران با امضای طوماری برای پیگیری مطالبات صنفی‌شان، از طریق یک وکیل دادگستری نیز اقدام کرده‌اند.

۱- صفا، شماره‌های ۲۵، ۵۲، ۵۶ سال ۲۴-۱۳۲۵ ه.ش. در معدن زیراب کارگران چگونه زندگی می‌کنند / ۲- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲ / ۳- کتاب دوشنبه شماره ۳۰ و ۳۱

۴- رنجامه کارگران اخراجی بزرگترین کارخانه طلای کشور، تکاب افشار - اردیبهشت ۱۳۹۰
۵- (ششم آبان ماه ۹۳ / ایلنا)

<http://www.dw.de/%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D9%81%D9%82-%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D9%85%DB%8C%D8%B4%D9%88%D9%86%D8%AF/17895209>

۷- خبرگزاری ایلنا، ۶ مهر ۹۳ - <http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=208815>

۸- 1393/06/17 : دبیر انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو آزاد شد ایرانا

۹- (ایلنا، 17، 03-1393) ۱۰- روزنامه سرود فردا خرداد ۱۳۳۲



اعتراضات مردمی علیه

نابودی محیط زیست ناشی از فعالیت‌های معدنی

سود کلان معادن برای صاحبان آنان تنها به قیمت جان کارگران معدن به دست نمی‌آید. طبیعت، آب خاک و زیست‌گاه‌های طبیعی جانوران و گیاهان مناطق اطراف نیز از صدمات این سودجویی بی نصیب نمی‌مانند. آلودگی منابع آب و خاک به مواد سمی سلامت نسل‌های آینده‌ای را که در این مناطق زندگی می‌کنند، به خطر می‌اندازد.

طبق ضوابط زیست محیطی فعالیت‌های معدنی که در تاریخ ۱۳۸۴.۰۲.۰۳ توسط سازمان حفاظت محیط زیست - وزارت صنایع و معادن تصویب شده صدور، تجدید و تمدید پروانه‌های اکتشاف از معادن واقع در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی، تالاب‌های موضوع کنوانسیون رامسر (فوریه ۱۹۷۱) و آن دسته از پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق حفاظت شده مذکور در بند "الف" موافقتنامه فی‌مابین وزارت صنایع و معادن و سازمان حفاظت محیط‌زیست (مورخ ۱۳۵۴.۷.۲۱) رودخانه‌های حفاظت شده، معادن روباز (سطحی) در محدوده عرصه‌های جنگلی و مراتع مشجر و نیز داخل محدوده‌های مصوب شهری ممنوع می‌باشد. و صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از مواد معدنی واقع در پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق حفاظت شده جدید (بعد از موافقتنامه مورد اشاره در ماده (۲) این ضوابط) موقوف به توافق بین سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت صنایع و معادن و رعایت مفاد قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست - مصوب ۱۳۵۳ - انجام ارزیابی زیست محیطی و در چارچوب الگوی ارزیابی زیست محیطی و این ضوابط می‌باشد. و صاحبان معادن موظفند که در تمام مراحل کار مسایل زیست محیطی را رعایت کنند.

اما ببینیم واقعیت چیست؟

مطابق با آمار منتشره از معادن در حال کار در سال ۹۰ (به جز معادن نفت و گاز، رادیو اکتیو، خاک رس) از تعداد ۵۲۴۶ معدن

در حال بهره‌برداری، تنها تعداد ۱۴۰۴ معدن (۲۶.۷۶ درصد) دارای فاضلاب است. این میزان در سال قبل حدود ۲۵.۴۳ درصد بوده است. از این تعداد معدن دارای فاضلاب، ۳۹۲ معدن (۲۷.۹۲ درصد) دارای سیستم تصفیه فاضلاب بوده‌اند که از این تعداد ۶ معدن از تصفیه شیمیایی، ۳۷۱ معدن از تصفیه فیزیکی و ۱۵ معدن نیز از روش‌های شیمیایی و فیزیکی برای تصفیه فاضلاب استفاده کرده‌اند. براساس آمارهای موجود، محل دفع ۲۸۰ معدن در چاه، ۲۱۲ معدن در رودخانه، ۲ معدن در دریاچه یا تالاب، ۴۷ معدن در زمین‌های کشاورزی ۶۰۹ معدن در زمین‌های غیر کشاورزی و ۲۵۹ معدن در سایر محل‌ها است. در معادن بدون سیستم تصفیه فاضلاب، محل دفع فاضلاب ۲۴۰ معدن در چاه، ۸۰ معدن در رودخانه، یک معدن در دریاچه و تالاب، ۳۶ معدن در زمین‌های کشاورزی، ۴۹۸ معدن در زمین‌های غیر کشاورزی و ۱۹۰ معدن در سایر محل‌ها است.

سایر محل‌ها؟! احتمالاً در فضا!؟

همچنین نتایج روش دفع مواد باطله معدن نشان می‌دهد، از ۳۶۷۴ معدن دارای باطله (۷۰.۳ درصد) در سال ۱۳۹۰ تعداد ۵۷۷ معدن از مخزن سد باطله، ۲۷۰۸ معدن از مخزن دیپوی باطله و ۳۸۹ معدن از سایر روش‌ها برای دفع مواد باطله معدن استفاده کرده‌اند. سهم دفع مواد باطله معدن به روش مخزن سد باطله در سال ۹۰ نسبت به دوره قبل در سال ۸۹، ۳.۶۷ درصد کاهش داشته است که این سهم در دفع به روش مخزن دیپوی باطله، ۳.۲۴ درصد افزایش داشته است. آمارها نشان می‌دهد، در سال ۹۰ تعداد ۶۹۷ معدن (۱۳.۲۹ درصد) در بخش محیط زیست سرمایه‌گذاری داشته‌اند که نسبت به دوره مشابه سال قبل آن ۱۰.۱۱ درصد کاهش داشته است. (۱)

یکی از شرکت‌هایی که به گفته‌ی مدیر عامل شرکت ملی صنایع مس ایران، فعالیت‌های زیست محیطی آن در دنیا کم نظیر است معدن مس سونگون است. گفته می‌شود بیش از یک چهارم سرمایه‌گذاری ۴۵۰ میلیارد تومانی در معدن مس سونگون،

سرطان معده و ریه از حد میانگین کشور بالاتر است و آمار نشان از آن دارد که تولد نوزادان ناقص‌الخلقه در این منطقه پرشمارتر از سایر مناطق ایران است. بعضی کارشناسان این مشکلات را بی‌ارتباط با معادن طلای مجاور این منطقه نمی‌دانند.

پس از استحصال طلا، موادی باقی می‌مانند که حالت زباله و باطله دارند. این باطله‌ها بسیار سمی و برای طبیعت مضر هستند و باید به روش اصولی آنها را به طبیعت بازگرداند تا آسیبی به محیط‌زیست وارد نشود. متأسفانه این باطله‌ها در تکاب به دلیل بازیافت غیراصولی، به محیط‌زیست آسیب وارد می‌کنند. در تکاب چون منطقه‌ای کوهستانی است و به دلیل بارش باران و برف، این باطله‌ها با آب باران مخلوط و وارد سفره‌های آب زیرزمینی و رودخانه‌ها می‌شوند که کشاورزان از این آب برای مصارف کشاورزی و دامداری استفاده می‌کنند. در این باطله‌ها دو ماده سمی و خطرناک جیوه و آرسنیک وجود دارد که باید از ورود آنها به آب کشاورزی، آب آشامیدنی و شرب دام‌ها جلوگیری شود. این آب وقتی وارد چرخه آبی می‌شود، در ابتدا گیاهان و سپس حیوانات و انسان‌ها آلوده به این مواد خطرناک می‌شوند. در سال ۱۳۸۹ عکس و فیلم‌هایی در سایت‌های خبری منتشر شد که بر اثر کنترل نشدن آلودگی‌های معادن طلا در این منطقه، بسیاری از حیوانات و گیاهان نابود شده بودند. پس از انتشار این اخبار معادن زرشوران و آق‌دره سه ماه تعطیل و اقدامات پیشگیرانه انجام شد اما متأسفانه پس از آن به کار خود ادامه دادند. (۴)

بسیاری از این معادن در مناطق حفاظت شده قرار دارند. بهره‌برداری از آنها صدمات جبران‌ناپذیری را به گونه‌های نادر جانوری و گیاهی وارد می‌کنند. از جمله می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

در دولت دهم معدن سنگ آهنی در منطقه حفاظت شده «بحر آسمان»، کرمان به طور ناگهانی به بخش خصوصی، شرکت معدن‌کاو فروخته شد. منطقه حفاظت شده «بحر آسمان»، با چشمه‌های فراوان، تنها منبع آب کرمان جنوبی است که نابودی

صرف فعالیت‌های زیست محیطی شده و پکیج و پمپاژ سد باطله احداث شده در این معدن، شده است. اما مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان آذربایجان شرقی از مورد تایید نبودن فعالیت‌های این مجتمع خبر می‌دهد. معدن مس سونگون به دلیل نزدیکی به جنگل‌های ارسباران موقعیت ویژه‌ای دارد. ایجاد صنایع در این مناطق بدون ارزیابی‌های زیست محیطی ممکن است منجر به بروز فاجعه‌ای شود. فاجعه‌ای به مراتب عظیم‌تر از معدن مس مزرعه. (۲)

با استخراج هر چه بیشتر معادن و عمیق شدن فضای عملیاتی آنها وسعت زمین‌هایی که تحت تاثیر فعالیت‌های معدن کاری به ویژه انباشتگاه‌های باطله روز به روز افزایش می‌یابد.

و اما ماجرای معدن مس مزرعه: مواد باطله معدن مس مزرعه در اهر که حدود ۱۵ سال از زمان بهره‌برداری در پشت سد خاکی انباشته شده بود ۱۶ اردیبهشت ۸۹ در پی فروریختن سد همراه با آب باران جریان یافت. این جریان مواد پس از عبور از چندین روستا وارد رودخانه ی کیچیک چای شده و پس از عبور از شهر اهر وارد رودخانه ی اهرچای شد. (۳)

واگذاری‌های بی‌رویه که در ماه‌های پایانی دولت دهم سرعت بیشتری یافت به روند تخریب محیط زیست توسط صاحبان خصوصی معدن دامن زد. (*) به خصوص که این صاحبان معادن دانشی در زمینه محیط زیست ندارند و تنها آمده‌اند که ثروتی از دل زمین به جیب بزنند. شیوه واگذاری معادن به بخش خصوصی و عدم نظارت بر کار آنها سبب شده که بسیاری از صاحبان این معادن با بهره‌برداری‌های بیش از ظرفیت در سال، در چند سال به اندازه‌ی ۲۰ یا سی سال برداشت کرده و بعد معدن و انبوهی از پسماندها و فاضلاب‌ها را به دلیل غیر اقتصادی بودن رها کرده‌اند. نمونه‌ی بارز آن معدن طلای آق‌دره تکاب است که کارگران این معدن در رنج نامهی خود به این مساله اشاره کرده‌اند.

سال‌هاست آلودگی موادسمی چون جیوه و آرسنیک علاوه بر معادن طلای زرشوران و آق‌دره تکاب در استان آذربایجان غربی، این شهرستان را نیز آلوده کرده است. در منطقه تکاب میزان

آن، این منطقه خشک را با بحران شدید آب مواجه خواهد ساخت. اما با احداث معدن و آلودگی آب‌های زیرزمینی و ذخیره آب سد توسط زهاب اسیدی، وضع آب استان کرمان بحرانی شده است و خسارت‌های جبران ناپذیر در کمین محیط زیست این منطقه خواهد بود. به دنبال این واگذاری فعالان محیط زیست و مردم محلی کرمان اقداماتی برای لغو مجوز معدن کاوی انجام دادند که بی نتیجه ماند.

قطع درختان ممنوع القطع ارس هم باعث شده که محل سکونت این جانوران به شدت تهدید شود. قطع صدها گونه نادر گیاهی و بعضاً با عمر بیش از ۴۰۰ سال چون ارس که حتی با صرف میلیاردها تومان هم نمی توان تعداد معدودی از این درختان را تکثیر و احیا کرد، فرسایش شدید زمین به دلیل شیب تند زمین‌های منطقه که اغلب بین ۳۰ یا ۵۰ درجه هستند، خطر بروز سیل به هنگام بارندگی و نیز تخریب زیستگاه‌های گونه‌های نادر جانوری نیز از دیگر مشکلاتی هستند که در پی احداث این معدن به وجود خواهند آمد. (۵)

با اکتشاف و استخراج معدن سیلیس در شمال شرق اردکان، (۶) معدن سرب و روی آهنگران در منطقه حفاظت شده "لشگرد"، در استان همدان، معدن مس سرخه در فاصله ۱۸ کیلومتری جنوب غربی بخش کشکسرای در حواشی روستای سرخه واقع شده که از طریق جاده مرند-خوی، معادن سنگ شهرستان چگنی لرستان، (۷) و سایر معادن مشابه مشکلات زیست محیطی بسیاری بوجود خواهد آمد که خاک و آب و هوای منطقه را آلوده کرده و برای ساکنان آن مناطق خطرناک خواهد بود.

پاسخ‌های شرکت معدن کاو به اعتراضات مردم کرمان و فعالان محیط زیست:

"شما کاسه داغ تر از آش نشوید و برای تعداد محدودی درخت و جانور خودتان را بدنام نکنید!"

معدن کاوان گفتند: «ما برای توسعه کشور و اشتغالزایی ۱۰هکتار از منطقه بحر آسمان را برای فعالیت معدنی می خواهیم. شما اگر نگران جان خرس سیاه در کرمان هستید، لطف کنید خرس‌های خود را یک کم آن طرفتر کیش کنید! ما خرس‌ها را از سر راه لودرها برداشتیم، سر از زیر چرخ تریلی درآوردند. باز هم آنها را کیش کنیم آن طرفتر یا دیگر کافی است؟"

خرس سیاه آسیایی، گونه در خطر انقراضی است که زیستگاه اصلی او غار نیشر است و از جنگل‌های بانه منطقه تغذیه می کند. اما راه اندازی دو معدن در فاصله کمتر از پنج کیلومتری غار نیشر این خرس‌ها را وادار به ترک زیستگاهش کرده است. به طوری که امسال شاهد چند مورد تصادف خرس سیاه در جاده‌های رودان و اطراف آن بودیم.

دره‌زرشک، حسن آباد و روستاهای اطراف معدن مس پس از آنکه برای پنجمین بار که فعالیت این شرکت را متوقف کردند، صدای اعتراضات آنها به مرکز شهرستان تفت کشیده شد. آنها در تجمع اعتراض‌آمیز خود مقابل اداره اطلاعات و دفتر امام جمعه تفت خواستار توقف کامل و نهایی هر چه زودتر فعالیت این معدن شدند. اهالی همچنین با تجمع در مقابل آموزش و پرورش این شهرستان نسبت به واگذاری مدرسه‌ای که با کمک اهالی در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفته بود به عنوان پایگاه پشتیبانی فعالیت‌های شرکت مس در منطقه دره‌زرشک اعتراض کردند و طی نامه‌ای خواستار بازپس‌گیری مدرسه از آموزش و پرورش شدند. (۸)

معدن سنگ آهن کوه شاه کرمان: در شهریور ۹۲ در پی اعتراضات گسترده مردم محلی و جمع کثیری از کوهنوردان و طبیعت دوستان ایرانی به دستور استاندار کرمان موقتا تعطیل شد و قرار شد کار گروهی ویژه مسئولیت رسیدگی به آسیب‌های وارده به محیط زیست و خسارات بعدی این طرح را بررسی کند. همایش بزرگی با حضور ۱۸۰۰ نفر از مردم محلی و بیش از ۷۰۰ نفر از کوهنوردان از سراسر کشور در روستای فخرویه بافت کرمان برگزار شد و شرکت‌کنندگان در همایش خواستار توقف بهره‌برداری از این معدن و حفظ محیط زیست پنجمین قله بلند ایران در بافت کرمان شدند.



عکس‌العمل سازمان‌های مربوطه مانند محیط زیست و سازمان صنایع و معادن به این در حد گذاشتن جلسات همکاری و نوشتن مفاهمه‌نامه‌ها خلاصه می‌شود. در مواردی که اعتراضات مردمی گسترده می‌شود دستور توقف کارمعدن صادر می‌شود، اما صاحبان معدن راه‌های گریز از ضوابط قانونی را به خوبی بلدند و از طریق پرداخت رشوه یا گرفتن توصیه‌نامه از بالاتری‌ها فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهند. تنها اقدامات جدی انجام شده علیه این غارت‌ها توسط مردم منطقه و روستاهای اطراف معدن صورت می‌گیرد. هنگامی که آنان به صدمات جبران‌ناپذیر این معدن پی می‌برند، اعتراضات گسترده‌ای را علیه این سودجویی صاحبان معدن و برای تعطیلی آنها خود اقدام می‌کنند. در زیر به چند مورد از این اعتراضات اشاره می‌کنیم.

یکی از بزرگ‌ترین و مستمرترین اعتراضات علیه معدنکاو‌ها، اعتراضات اهالی روستای دره زرشک و حسن آباد استان یزد بود. نه تنها اهالی روستا که جمعی از کارشناسان مستقل محیط زیست و منابع طبیعی و همچنین کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست با راه‌اندازی این معدن مخالف هستند علت این مخالفت «تهدید جدی منابع محدود آب دشت یزد و اردکان» و آسیب‌های معدن به باغات و کشاورزی منطقه و همچنین از دست رفتن آسایش اهالی بوده است.

جمعی از اهالی این روستا با مراجعه به دیوان عدالت اداری شکایت خود از معدن مس را به این دیوان بردند و دادگاه نیز به توقف فعالیت‌های معدن رای داد. با این حال مسئولان معدن فعالیت خود را متوقف نکردند تا جایی که سازمان بازرسی کل کشور نیز بررسی این معدن را در دستورکار خود قرار داد. هر بار که فعالیت این معدن آغاز می‌شود توسط اهالی به تعطیلی کشیده می‌شود. به طوری که در شش ماه اول سال ۹۱ پنج مرتبه این اتفاق افتاد. این معدنکاو‌ها توسط شرکت ملی صنایع مس ایران انجام می‌شود. معدنچیان تصمیم داشتند ساعت ۴ صبح با همکاری نیروی انتظامی کار را شروع کنند اما حضور گسترده‌ی مردم روستایی مانع از این اقدام شد. مردم روستای

روستای 'گوله گوله' در ۳۵ کیلومتری شهرستان تکاب در جنوب استان آذربایجان غربی، در منطقه حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش منطقه انگوران زنجان و نیز پوشش گیاهی کوه بلقیس تکاب در نزدیکی محوطه باستانی تخت سلیمان در اطراف آن قرار دارد. (۱۰)

بر اساس قانون منظور جبران خسارت ناشی از اکتشاف یا بهره برداری مواد معدنی باید ۱۲ درصد کل حقوق دولت در این زمینه به خزانه واریز می شود صرف اصلاح و احیا منابع طبیعی شود. اما معمولاً این کار انجام نمی‌شود و صاحبان معادن به هر طریق ممکن می‌خواهند از زیر بار پرداخت **خون بهای طبیعت** تخریب شده، شانه خالی کنند.

دادن مجوز اکتشاف یا بهره‌برداری از معدن معمولاً با عنوان اشتغال‌زایی صورت می‌گیرد. اما این اشتغال‌زایی معمولاً در حد ۲۰ الی ۵۰ نفر است آن هم در کوتاه‌مدت. آنچه در درازمدت برای مردم منطقه رخ می‌دهد نابودی مشاغل سنتی موجود مانند کشاورزی، دامداری، زنبورداری است.

همچنین مطابق قانون ۱۵ درصد درآمدهای معادن در شهرستان‌ها باید برای ایجاد زیرساخت‌ها و احیا جنگل‌های آن شهرستان اختصاص یابد. امری که به ندرت اتفاق می‌افتد.



به دنبال این همایش نماینده مردم بافت، معاون رییس جمهور و رییس سازمان محیط زیست نیز در با ارسال پیامی به طبیعت دوستان و کوهنوردان با اشاره به اینکه بسیاری از طرح‌های اجرایی کشور با ملاحظات زیست محیطی در تضاد قرار دارد خواستار همکاری متخصصان و تشکل‌های مردمی با سازمان محیط زیست با سازمان محیط زیست و روشنگری جامعه در حوزه محیط زیست شدند. صبح روز بعد بهره‌بردار اصلی معدن کوه شاه، در گفتگو با برنامه رادیویی پیک بامدادی، بی‌توجه به اظهارات رییس سازمان محیط زیست، نماینده مردم بافت و نقطه نظرات استاندار کرمان، معترضانه به معدن‌کاوی در کوه‌شاه را متهم به باج‌گیری و سهم‌خواهی کرد. اما به نظر مردم باج‌گیر آن کسی است که خاک سرزمین را برای منفعت‌جویی گذرا، به خارجی‌ها می‌فروشد! هیچ به نسل‌های بعد از خود نمی‌اندیشند! ظاهراً این فرد تقاضای سه میلیارد تومان پول از مردم بافت کرده تا از استخراج معدن دست بردارد. (۹)

معدن گوله گوله، آذربایجان غربی: حدود ۴۰ نفر از اهالی روستای گوله گوله در آذرماه امسال برای متوقف ماندن فعالیت معدن سنگ آهن آذر افشار در منطقه حفاظت شده پناهگاه حیات وحش انگوران و بلقیس در استان آذربایجان غربی در مقابل سازمان حفاظت محیط زیست تجمع کردند. چند سال گذشته سازمان حفاظت محیط زیست در اعتراض به فعالیت این معدن، مجوز توقف فعالیت آن را صادر کرد و فرد متخلف جریمه‌ای بابت آن پرداخت کرد.

وی گفت: در همان سال صاحبان معدن موظف شدند دستگاه‌ها و ماشین‌آلات خود را در مدت دو تا سه ماه از محل خارج کنند که نه تنها این کار را انجام ندادند بلکه موفق به دریافت مجوز برای فعالیت مجدد این معدن در محدوده دو هکتار شدند. این مجوز را اداره کل محیط زیست استان آذربایجان غربی صادر کرده است. صاحب این معدن مجوز فعالیت در نیم هکتار را داشت این در حالی است که حدود ۳۰ هکتار از مراتع را تخریب کرده است.

زیر نویس و منابع:

۶- <http://www.yjc.ir/fa/news/4623087/%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%A8-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7%DB%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B7%D9%87-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D8%AC-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86>

۷- بررسی اثرات زیست محیطی معدن سرب و روی آهنگران بر منطقه حفاظت شده "لشگرد" استان همدان /چراغی مهرداد, *بلمکی بهنام/ نشریه: علوم و تکنولوژی محیط زیست : پاییز ۱۳۸۶, دوره ۹, شماره 3

(مسلول ۳۴) (ویژه‌نامه) :از صفحه 175 تا صفحه 183

<http://abedih.blogfa.com/post-4.aspx>

<http://khabarchegenee.ir/fa/news/2757/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%86%20%D8%B3%D9%86%DA%AF%D8%8C%20%D8%AA%D8%AE%D8%B1%DB%8C%D8%A8%20%DA%AF%D8%B1%20%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7%20%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA>

۱- طبق تعریف این تحقیق مواد باطله به موادمعدنی بر جای مانده بر اثر عملیات باطله برداری گفته می شود. باطله برداری برداشت مقدار متنابهی از مواد تشکیل دهنده ی پوسته ی زمین برای استخراج و دست یابی به ماده معدنی مورد نظر گفته میشود و پساب یا فاضلاب به آب و مایعات حاصل از فعالیت های کشاورزی صنعتی و خدماتی و خانگی که به دلیل ورود ناخالصی ها با تغییرات فیزیکی برای استفاده اولیه نامناسب است.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921214001266#sthash.AARhF6rV.dpuf>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921214001266>

<http://namaz14.blogfa.com/post-10.aspx> ۲-

۳-

<http://www1.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100874785742>

* به بهانه توسعه و ارتقای ظرفیت‌های تولیدی در بخش صنعت و معدن، تصویب نامه‌ای در آخرین روز کاری سال ۱۳۹۱ به تصویب وزیران عضو کارگروه توسعه بخش معدن رسید و با سرعتی شگفت‌آور این تصویب‌نامه در روزهای آغازین کاری سال ۱۳۹۲ به‌دست نهادهای دولتی متولی در استان‌ها رسید و ستادهای اجرایی آن به ریاست استانداران در استان‌ها تشکیل شد. ماجرای این تصویب‌نامه که متن کامل آن نیز در ویژه‌نامه شماره ۵۵۸ روزنامه رسمی کشور منتشر شده و در روزهای آغازین سال ۱۳۹۲ لزره بر اندام ضعیف و شکننده مناطق چهارگانه محیط زیست کشور انداخت، این است که در بند ب ماده ۲ آن به ستادهای اجرایی توسعه بخش معدن استان‌ها اجازه داده است تا در راستای استفاده بهینه از ذخایر معدنی کشور، برای محدوده‌های دارای پتانسیل معدنی در درون مناطق چهارگانه محیط زیست نیز مجوز بهره‌برداری صادر کنند.

۴- در مصائب همسایگی با یکی از گرانقیمت‌ترین معادن ایران / دنیای معدن | یکشنبه، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳

۵- معدنی که بی سر و صدا فروخته شد! / مهر ۱۴م، ۱۳۹۳ / فرارو - به نقل از روزنامه اطلاعات





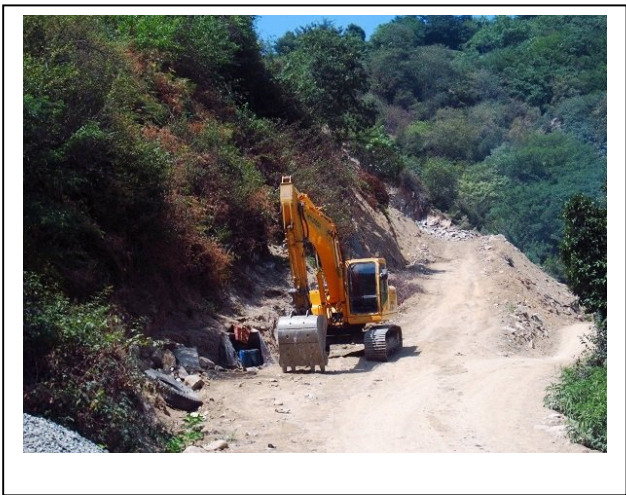
<http://isdle.ir/news/index.php?news=8758> -۸

<http://mes1391.blogfa.com/post-28.aspx>

۹- طرفداران محیط زیست و معترض به معدن، باج بگیر هستند =
-<http://isdle.ir/news/index.php?news=9173>

<http://eirib.ir/lastnews/17889-%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D9%82%D9%81-%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-%D8%B3%D9%86%DA%AF-%DA%A9%D9%88%D9%87-%D8%B4%D8%A7%D9%87-%D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF.html>

۱۰- باشگاه مخاطبان ایرنا . <http://www.irna.ir/fa/News/81381963>



رویدادهایی که نباید هیچ گاه فراموش شوند

۱۲ سال قبل ، در خاتون آباد شهر بابک چه خبر

بود؟

یکی از دردناک‌ترین اعتراضات کارگران در سال ۸۲ رخ داد در خاتون‌آباد شهر بابک. در دی ماه این سال ۲۰۰ نفر از کارگران مجتمع ذوب مس نیروک در روستای خاتون‌آباد شهر بابک کرمان با پایان گرفتن کار ساختمانی و اجرایی اخراج شدند. کارگران اخراجی همراه خانواده‌هایشان دست به تحصن زدند. آنان در نهمین روز تحصن خود در ۴ بهمن ۱۳۸۲، در پی نتیجه نگرفتن از اعتراض خود، اقدام به بستن جاده خاتون آباد - شهر بابک نمودند. نیروی انتظامی کارگران و خانواده‌هایشان را پراکنده کرد و در نتیجه آنها در مقابل فرمانداری شهر بابک تجمع کردند. در مقابل این اقدام کارگران هلی‌کوپترهای نیروی انتظامی تجمع آنها را به گلوله بسته که ۴ نفر از کارگران به نام‌های ریاحی ، جاویدی ، مهدوی و مومنی به همراه دانش‌آموزی به نام پورامینی کشته شدند. علی‌رغم این که شکایت‌هایی علیه عاملان این جنایت انجام شد اما هیچ پیگیری در این مورد انجام نشد.

نگاهی به بریده‌های یک روزنامه‌ی محلی از آن حادثه



گزارشات مردمی که در زیر منعکس می گردد از زبان شاهدان عینی جهت روشن شدن افکار عمومی و مسئولین جهت پیگیری می باشد و صحت و یا عدم آن منوط به بررسی بیشتر می باشد لذا مسئولین یا مردم در صورتیکه خلاف حقیقت در گزارشات مشاهده می کنند کتبا به دفتر نشریه ارسال نمایند .

کارخانه ذوب خاتون آباد که در آستانه بهره برداری است و با توجه به اینکه شرکتهای پیمانکار جهت راه اندازی کارخانه فعالیت آنها به اتمام رسیده بود و بیکاری تعدادی از مردم خاتون آباد که در این شرکتها مشغول به کار بودند و از طرفی جوانان جویای کار خاتون آباد که چشم به راه اندازی کارخانه داشتند تا شاید در این کارخانه به کار گرفته شوند با مواجه شدن با این پاسخ که ظرفیت پذیرش نیرو اشباع شده است و بعضی از نیروهای غیر بومی را به کار گمارده اند از روز شنبه ۲۷ دیماه گروه کثیری از مردم خاتون آباد اعم از زن و مرد ، پسر و جوان با تعطیل کردن مدارس این منطقه در یک حرکت نمادین در جلو راه ورودی به کارخانه ذوب مس اجتماع نمودند و اعتراض خود را اعلام داشتند و پس از گذشت ۶ روز هیچکدام از مسئولین به این منطقه جهت پاسخگویی حاضر نشدند و تنها در روز پنج شنبه نیروهای انتظامی شهر به منطقه آمدند که مردم با صلوات و ذبح گوسفند از آنها استقبال نمودند که مسئولین انتظامی شهر بابک نیز تحت تأثیر برخورد عاقلانه مردم قوار گرفتند و فرماندهان به مردم قول دادند که خواست آنان را به مسئولین منعکس کنند . در همین روز تعدادی بالگرد ، نیروهای یگان ویژه را از کرمان به منطقه منتقل کرده و در قسمت آبرسانی کارخانه پیاده کردند و بر فراز خاتون آباد بالگرد چندین مرتبه به چرخش در آمدند ، روز و شب جمعه را در آن منطقه گذراندند در روز جمعه مردم با توجه به تعطیلی کارخانه به در کارخانه مراجعه و یک ساعت بعد به خانه های خود برگشتند .

به گفته کارمندان آبرسانی در شب قبل از حادثه تعداد زیادی نیروهای یگان ویژه در قسمت آبرسانی مستقر شدند و از سیرجان هم نیروهای کمکی فرا خوانده شدند و چندین آمبولانس که از شب قبل در آنجا مستقر شده بودند باعث شد که ما احساس خطر کرده و این موضوع را به اطلاع مردم خاتون آباد نیز برسانیم .

جمعه شب امام جمعه شهر بابک به خاتون آباد عزیمت کرد و با مردم صحبت و آنان را به آرامش دعوت کرد و خطری که در پیش است را گوشزد نمود حدود ساعت ۶/۵ صبح که کاروان مردم خاتون آباد که به سمت کارخانه در حرکت بود به نزدیکی دو راهی ورودی کارخانه رسید که ناگهان نیروهای یگان ویژه با حمله به اتوبوس های حامل دانش آموزان و مردم ، با باتوم و گاز اشک آور به زنان و دختران دانش آموز که جلو دار بودند حمله کردند و مردم را تا ۳ کیلومتری به عقب راندند و در ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه با حمله مردم به نیروهای یگان ویژه و دنبال کردن ، آنها را به عقب رانده و مردم تا نزدیکی آبرسانی به جلو آمدند و در این هنگام جانشین فرماندهی کل نیروهای انتظامی کرمان (که دقایقی قبل با بالگرد به منطقه آمده بود) به همراه چند تن دیگر از فرماندهان به میان مردم رفتند . هر چند انتظار می رفت که مردم عکس العمل نشان دهند ولی همگی زمین نشسته و با شنیدن سخنانی از جمله محکوم کردن تیر اندازی به سوی مردم ، آنان را به آرامش دعوت نمودند و تصمیم گرفتند که ۴ نفر از اعتصاب کنندگان به نمایندگی از بقیه با حمایت ایشان به دفتر مقام معظم رهبری فرستاده شوند .

مدادی در درگیریها کشته شده اند ولی هنوز برای ما مشخص نیست که وسط چه کسی و چگونه کشته شده اند.

یگانهای ویژه تمام خیابانهای شهربابک را محاصره کردند

بر اساس اطلاعات رسیده در صبح روز یکشنبه هنگامی که مردم از خواب بیدار شدند خیابانهای شهر را مملو از نیروهای یگان ویژه دیدند که بعضی از آنها می گفتند شب گذشته با چندین فروند هواپیما جهت جلوگیری از شورش احتمالی مردم، به سیرجان منتقل و سپس به شهربابک اعزام شده اند.

مردم شهربابک با یورش به مراکز دولتی شیشه های آنها را فرو ریختند

با به صدا در آمدن آژیر آمبولانسها در سطح خیابانهای شهربابک و باخیز شدن مردم شهربابک از مجروح و کشته شدن دهها تن از مردم خاتون آباد احساسات آنان برانگیخته شد و با بستن مغازه های خود دهها موتور سوار با سنگ، شیشه های فرمانداری، بانکها و ادارات را فرو ریختند که در نزدیکی فرمانداری یکی از مردم جان باخت و از خشم مردم نیروهای انتظامی ساعتها در شهر دیده نمی شدند.

ساعت ۱۱ شب هواپیمای حامل استاندار

جلوگیری از شورش احتمالی مردم، به سیرجان منتقل و سپس به شهربابک اعزام شده اند.

نیروهای انتظامی اعزامی از سیرجان از حمله به مردم خودداری کردند

طبق گزارشات مردمی نیروهای انتظامی که از سیرجان به منطقه اعزام شده بودند فرماندهان آنها اجازه کوچکترین برخوردی با مردم را به نیروهای خود نداده و مردم را فقط به آرامش دعوت می کردند که از ما درخواست شد از فرماندهی فہیم نیروی انتظامی سیرجان تشکر گردد.

درد دلہای مردم خاتون آباد

ما لیسانس شیمی با معدل ۱۷ در خاتون آباد داریم حالا که تمام شرایط را داریم برایمان می گویند مرد می خواهیم در کجای ایران لیسانس شیمی مرد با زن فرق می کند. کدام کارخانه است که زن لیسانس شیمی نمی تواند در آن کار کند. در این کارخانه لیسانس ادبیات داریم که کار حسابداری می کند و غیر بومی است، چرا از لیسانسهای حسابداری خود این منطقه نگرفته اند. اصلا به آزمونهایی که برگزار کرده اند اعتماد و ایمان نداریم. بی جهت به ما می گویند شما سواد ندارید در حالیکه نیمی از تحصیل کرده های خاتون آباد لیسانس و فوق لیسانس هستند من نمی دانم چرا می گویند شما تحصیل کرده ندارید. به نیروهای انتظامی گفتم درگیر نشوید، نماینده می فرستیم، با باتوم به گردنم زدند و شیشه ماشینم را شکستند. راننده و نیرو از ماکو، رشت و کرج که غیر بومی اند در این شرکت کار می کنند ولی از مردم بومی نگرفته اند. فرزندم پر اید داشت به من قول دادند اگر می خواهی کار کنی باید سمند داشته باشی با وام و قرض ماشینت را عوض کردیم آنگاه به ما گفتند در خانه خود باش هر وقت مسافر خارجی داشتیم زنگ می زنیم بیا آنها را جابجا کن که یکی دو بار زنگ زدند و دیگر خبری نشد. حالا نمی دانم چگونه پول وام و قرضم را پردازم.



چند تن از مجروحین بستری در بیمارستان ولیعصر

استثمار دیگر بس است

دیگر نمیگذاریم

بر پا کنندگان ستم

نیروی بازوانمان را تاراج کنند

قانون کهنه را بدر افکن

این قانون، شلاق ستمگران است

ما قانون بهتر خواهیم آورد

قانون اتحاد، کار، مساوات، آزادی

بگذار خون ستمگران

چو رودخانه ای

بر سنگفرش خیابان ها جاری گردد

